

روان شناسی و دین

سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار ۱۳۹۳



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصل نامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمدناصر سقایی بی‌ریا

سر دبیر

محمد رضا احمدی

مدیر اجرایی و صفحه‌آرا

سجاد سلگی

ناظر چاپ

حمید خانی

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

نمایه در ISC

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی رضا اعرافی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

استادیار جامعه المصطفی العالمیه

محمد ناصر سقایی بی‌ریا

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

استادیار جامعه المصطفی العالمیه

سید محمد غروی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی قدس سره - طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۸۰ مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۶ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی

http://eshop.iki.ac.ir

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدمه‌ماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
 - آدرس دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج. یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

کارآیی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش‌آموزان / ۵
کیزدان موحدی / کلثوم کریمی نژاد / تورج هاشمی نصرت‌آبادی / معصومه موحدی

اثر بخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر سطح پر خاشنگری / ۱۷
کهمهدی امیدیان / مهناز علی‌اکبر دهکردی / سبحان پور نیک‌دست / طیبه محتشمی

بررسی نظریه‌های همسرگزینی و نقد آنها با تکیه بر منابع اسلامی و روان‌شناسی / ۳۱
کهادی حسین‌خانی نائینی / مسعود جان‌بزرگی / بهروز مهران

نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی / ۴۷
کمحمدسجاد صیدی / علی محمد نظری / محمد ابراهیمی

بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی / ۵۹
کاعظم محمودزاده / سیمین حسینیان / سیداحمد احمدی / مریم فاتحی‌زاده

اثر بخشی آموزش طرح امید در میزان بهزیستی فاعلی زندانیان / ۷۱
کحسین رادی / شهرام وزیری / فرح لطفی کاشانی

رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان / ۸۱
کپرویز عسگری / سحر صفرزاده

ملخص المقالات / ۹۷

۱۰۴ / Abstracts

کار آیی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش آموزان

yazdan_movahedi@yahoo.com

یزدان موحدی / کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تبریز

کلتوم کریمی نژاد / کارشناس ارشد مشاوره خانواده علوم پزشکی لرستان
تورج هاشمی نصرت‌آبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز

masumemovahedi@yahoo.com

معصومه موحدی / کارشناس ارشد مشاوره خانواده علوم پزشکی لرستان
دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی میزان کارایی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش آموزان بود. این پژوهش، از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل استفاده شد. نمونه شامل ۴۰ دانش آموز از میان ۴۶۰ هزار دانش آموز دختر دبیرستانی شهرستان خرم‌آباد بود که طبق معیار نقطه برش در سطح نامطلوبی قرار داشتند، انتخاب شدند. ۲۰ نفر برای گروه آزمایش و ۲۰ نفر برای گروه کنترل انتخاب شدند. مداخله مبتنی بر آموزش معنویت طی ۸ جلسه نود دقیقه‌ای، هر هفته یک جلسه اجرا شد. پس از اتمام جلسات آزمون کیفیت زندگی روی دو گروه اجرا گردید. دو ماه بعد، مجدداً آزمون کیفیت زندگی به‌عنوان دوره پیگیری بر روی هر دو گروه انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس، نشان داد که بین میانگین نمره‌های پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/01$)، به نحوی که مداخله مبتنی بر آموزش معنویت موجب بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در گروه آزمایش شده است. با توجه به تأثیر مثبت باورها و اعمال مذهبی در سلامت روان، استفاده از این ظرفیت‌ها در برنامه‌ریزی اقدام‌های بهداشت روانی، بخصوص در مورد دانش آموزان توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش معنویت، کیفیت زندگی، دانش آموزان.

مقدمه

کیفیت زندگی، ساختاری پویا و ذهنی است که به مقایسه وضعیت زندگی گذشته با حوادث اخیر در همه جوانب مثبت و منفی می‌پردازد. ماهیت ذهنی کیفیت زندگی به ادراک افراد درباره وضعیت زندگی‌شان، به‌جای گزارشات دیگران می‌پردازد و براساس تعریف فرانس و پوررس، ناشی از خوشنودی و یا عدم خوشنودی از حیطه‌هایی از زندگی که برای فرد اهمیت دارد، می‌باشد. بنابراین، بیماران با مشکلات مشابه ممکن است نظرات متفاوتی در مورد کیفیت زندگی خود داشته باشند و آن را به صورت‌های مختلفی گزارش کنند (گران و ریورا، ۱۹۹۸، ص ۳۷). اهمیت سنجش کیفیت زندگی به حدی است که برخی، بهبود کیفیت زندگی را به‌عنوان مهم‌ترین هدف مداخلات درمانی نام می‌برند و حداکثر این اهمیت مربوط به بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن است که درمان قطعی برای بیماری آنها شناخته نشده است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۳). زندگی با کیفیت مطلوب، ریشه در اعتقادات و آموزش‌های دینی مسلمانان دارد. عوامل بسیاری در زندگی با کیفیت مطلوب دخالت دارد.

در عصر حاضر، متخصصان روان‌شناسی در پی کشف درمان‌های جایگزین برای بهبود بیماری‌های روانی بوده و در حوزه سلامت عمومی، دست به خلاقیت و نوآوری می‌زنند. اخیراً این پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که برای بهبود بیماری‌های روانی، می‌توان علاوه بر دارودرمانی و سایر امکانات پزشکی و درمانی رایج و مدرن، از مذهب، دعا و پزشکی روحانی استفاده کرد (سید، ۲۰۰۳). بر این اساس، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که انجام فرامین مذهبی، ایمان و شرکت در مراسم مذهبی، می‌توانند نقش مؤثری در جلوگیری از ابتلا به مشکلات روانی افراد و درمان آن داشته و موجب ارتقاء سطح سلامتی و بهزیستی افراد شوند؛ (هکنی و ساندرز، ۲۰۰۳، ص ۴۳؛ هیلز و فرانسیس، ۲۰۰۴، ص ۶۱). این امر برای متخصصان بهداشت روان مهم است که با شناخت اعتقادات و مراسم مذهبی مراجعان، از آن به‌عنوان یک منبع جایگزین مهم و حمایتی استفاده کرده و با توصیه مراجعان به معنویت و شرکت در مراسم مذهبی، بتوانند آنها را به آرامش درونی سوق دهند (سولان، ۲۰۰۵، ص ۱۴). تأثیر این امر، به این دلیل است که فرد با افزایش معنویت، به نوعی خودکنترلی دست پیدا می‌کند که مانع از اثربخشی شرایط بیرونی و در نتیجه، کمتر تحت تأثیر شرایط نامناسب قرار گرفته و سلامت روان خود را حفظ می‌کند (تبرایی و دیگران، ۱۳۸۷).

در این زمینه، نتایج پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که میزان معنویت و جنبه‌های مختلف آن، در انسان‌ها موجب کاهش و یا حتی از بین رفتن اضطراب و افسردگی می‌شود. این مطالعات نشان می‌دهند که بین میزان اضطراب و معنویت همبستگی منفی و معناداری وجود دارد (جاسمی و دیگران، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان می‌دهد که هنگام ایجاد تجربه معنوی بخش‌هایی از مغز چون، نواحی پشتی میانی پیشانی، پشتی جانبی جلوی پیشانی و آهیانه میانی فعال می‌شوند. با توجه به اینکه این نواحی با فعالیت شناختی در ارتباط هستند، می‌توان گفت: تجربه معنوی یک تجربه هیجانی نبوده، بلکه حاصل تأمل و اندیشیدن است (آذری و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۱۶۴۹).

علاوه بر این، در زمینه تأثیر معنویت بر بهبود کیفیت زندگی و سلامت جسمانی و روانی، بیان می‌دارند که معنویت مانند آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی بوده و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند با کائنات را به وجود می‌آورد (اکستین و کرن، ۲۰۰۳، ص ۲۳۸). افکار مثبت و سخت‌رویی هر دو از مؤلفه‌های معنویت بوده و با سلامت و مقاومت در برابر استرس ارتباط دارند. تکیه‌گاه معنوی می‌تواند تأثیر ضربه‌گیری در برابر استرس داشته باشد. همچنین بین سلامت روانی، سلامت جسمی، رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مثبت وجود دارد.

پیدمونت معتقد است که معنویت به دلیل تأثیر مثبت بر سلامت و بهزیستی شخصی، راهی است که در آن، معنای برتر نهایی خلق می‌شود و می‌توان آن را تا حدودی به‌عنوان یک جنبه سازماندهی شده بنیادی شخصیت در نظر گرفت (پیدمونت، ۲۰۰۴، ص ۲۶۲). همچنین براساس دیدگاه برگین (۱۹۹۱)، معنویت بر سلامت روانی افراد تأثیر مثبتی دارد. به دلیل سبک زندگی خاص افراد مذهبی، رویدادها را کمتر فشار انگیز ارزیابی می‌کرده یا بعد از بروز استرس، آن را به منزله فرصتی برای رشد و تقویت روحی و معنوی خود می‌دانند و یا آن را برنامه و تقدیر گریزناپذیر الهی تعبیر و تفسیر می‌کنند (برگین، ۱۹۹۱، ص ۳۹۴).

بر همین اساس، با توجه به نقش معنویت در بهداشت روان و ارتقای سلامت روان (کرو و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۱۸۶)، اهمیت معنویت و رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به‌صورت روزافزونی، توجه روان‌شناسان و پژوهشگران بهداشت روانی را به خود جلب کرده است (اسپیکا و همکاران، ص ۳؛ آتن و اسشنسک، ۲۰۰۷، ص ۱۸۳؛ آتن و ورتینگنوت، ص ۲۲۴؛ کیزدی و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱).

در این زمینه، مطالعات متعددی نقش دین و معنویت را در کیفیت زندگی و سلامت روان نشان داده‌اند. در یک مطالعه آزمایشی، نقش دعا بر میزان اضطراب، افسردگی و عزت نفس ارزیابی شد. یافته‌ها نشان داد که دعا موجب کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش عزت نفس می‌شود (الویرس، ۱۹۹۷، ص ۳۸). از سوی دیگر، پژوهش ابراهیمی‌فرد (۱۳۸۴) نشان داد که بین نگرش مثبت نسبت به دعا و نیایش فردی با میزان اضطراب دانشجویان رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین ذکر خدا به‌عنوان نیرویی برای مقابله با

استرس شناخته شده است (حمید، ۱۳۸۸). به علاوه، نتایج مطالعه اکس‌لاین، که در آن مذهب به عنوان منبع آرامش درونی تلقی شده است، حاکی از آن است که آرامش روانی با داشتن مذهب همبستگی مثبت دارد، آزمودنی‌های پژوهش، گرایش به نداشتن مذهب را با سطح بالای افسردگی و افکار خودکشی مرتبط دانستند (اکس‌لاین، ۲۰۰۸، ص ۱۳۱). از سوی دیگر، اژدری فرد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش معنویت در بهبود سلامت روان دانش‌آموزان مؤثر است.

همچنین مورفی و ماهالینگام نشان دادند که اعتقادات دینی و مقید بودن به آنها، با عدم افسردگی همبستگی دارد (مورفی و ماهالینگام، ۲۰۰۶، ص ۱۲۰). با این حال، بولهری و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه خود تحت عنوان «اثر بخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه» دریافتند که گروه درمانی معنوی موجب کاهش افسردگی در گروه تحت آزمایش شده، اما در میزان اضطراب و استرس آنان تأثیری ندارد. براساس این پژوهش‌های متناقض، هدف این پژوهش بررسی کارایی آموزش مبتنی بر معنویت در بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی دانش‌آموزان با پیگیری دو ماهه بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرح آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. آزمودنی‌های این پژوهش شامل دو گروه از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهرستان خرم‌آباد بودند که از طریق پرسش‌نامه کیفیت زندگی شناسایی شدند. یک گروه آنها، در معرض مداخله آموزشی مبتنی بر معنویت قرار گرفتند. یک گروه نیز به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شدند. هیچ‌گونه مداخله‌ای برای آنها اجرا نشد. مداخله مبتنی بر آموزش معنویت به عنوان متغیر مستقل برای گروه آزمایش اعمال شد، و کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. برای هر دو گروه، پیش‌آزمون و سپس ده روز بعد از اعمال مداخله پس‌آزمون اجرا شد همچنین دو ماه پس از اجرای پس‌آزمون نیز پیگیری به عمل آمد.

جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهرستان خرم‌آباد بودند که از میان آنها، ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۶۶۰ دانش‌آموز پرسش‌نامه کیفیت زندگی را تکمیل کردند. از میان این دانش‌آموزان، آنهایی که براساس نقطه برش پرسش‌نامه در وضعیت غیرنرمالی قرار داشتند، ۴۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند و مداخله معنوی طی ۸ جلسه، نود دقیقه‌ای انجام شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

ابزار پژوهش؛ در پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شده است:

الف: پرسش‌نامه کیفیت زندگی: این پرسش‌نامه، فرم خلاصه‌شده مقیاس ۱۰۰ ماده‌ای کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHO) است که جنبه‌های گوناگون کیفیت زندگی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسش‌نامه، رایج‌ترین ابزار سنجش کیفیت زندگی است. در ایران، اعتبار این پرسش‌نامه ارزیابی و تأیید شده است (قزلسفلو و اثباتی، ۱۳۹۰). مقیاس کیفیت زندگی دارای ۲۶ سؤال است. دو سؤال آن در مورد رضایت‌مندی از سلامت عمومی و درک کلی فرد از کیفیت زندگی خود و سایر سؤال‌ها، احساس و رفتار فرد را در دو هفته اخیر در ابعاد مختلف کیفیت زندگی اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر پایایی ابزار مذکور در پژوهش (همان، ۱۳۹۰)، در بعد سلامت فیزیکی ۰/۷۷، در بعد روانی ۰/۷۷، در بعد اجتماعی ۰/۷۵ و در بعد محیطی برابر با ۰/۸۴ بوده و همسانی درونی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمده است (همان).

ب: مداخله آموزشی مبتنی بر معنویت به شیوه گروهی: آموزش معنویت در این پژوهش، برگرفته از مداخلات معنوی و مذهبی مطرح شده توسط ریچاردز و برگین بوده و با رویکرد اسلامی و محوریت مباحثی چون مراقبه، نیایش، توبه و گذشت، نوع دوستی، صبر، توکل و شکر برای گروه مورد مطالعه اجرا گردید (ریچاردز و برگین، ۲۰۰۵، ص ۲۴۱). مداخله معنوی، شامل دعا، استفاده از نوشته‌های متون مقدس، مراقبه، تصویرسازی معنوی (شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳، ج ۱؛ اعتمادی، ۱۳۸۴)، عبادات و مناسک (اعتمادی، ۱۳۸۴)؛ خودفاش‌سازی معنوی (شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳، ج ۱) همراهی و خدمت (اعتمادی، ۱۳۸۴)، نوشتن یادداشت‌های روزانه، تمرکز و کتاب درمانی است (میلر، ۲۰۰۳، ص ۳۲).

در ابتدای هر جلسه مروری بر تکلیف جلسه قبل از آزمودنی‌ها پرداخته می‌شد. به دنبال آن، بحث و آموزش مقوله مورد نظر انجام می‌شد. همچنین، به تمرین در گروه پرداخته شده و در پایان، با معرفی تکالیفی که می‌بایست آزمودنی‌ها در فاصله زمانی تا جلسه بعد انجام می‌دادند، جلسه پایان می‌یافت. محتوای جلسات و روش مداخله به شرح زیر است:

جلسه اول، شامل آشنا شدن اعضای گروه با یکدیگر و گفت‌وگو در مورد مفهوم معنویت و دین و تأثیر آن در زندگی افراد، و مختصری درباره نحوه انجام پژوهش بود.

جلسه دوم، شامل نماز جماعت و سخنرانی مذهبی و آموزش انجام کارهای معنوی به صورت گروهی بود.

جلسه سوم، شامل نماز جماعت، و قرائت زیارت عاشورا؛ و همچنین آموزش بخشایش‌گری بود.

نبرایت (۲۰۰۲) سه جنبه را برای بررسی بخشایش‌گری پیشنهاد می‌کند: بخشیدن دیگران، بخشیدن خود و پذیرش بخشایش‌گری. وی آثار بخشایش‌گری را در کاهش اضطراب و افسردگی و بهبود روابط بین فردی، در مطالعات متعددی نشان داده است (بهرامی دشتکی و دیگران، ۱۳۸۶).

جلسه چهارم، شامل نماز جماعت و آموزش دعا. دعا بخش اصلی اعمال مذهبی است. همان‌طور که مک‌کولا و لارسون بیان می‌کنند، دعا از اعمال، افکار و نگرش‌هایی تشکیل می‌شود که فرد را به ساحت مقدس پیوند می‌دهد (مک کولا و لارسون، ۱۹۹۳). دعا می‌تواند به‌عنوان گفت‌وگو تلقی شده و موجب آرام شدن زندگی فرد شود و فرد در مورد سؤالات زندگی خود اطلاعات و پاسخ‌هایی دریافت می‌کند (بهرامی دشتکی و دیگران، ۱۳۸۶).

جلسه پنجم، شامل نماز جماعت و تفسیر قرآن و آموزش اندیشه‌های معنوی و مراقبه بود. مراقبه نوعی اندیشه معنوی بوده که شامل عمل همراه با تمرکز است. اندیشه معنوی شامل مراقبه و لحظات خودانگیخته و سازمان‌نیافته‌ای است که در آن فرد با وحدت امور پیوند برقرار می‌کند. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که فعالیت‌های معنوی و شهودی مثل مراقبه و اندیشه معنوی و تصویرسازی معنوی نسبت به مداخلات علمی رایج، مثل تن آرامی که خالی از هر نوع محتوا یا فضای معنوی است، آثار شفابخش نیرومندتری بر مراجعین مذهبی و معنوی دارد (اعتمادی، ۱۳۸۴).

جلسه ششم، شامل نماز جماعت، بیان زندگی‌نامه ائمه علیهم‌السلام و آموزش همراهی و خدمت‌خالصانه به تقویت ایمان و مقاومت در برابر فشارها، اجتناب از مشغول شدن به خود و گسترش دیدگاه اجتماعی و معنوی، پرورش حس نوع‌دوستی، احساس تعلق و مقبولیت اجتماعی، احساس هماهنگی با خدا و کنار آمدن با استرس، مرگ و بیماری منجر می‌شود (پارگامنت، ۱۹۹۶)، همچنین مطالعات متعددی نشان داده‌اند که همراهی و خدمت خالصانه اثرات جسمانی و روان‌شناختی مفیدی دارد (اعتمادی، ۱۳۸۴).

جلسه هفتم، شامل نماز جماعت، تفسیر نهج‌البلاغه و همچنین آموزش تمرکز بود (هیتر کف، ۱۹۹۸). تمرکز را تکنیکی توصیف می‌کند که می‌تواند در فرایند مشاوره به کار برده شود تا تلفیق معنویت را با مشاوره تسهیل کند. تمرکز تکنیکی است که مراجعان یاد می‌گیرند بدون قضاوت به خودشان گوش فرا دهند. آموزش این تکنیک به افراد کمک می‌کند تا میان ذهن، جسم و روح خودشان رابطه برقرار کرده و به‌واسطه آن، انسان‌های یکپارچه‌تری باشند (بهرامی دشتکی و دیگران، ۱۳۸۶).

جلسه هشتم، شامل مروری بر جلسات، نظرسنجی و پرسش و پاسخ بود.

یافته‌های پژوهش

پس از اجرای آموزش مبتنی بر معنویت از هر دو گروه آزمایش و کنترل، پس‌آزمون و پیگیری به عمل آمد و سپس داده‌های مرتبط با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری استخراج شد. در جدول شماره (۱) نتایج مربوط به آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) دو گروه آزمایش و کنترل در شرایط پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان داده شده است.

جدول (۱) آماره‌های توصیفی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری آزمودنی‌ها

متغیرها	گروه	آزمایش		کنترل
		میانگین	انحراف معیار	
سلامت جسمانی	پیش‌آزمون	۱۱/۳۰	۱/۳۸	۱/۷۱
	پس‌آزمون	۱۴/۷۵	۱/۲۷	۱/۵۷
	پیگیری	۱۳/۷۵	۱/۳۷	۱/۸۰
سلامت روانی	پیش‌آزمون	۹/۶۰	۱/۳۹	۱/۰۷
	پس‌آزمون	۱۳/۶۰	۱/۳۵	۰/۹۴
	پیگیری	۱۲/۳۰	۱/۵۲	۱/۰۳
سلامت اجتماعی	پیش‌آزمون	۶/۳۵	۱/۲۶	۰/۹۶
	پس‌آزمون	۸/۵۰	۱/۲۷	۱/۰۸
	پیگیری	۷/۶۵	۱/۴۲	۱/۲۳
سلامت محیطی	پیش‌آزمون	۱۳/۴۵	۱/۳۱	۱/۱۸
	پس‌آزمون	۱۵/۸۵	۱/۰۳	۱/۱۷
	پیگیری	۱۵/۰۵	۱/۱۹	۱/۸۶
کیفیت زندگی	پیش‌آزمون	۴۰/۷۰	۲/۸۸	۲/۹۷
	پس‌آزمون	۵۲/۷۰	۲/۶۳	۲/۴۴
	پیگیری	۴۸/۷۵	۲/۴۸	۳/۰۶

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، بین میانگین نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری گروه کنترل و آزمایش تفاوت مشاهده می‌شود. برای نشان دادن معناداری تفاوت بین نمرات فوق، از تحلیل کوواریانس استفاده شد. پیش از انجام تحلیل کوواریانس، ابتدا مفروضه‌های لازم برای انجام تحلیل کوواریانس بررسی گردید. بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهد که معناداری آزمون لون در نمره کل مقیاس کیفیت زندگی ۰/۲۸۹ است و آماره آزمون لوین نیز ۱/۱۵ می‌باشد. با توجه به این امر، پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در گروه‌های مورد مطالعه محقق شده است. بررسی همگنی شیب خط رگرسیون نیز از معنادار نبودن تعامل شرایط و پیش‌آزمون حمایت می‌کند. بنابراین، می‌توان از تحلیل کوواریانس برای تحلیل نمرات آزمون فوق استفاده کرد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس در مؤلفه‌های کیفیت زندگی

مؤلفه	متغیر	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
جسمی	پیش‌آزمون	۱۳/۰۱	۶/۹۰	۰/۱۲	۰/۱۵
	گروه	۱۷۷/۷۱	۹۴/۳۵	۰/۰۱	۰/۷۱
روانی	پیش‌آزمون	۰/۸۱	۰/۵۹۰	۰/۴۴۷	۰/۰۱
	گروه	۱۸۴/۱۹	۱۳۳/۷۹	۰/۰۱	۰/۷۸
اجتماعی	پیش‌آزمون	۱/۰۱	۰/۷۱	۰/۴۰۲	۰/۰۱
	گروه	۹۰/۱۸	۶۳/۹۴	۰/۰۱	۰/۶۳
محیطی	پیش‌آزمون	۰/۹۳	۰/۷۵	۰/۳۹۱	۰/۰۲
	گروه	۶۴/۲۷	۵۱/۹۰	۰/۰۱	۰/۵۸
کیفیت زندگی	پیش‌آزمون	۲۵/۰۶	۴/۱۹	۰/۰۴۸	۰/۱۰
	گروه	۲۰۲۷/۵۱	۳۳۹/۵۵	۰/۰۱	۰/۹۰

نتایج تحلیل کوواریانس با حذف اثر پیش‌آزمون، نشان داد که تفاوت بین میانگین‌های نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در کیفیت زندگی و مؤلفه‌های آن معنادار است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، با کنترل نمره پیش‌آزمون، آموزش مبتنی بر معنویت موجب بهبود کیفیت زندگی و مؤلفه‌های آن شده است و میزان تأثیر معنویت درمانی ۹۰ درصد بوده است.

برای پاسخ به این سؤال که آیا آموزش مبتنی بر معنویت در طی ۲ ماه ماندگار مانده یا نه، از آزمون T گروه‌های مستقل استفاده شد، نتایج نشان داد، نمره کیفیت زندگی با $T 18/14$ و با سطح معناداری $0/704$ تفاوت معناداری را بین پس‌آزمون و پیگیری نشان نمی‌دهد. این امر نشان می‌دهد که درمان فوق ماندگار بوده و پس از دو ماه کیفیت زندگی آزمودنی‌ها افت نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی کارایی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر ارتقای مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش‌آموزان بود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آموزش معنویت موجب بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش‌آموزان می‌شود. این یافته تا حدودی با نتایج اژدری‌فرد و همکاران (۱۳۸۹)، غلامی و بشلیه (۱۳۹۰)، هکنی و ساندرز، ۲۰۰۳، ص ۴۳؛ هیلز و فرانسیس، ۲۰۰۴، ص ۶۱) همسو است. همچنین نتایج پژوهش با پیگیری دو ماهه نشان داد که درمان فوق ماندگار بوده است و پس از دو ماه میزان کیفیت زندگی دانش‌آموزان نسبت به دوره پس‌آزمون کاهش نداشته است.

روبرت (۱۹۹۲) معتقد است که معنویت برای افراد، در مواجهه با مشکلات، منبع حمایتی است و باورها و فعالیت‌های معنوی به‌عنوان روشی تعریف شده است که منابع معنوی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل به خداوند را برای مقابله به کار می‌برند. از سوی دیگر، اثربخشی درمان‌های معنوی موجب شده است تا روش‌های درمانگری معنوی، جایگاه ویژه‌ای در بین شیوه‌های مهار اختلالات روانی پیدا کنند و تحقیقات مبتنی بر نظریه‌های روان‌درمانی دینی اثربخشی این روش‌ها را در کاهش مشکلات روانی افراد نشان داده‌اند (سید، ۲۰۰۳).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت: نماز، دعا، ذکر و پرداختن به فعالیت‌های معنوی از راه مراکز قشری مغز و ارتباط متقابل آنها با مراکز غدد تالاموس و هیپوتالاموس معنا و مفهوم عاطفی پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، این مراکز با غده هیپوفیز در ارتباط هستند که این غده، فعالیت دیگر غده‌ها را تنظیم می‌کند. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پرداختن به فعالیت‌های مذهبی بر روی مکانیزم‌های دفاعی بدن مثل پادتن‌ها تأثیر مثبت گذاشته، و مقاومت بدن را در برابر بیماری‌های مزمن جسمی مثل سرطان و یا

بیماری‌های مزمن روانی افزایش می‌دهد. توسل به ائمه علیهم‌السلام، زیارت، دعا و نماز، ابتدا توسط مغز دریافت شده، و با توجه به نیت و قصد نیروبخشی و افزایش توانایی، این اطلاعات در سیستم عصبی تجزیه و تحلیل شده، که طی آن به سیستم ایمنی دستور داده می‌شود تا در مقابل استرس و فشار روانی مقاومت کند (غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، نیوبرگ و دی‌اکویلی معتقدند که در همهٔ تجربه‌های عمیق معنوی حالت‌های وحدت‌یافتگی و تجربه‌هایی نظیر وجد، نشاط، خوف و رجا دیده می‌شود (نیوبرگ و دی‌اکویلی، ۲۰۰۱، ص ۳۲). از این رو، تجربه معنوی قسمت‌هایی از مغز مثل دستگاه کناری، قطعه آهیانه‌ای بالایی، قطعه گیجگاهی پایینی و قشر جلوی پیشانی را درگیر می‌کند. برای مثال، در پاره‌ای از شیوه‌های مراقبه یا تمرکز روی یک شیء بیرونی یا یک موضوع درونی، موجب فعال شدن مدارای شامل قشر جلوی پیشانی سمت راست و قطعه گیجگاهی پایینی و قطعه آهیانه بالایی می‌شود. همچنین نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به تأثیر ویژه آموزش معنویت در بهبود نگرش و تغییر فرد نسبت به زندگی یا بیماری است. اهمیت عامل فشارآور از طریق ارزیابی‌های شناختی، که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی قرار دارد، تعیین می‌شود. افراد بر مبنای منابع در دسترس و از راه‌های گوناگون کنار آمدن، اضطراب خود را مدیریت می‌کنند. از این دیدگاه، می‌توان گفت: باورها، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، معنویت می‌تواند به افراد کمک کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی نماید. بنابراین، معنویت حس قوی‌تری را ایجاد می‌نماید که از این راه به سازگاری و کاهش اضطراب کمک می‌کند (بوالهری و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین توکل به خدا، اضطراب را کاهش می‌دهد و در مواردی نیز اضطراب بالا موجب می‌شود تا فرد به خدا توکل کند. به عبارت دیگر؛ اضطراب موجب می‌شود تا فرد بیشتر از توکل به خدا، به عنوان یک سازوکار مقابله معنوی استفاده کند. افراد با اعتقادات معنوی ضعیف از این سازوکار کمتر استفاده می‌کنند. بنابراین، معنویت به عنوان یکی از متغیرهای واسطه‌ای اثرات منفی عوامل استرس‌زا را تعدیل می‌کند (پارگامنت، ۱۹۹۰، ص ۱۹۵).

از سوی دیگر، اعتقاد به محبوب بودن نزد خداوند، موجب افزایش اعتماد به نفس شده، و بر ذهن و روان مؤمن تأثیرات مثبتی خواهد گذاشت. افزون بر این، فرد متدین احساس می‌کند عضو گروهی از انسان‌هاست که پشتوانه او در مشکلاتند و احساس داشتن پشتوانه اجتماعی، از حس تنهایی او کاسته و موجب تأثیرات مثبت بر ذهن و روان او می‌شود (نظرنژاد و تادوانی، ۱۳۸۹). یکی از دلایل این تغییرات می‌تواند قرار گرفتن فرد در گروه باشد. گروه موجب افزایش آگاهی افراد درباره خودشان، در اثر تعامل با سایر اعضا و دریافت بازخورد از آنها می‌شود. همچنین،

ارتقای مهارت‌های بین فردی، اجتماعی و انطباقی افراد با محیط کمک می‌کند (اسپیرا و همکاران، ۲۰۰۰). این موقعیت موجب ایجاد حمایت اجتماعی برای اعضای گروه می‌شود. این حمایت بر اساس پژوهش‌های پیشین، عاملی مهم در کاهش افسردگی است. دعا، نیایش، ارتباط با خدا و همچنین بخشش، باعث ایجاد تجربیات معنوی روزانه می‌شوند که این عامل، اثرات کاهنده‌ای بر افسردگی دارد (بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۱). در رابطه با تأثیر دینداری بر کاهش میزان افسردگی شواهدی وجود دارد، مبنی بر اینکه، دینداری می‌تواند افراد را از افسردگی، محافظت کرده و تسهیل‌کننده روند بهبود باشد و واگذاری مشکلات به خدا نیز در این زمینه مؤثره بوده است (برانکایکست و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۲۷۰). در مجموع، حالت آرامش روان، آرام‌سازی و آسودگی ناشی از مسائل مذهبی از آن جهت است که فرد به گونه‌ای آگاهانه و خالصانه به آن عشق می‌ورزد. از جمله در احوال بزرگان نیز آمده که با نماز، دعا، قرآن و سایر اعمال مذهبی به آرامش می‌رسیدند. مانند روایت بیرون کشیدن تیر از پای حضرت علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هنگام نماز به بلال می‌فرمود: «بلال ما را به آرامش برسان» و یا بزرگانی مثل *ابن سینا*، که هنگام مواجهه با مسائل و مشکلات، دو رکعت نماز می‌خواندند. شرکت در مراسم مذهبی و عبادی مثل نماز و دعا باعث کاهش تنش و رهایی از پریشانی‌های عاطفی می‌گردد. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند تأییدی باشد بر آیه مبارکه قرآن که می‌فرماید: «آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست» (غلامی و بشلیده، ۱۹۰).

آموزش معنویت، یکی از راه‌های اساسی و پراهمیت است که بشر می‌تواند به کمک آن از ابتلاء به بیماری‌های جسمی، روانی و اجتماعی پیشگیری کند و با استعانت گرفتن از دین، نماز و نیایش، به منبع لایزال و نامتناهی قدرت الهی وابسته شده و احساس امید و آرامش کند. شرکت در مراسم مذهبی آثار روانی - اجتماعی مهمی به همراه دارد که علاوه بر انجام فرایض دینی، نوعی ارتباط سالم و عاطفی بین افراد جامعه ایجاد می‌شود. بنابراین، می‌توان از یافته‌های این پژوهش در بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان و نوجوانان استفاده نمود.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که به دانش‌آموزان دختر محدود شده است. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی، این پژوهش در مورد هر دو جنس پسران و دختران انجام گرفته و تغییرات هر دو گروه با هم مقایسه شوند. همچنین محدودیت دیگر مربوط به ابزار پژوهش است که شامل پرسش‌نامه‌های خودگزارش دهی می‌باشد.

منابع

- اژدری‌فرد، پری سیما و همکاران، «بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش‌آموزان» (تابستان ۱۳۸۹)، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ش ۵، ص ۱۷-۳۱.
- اعتمادی، علذرا، «ایمان و معنویت در مشاوره و روان‌درمانی» (پاییز ۱۳۸۴)، *تازه‌های روان‌درمانی*، ش ۱۰، ص ۱۳۱-۱۴۶.
- احمدی، فضل‌الله و دیگران، «بررسی کیفیت زندگی سالمندان شهر زاهدان» (بهار ۱۳۸۳)، *حیات دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ش ۲۲، ص ۶۱-۶۷.
- بهرامی‌دشتکی و دیگران، «اثربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان» (زمستان ۱۳۸۶)، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۵، ص ۴۹-۷۲.
- بوالهروی، جعفر و همکاران، «اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه» (تابستان ۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی زنان*، ش ۳، ص ۸۵-۱۱۲.
- تبرایی، رامین و دیگران، «بررسی سهم تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر سلامت روان در مقایسه با عوامل جمعیت‌شناختی» (بهار ۱۳۸۷)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱، ص ۳۷-۶۲.
- جاسمی، منا و دیگران، «بررسی اثربخشی درمان هفت مرحله‌ای فوری‌ترین بری و موری در بهبود افسردگی، اضطراب و تنیدگی» (زمستان ۱۳۹۰)، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۲، ص ۳۷-۵۱.
- قرلسفلو، مهدی و مهرنوش اثباتی، «اثربخشی گروه درمانی امیدمحور بر بهبود کیفیت زندگی مردان مبتلا به اچ‌ای وی مثبت» (پاییز ۱۳۹۰)، *اندیشه و رفتار*، ش ۶، ص ۴۹-۶۷.
- حمید، نجمه، «بررسی رابطه نگرش مذهبی با سلامت روانی و عملکرد سیستم ایمنی بدن سلول‌های T کمکی، سلول‌های T مهای/انهدامی و سلول‌های ضد سرطانی NK» (بهار ۱۳۸۸)، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۵، ص ۱۷-۲۸.
- غلامی، علی و کیومرث بشلیده، «اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه» (زمستان ۱۳۹۰)، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۱، ص ۳۳۱-۳۴۸.
- شهیدی، مرتضی و احمد شیرافکن (۱۳۸۳)، *روان‌درمانی و معنویت*، تهران، رشد.
- Aten, D.J., & Schenck, J.E. (2007). Reflections on religion and health research: An interview with Dr. Harold G. Koenig. *Journal of Religion and Health*, v 46, P. 183-190.
- Aten, D.J. & Worthington, E.L. (2009). Next Steps for Clinicians in Religious and Spiritual Therapy: An Endpiece. *Journal of clinical psychology*, v 65, P. 224-229.
- Azari, N. P. & et al. (2001). Neural correlates of religious experience. *European Journal of Neuroscience*, v 13, P. 1649-1652.
- Bergin, A. E. (1991). Values and Religious Issues in Psychotherapy and Mental health, *Journal of American Psychologist*, v 4, P. 394-403.
- Branka Aukst, & et al. (2005). Religiosity, depression and pain in patients with bresst cancer *General Hospital Psychiatry*, v 27, P. 250-255.

- Echstein, D. & Kern, R. (2002). Life style assessment and interventions, life style skills, ed: *Lowa: Kend/Hunt*, v 5, P. 238.
- Coruh, B.; & et al. (2005). Does religious activity improve health outcomes? A critical review of the recent literature. *Explore*, v 1, P. 186-191.
- Exline, J, J, (2008). Beliefs about god and forgiveness in a Baptist church sample, *Journal of Psychology and Christianity*, v 27, P. 131-139.
- Grant, M M. & Rivera, L.M.(1998). Evaluation of quality of life in oncology and oncology nursing. In: King CR, Hinds P, editors. Quality of Life from Nursing and Patient Perspective Theory, Research Practice. 1st ed: Philadelphia: *jones and Bartlett publishers Sudbury Massachusetts*,v 5, p. 37-53.
- Hackney, C. H. & Sanders, G. S. (2003). Religiosity and mental health: A meta analysis of recent studies. *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 42, P. 43-55.
- Hills, P. & Francis, L. J. (2004). Primary Personality trait correlates religious practice and orientation. *Journal of Personality and Individual Differences*, v 36, P. 61-73.
- Kézdy, A. & et al. (2010). Religious doubts and mental health in adolescence and young adulthood: The association with religious attitudes. *Journal of Adolescence*, v11, p. 1-9.
- Picdmont, R. L. (2004). The logoplex as a paradigm understanding spiritual transcendence. *Research in the Social Scientific study of Religion*, v 15, P. 262-284.
- Pargament, K, I, (1990). God help me: Toward a theoretical frame work of coping for the Psychology of religion research in the social scientific study of religious,ed, v 2, p. 195-224.
- O’Laoires, (1997). An experimental study of the effects of distant, intercessory prayer on self-esteem, anxiety, and depression, *Alter the Health Med*, v 3, P. 38-53.
- Miller, G. (2003). Incorporating Spirituality in counseling and psychology (Theory and technique). *Hoboken & New Jersey: John Wiley & sons/Inc.*
- Murphy, E. J & Mahalingam, R, (2006). Perceived congruence Between Expectations and Outcomes: Implications for Mental Heath Among Caribbean Immigrants, *American Journal of Orthopsychiaty*, v 76, P. 120-127.
- Newberg, A & Daquili, J.(2001).The neuropsychology of religious and spiritual experience, *Journal of psychology and theology*, v 5, P.32-45.
- Richards, S. P & Bergin, A. E. (2005). A spiritual strategy for counseling and psychotherapy. U.S.A, *American Psychological Association*, v 11, P. 241-274.
- Sloan, E. (2005). Effects Of religiosity on Mental Health. *Journal of psychology and theology*, v 16, P. 14-18.
- Spira, L. James & Reed, M. Geoffrey. Group Psychotherapy for Women with Breast Cancer. *Washington DC*. APA, 2000.
- Spilka, B. & et al. (2003). *The Psychology of Religion*. 3rd Edition. New York: Guilford.
- Syed, I. B.(2003). The medical benefits of Taraween Prayersi. <http://www.irif.Org>>22/9/88.
- Effectiveness of Group Training Spiritual based in Promotion of Components of quality of life in Students.

اثربخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر سطح پر خاشگری

omidian.mehdi@yahoo.com

m_akbari@pnu.ac.ir

omidebaran42@yahoo.com

tmohtasham@gmail.com

مهدی امیدیان / دانشجوی دکترای روان‌شناسی عمومی دانشگاه سمنان

مهناز علی‌اکبر دهکردی / دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

سبحان پور نیک‌دست / کارشناسی ارشد روان‌شناسی پیام نور تهران

طیبه محتشمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی پیام نور تهران

دریافت: ۱۳۹۲/۳/۴ - پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۹

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی میزان اثربخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر سطح پر خاشگری زندانیان مرد زندان مرکزی شهر کرد بود. این پژوهش، یک مطالعه آزمایشی با گروه کنترل است که جامعه آماری آن را کلیه زندانیان مرد زندان مرکزی شهر کرد در سال ۱۳۹۱ تشکیل می‌دادند. حجم نمونه پژوهش، ۴۰ نفر زندانی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چندمرحله‌ای انتخاب و به صورت تصادفی ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل جایگزین گردیدند. از پرسش‌نامه عمومی پر خاشگری (AGQ)، به عنوان ابزار غربالگری استفاده گردید. سپس برنامه آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی، به مدت ۱۲ جلسه یک و نیم ساعته بر روی اعضای گروه آزمایشی اجرا شد. پس از پایان مداخله درمانی پس از آزمون و بعد از یک ماه آزمون پیگیری از هر دو گروه اخذ گردید. نتایج نشان داد که بین میانگین نمره پر خاشگری دو گروه در مرحله پس از آزمون و پیگیری، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه، می‌توان گفت: آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر کاهش پر خاشگری زندانیان مرد زندان مرکزی شهر کرد مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: پر خاشگری، درمان یکپارچه توحیدی، زندانیان مرد.

پرخاشگری در جوامع بشری در حال گسترش است و جامعه ما مستثنا از این موضوع نیست. ۴۲ درصد معاینات پزشکی قانونی مربوط به صدمات و جراحات ناشی از نزاع است و بیشترین دستگیرشدگان، مربوط به جرائم ضرب و شتم، ارباب، قتل عمد، تهدید و چاقوکشی هستند (پزشکی قانونی، ۱۳۸۸). پرخاشگری در زندان‌ها، به دلیل ویژگی‌های خاص زندان حائز اهمیت است، به طوری که این ویژگی‌ها آن را از سایر محیط‌های اجتماعی و اصلاحی متمایز می‌کند. نام «زندان»، تداعی‌کننده وضعیت دشوار و سختی است تا حدی که برای بیشتر مردم یادآور محیطی استرس‌آور و وحشت‌زاست که البته چندان هم دور از واقعیت نیست (ورتلی، ۲۰۰۳، ص ۱۲۱). همچنین محیط زندان و از دست دادن آزادی سبب ضربه‌ها و آسیب‌های عمیق روان‌شناختی (ناشی از عواملی چون تجاوز جنسی و سوءاستفاده روانی واقع شدن یا دوری طولانی مدت از جامعه و خانواده)، که موجب افزایش خشونت می‌شود. نتیجه این وضعیت، چنان می‌شود که زندانیان حساسیت خود را نسبت به میزان معین و خاصی از رفتارهای پرخاشگرانه که در اطراف خود مشاهده می‌کنند از دست می‌دهند (همان).

تحقیقات اخیر تأیید کرده‌اند که الگوی مهار و کنترل پرخاشگری در زندان برای کنترل و مهار اخلاق و بی‌نظمی، با قوانین خشک و قهری از تأثیرگذاری کمتری برخوردار است (کوهن، ۲۰۰۶، ص ۱۳۴). از این رو، رویکردهای روان‌شناختی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما در این خصوص هم مشکلاتی دیده می‌شود. از جمله اینکه درمان‌های روان‌شناختی برای همگان در دسترس نیستند. همچنین افراد کم‌درآمد توان پرداخت هزینه‌های درمان را ندارند. از سوی دیگر، تعداد افراد آموزش‌دیده متخصص در مقایسه با تعداد افرادی که به درمان نیاز دارند، بسیار کم است. یک راهبرد اصلی برای رفع این مشکل، ارائه درمان در گروه است که امروزه در مؤثر بودن آن تردیدی وجود ندارد (فری، ۱۹۹۸، ص ۱۷).

از سوی دیگر، انجمن روان‌شناسی آمریکا در آخرین طبقه‌بندی که از اختلالات روانی دارد، توجه روان‌شناسان و روان‌پزشکان را جلب می‌کند و از آنها می‌خواهد در بررسی اختلالات روانی، به عاملی مذهب توجه بالینی ویژه‌ای داشته باشند؛ چراکه بعد معنوی در کنار دیگر ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی قابل اهمیت است (لوین، ۲۰۱۰، ص ۱۰۸). متناسب با سبب‌شناسی مشکلات روانی، شیوه‌های گروه درمانی گوناگونی پیشنهاد می‌شود: یکی از این رویکردها، گروه درمانی یکپارچه توحیدی است. درمان یکپارچه توحیدی، که تلفیقی از آخرین یافته‌های روان‌درمانی در حوزه‌های مختلف، به ویژه درمانگری‌های انسان‌گرا و وجودی از یک‌سو، و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی دین اسلام از سوی دیگر، می‌باشد، ابتدا تحت عنوان توحید درمانی توسط جلالی تهرانی (۱۳۸۳) به وجود آمد. این رویکرد، که از ادغام و

یکپارچه‌سازی نگرش اسلام نسبت به سرشت و فطرت انسان و نظریه و روش درمان انسان‌گرا به‌وجود آمده، برای اولین بار اسلام را به‌عنوان یک شیوه درمانی مطرح نموده است. پس از آن، توحیددرمانی با تغییرات صورت گرفته توسط شریفی‌نیا (۱۳۸۷) به‌صورت درمانی یکپارچه و التقاطی و با عنوان درمان یکپارچه توحیدی مطرح شد. در این درمان، که تلفیقی از آخرین یافته‌های روان‌درمانی در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی از یک‌سو، و آموزه‌های دینی از سوی دیگر می‌باشد، اولاً، بر وحدت و یکپارچگی شخصیت انسان با بهره‌گیری از تمامی رویکردهای روان‌شناختی تأکید می‌گردد. ثانیاً، استفاده از عنصر توحید و ایجاد ارتباط خالصانه با خداوند را در انسجام‌بخشی به مؤلفه‌های گوناگون شخصیت و دستیابی به یکپارچگی ساختاریافته وجود انسان ضروری می‌شمارد. ثالثاً، دستیابی به نتایج درمانی عمیق‌تر، مؤثرتر و پایدارتر را در گرو ادغام یافته‌های همه مکاتب روان‌شناسی با آموزه‌های توحیدی - عرفانی ادیان الهی می‌داند. این روش درمانی، جامع و چندوجهی است که فعلاً برای بازپروری و اصلاح رفتار مجرمین زندانی شده و آماده‌سازی آنها برای بازگشت سعادت‌مندان به جامعه تهیه و تدوین شده است (کرسینی، ۲۰۰۱، ص ۳۰۱؛ شریفی‌نیا، ۱۳۸۹؛ چوپانی، ۱۳۸۸؛ کهریزی، ۱۳۸۸، ص ۷۲). پیش‌فرض بنیادین روش مذکور این است که ضمن کاربرد فنون مختلف درمان روان‌شناختی، از قبیل پذیرش مثبت غیرمشروط، همدلی، شکل‌دهی رفتار، اصلاح باورهای معیوب و ناکارآمد، تخلیه هیجانی و آموزشی مهارت‌های حل مسئله، ابراز وجود، خودآرام‌سازی، مهار خویشتن، مراجع را با مبدأ هستی پیوند زده و روح وی را از طریق برقراری ارتباط صمیمانه با خدا اشباع می‌کند. در این صورت، اثربخشی درمان افزایش یافته و پایداری بهبودی تأمین خواهد شد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۹۷).

از نظر درمان یکپارچه توحیدی، عامل اساسی سلامت روانی، انسجام و توحید یافتگی شخصیت است. بهترین راه دستیابی به آن تمرکز و تأکید بر اهداف متعالی و ارزش‌های دینی و معنوی است (شریفی‌نیا، ۱۳۸۶). مفهوم توحید در این روش، اشاره به یک سیستم ارزشی وحدت‌بخش است که برای حرکت زندگی انسان را مشخص می‌کند و او را از چندگانگی شخصیت و گم‌گشتگی در مسیر حیات نجات می‌دهد (یوسف: ۲۹). آموزه‌های دینی نشان می‌دهند که اگر افراد پایبند دین و معنویت باشند، کمتر دچار جرم و انحراف می‌شوند. همه ادیان، به‌ویژه دین اسلام از یک‌سو، مهار نفس و رعایت عدل و انصاف و عدم تجاوز به حقوق دیگران را واجب می‌داند (مائده: ۸) و از سوی دیگر، رفتار مجرمانه را تقبیح کرده (بقره: ۲۶۸) و نماز و یاد خدا را مانع روی آوردن انسان‌ها به رفتارهای زشت و ناپسند تلقی می‌کند (عنکبوت: ۴۵). همچنین بیشتر انحرافات اجتماعی ناشی از غرایز و تمایلات مهارنشده‌ای از جمله پرخاشگری است که ایمان به خدا نقش مؤثری در مهار آن دارد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۶).

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که نگرش مثبت باور به وجود خدا و انجام مناسک دینی در سلامت روانی و درمان اختلالات روانی مؤثر است (ویلیامز و استرهال، ۲۰۰۷؛ یحیا و دوتا، ۲۰۱۰؛ زنگ و همکاران، ۲۰۱۱). ترونیو و همکاران (۲۰۰۷)، طی پژوهشی نشان داده‌اند که نگرش مذهبی با افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و خودبیمارانگاری رابطه منفی دارد. بنابراین، به‌طور کلی پیشینه تحقیقات مختلف حاکی از تأثیر مداخلات درمانی به شیوه یکپارچه توحیدی در کاهش فشار روانی (طیبی و قنبری‌هاشم‌آبادی، ۱۳۹۰)، افسردگی (جلالی تهرانی، ۱۹۹۶؛ کهریزی، ۱۳۸۸) کاهش مصرف مواد مخدر، رفتارهای همایند (قنبری‌هاشم‌آبادی، ۱۳۸۳) و رفتارهای مجرمانه (شریفی‌نیا، ۱۳۸۶) می‌باشد.

از آنجایی که به نظر بزرگان از جمله امام خمینی علیه السلام (۱۳۷۳)، تبدیل شدن زندان‌ها به مکانی برای تهذیب و اصلاح همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان بوده است و همان‌طور که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، معمولاً افراد برای مقابله با انواع ناراحتی‌های خود مثل مقابله با بیماری، مرگ عزیزان و کاهش رفتارهای مخرب، از مذهب و دین کمک گرفته‌اند، کاهش خطرات احتمالی پرخاشگری در بین زندانیان، اجرای برنامه‌های درمانی در پرتو دین ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، این پژوهش سعی دارد به این سؤال اساسی پردازد که آیا آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر کاهش پرخاشگری و همچنین بر کاهش مؤلفه‌های آن (خشم، تهاجم و کینه‌توزی) در زندانیان مرد مرکزی شهرکرد مؤثر است؟ آیا اثرات گروه درمانی به شیوه یکپارچه توحیدی تا زمان پیگیری پایدار است؟

روش تحقیق

این پژوهش، از نوع آزمایشی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل) و جامعه آماری این پژوهش را زندانیان مرد مستقر در زندان مرکزی شهرکرد در سال ۱۳۹۱ تشکیل داده‌اند. روش نمونه‌گیری، به‌صورت تصادفی ساده چندمرحله‌ای می‌باشد؛ به این طریق که از بین بندهای چهارگانه زندان مرکزی شهرکرد یک بند انتخاب و سپس از بین ده اتاق موجود در این بند، چهار اتاق به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. بین زندانیان چهار اتاق (۱۲۷ نفر)، آزمون پرخاشگری (AGQ) اجرا و از بین آزمودنی‌های با نمره پرخاشگری بالاتر از نمره برش، به روش تصادفی تعداد ۴۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده و ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل جایگزین گردیدند. در مورد متغیرهای جمعیت‌شناختی گروه نمونه، می‌توان گفت: ۳۷/۵ درصد مجرد و ۶۲/۵ درصد متأهل، ۳۵ درصد دارای جرم خفیف و ۶۷/۵ درصد جرم شدید، ۴۰ درصد دارای سطح تحصیلی دبستان، ۳۰ درصد راهنمایی، ۲۰ درصد متوسطه و ۱۰ درصد دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند. میانگین سن آزمودنی‌ها ۳۲/۱۶۶ و انحراف معیار ۹/۳۳ و

بالاترین و پایین‌ترین سن در بین آزمودنی‌ها به ترتیب، ۵۱ و ۲۱ سال می‌باشد. میانگین تعداد افراد خانواده ۸/۷ و انحراف معیار ۹/۶۱ و بالاترین و پایین‌ترین ۱۲ و ۳ بوده است.

ابزار اندازه‌گیری: در این پژوهش، برای اندازه‌گیری میزان پرخاشگری شرکت‌کنندگان در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از پرسش‌نامه پرخاشگری (AGQ) استفاده شد. این آزمون، در سال ۱۳۷۹ توسط *نجاریان* در دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته و اعتباریابی گردید. این پرسش‌نامه، شامل ۳۰ ماده است؛ چهارده سؤال آن «خشم» هشت سؤال «تهاجم» و هشت سؤال عامل «کینه‌توزی» را می‌سنجد. این پرسش‌نامه، براساس مقیاس لیکرت تنظیم و نمره‌گذاری شده است. سؤال ۱۸ پرسش‌نامه دارای بار منفی است و به‌صورت برعکس نمره‌گذاری می‌شود؛ هرچه نمره فرد در این آزمون بالاتر از میانگین باشد، میزان پرخاشگری او بیشتر است. پیشینه پژوهش نشان از اعتبار این پرسش‌نامه می‌دهد. به‌گونه‌ای که *نجاریان* و همکاران (۱۳۷۹) پایایی این آزمون را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند و نعمتی (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ را گزارش کرده است. همچنین روایی این پرسش‌نامه، به‌وسیله پرسش‌نامه‌های ملاک شامل پرسش‌نامه شخصیتی / *ایزینک* و پرسش‌نامه شخصیتی چندوجهی *مینوسوتا* ارزیابی شده است و ضرایب همبستگی حکایت از رضایت‌بخش بودن روایی این پرسش‌نامه دارد (زاهدی‌فر و دیگران، ۱۳۷۹).

شیوه اجرا: برای کنترل متغیرهای مزاحم (عوامل مشتبه‌کننده روایی درونی)، با هماهنگی مسئولان زندان قرار شد که هدف مداخله بر آنها پوشیده باشد و هیچ‌گونه آموزشی برای افزایش رفتار سازگارانه زندانیان داده نشود. پس از اجرای پیش‌آزمون و انتخاب و جایگزین کردن آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل، درمان گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی برای گروه آزمایش در دوازده جلسه یک و نیم ساعته در یک ماه (چهار هفته) صورت گرفت. گروه کنترل به برنامه روزمره خود (کاربندی عادی) ادامه داده و هیچ‌گونه برنامه درمانی دریافت نکردند و از آنها فقط پیش‌آزمون، پس‌آزمون و آزمون پیگیری به عمل آمد. در این پژوهش، از برنامه گروه درمانی یکپارچه توحیدی که فعلاً برای بازپروری و اصلاح رفتار مجرمان زندانی شده و آماده‌سازی آنها برای بازگشت سعادتمندانه به جامعه تهیه و تدوین شده است، استفاده گردید (شریفی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶). این روش، تلفیقی از آخرین یافته‌های روان‌درمانی در حوزه‌های گوناگون، به‌ویژه درمان‌های انسان‌گرا از یک‌سو، آموزه‌های اخلاقی و عرفانی دین اسلام از سوی دیگر می‌باشد. اولین بار این پژوهش توسط *سیدمحمد محسن جلالی تهرانی* معرفی و در سال ۱۳۷۱ در شهر مشهد اجرا شد و سپس توسط *محمدحسین شریفی‌نیا* بازنگری و نسل نومی از این شیوه با عنوان درمان یکپارچه توحیدی در سال ۱۳۸۳ در زندان مرکزی قم آغاز و تاکنون ادامه دارد. در این روش، که به‌عنوان درمان کلیت فرد توصیف شده است، ابعاد چهارگانه زیستی - روان‌شناختی - اجتماعی

و معنوی مورد توجه قرار گرفته و هرگاه یکی از این ابعاد، دچار اختلال و نارسایی گردد، فرد دچار بیماری روانی و نابهنجاری‌های رفتاری خواهد شد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۶).

گروه درمانی به روش یکپارچه توحیدی، شامل ۱۲ جلسه گروه درمانی دوبار در هفته جهت آموزش و افزایش شناخت زندانیان و همراه با تمرین‌های رفتاری است که عناوین جلسات آن به صورت زیر است:

۱. معارفه و آشنایی با مقررات گروه درمانی و هدف از تشکیل آن و تعریف پرخاشگری و رفتارهای پرخاشگرانه؛
۲. نقش خود انسان در سعادت فردی و اجتماعی و خانوادگی خود؛
۳. کرامت ذاتی انسان در دین اسلام؛
۴. تأثیر نظافت و سلامت جسمانی در افزایش سلامت روان از دیدگاه اسلام؛
۵. شناسایی علل گرایش اعضا به جرم؛
۶. ارائه راهکارهای متعدد برای نجات از جرم؛
۷. توبه یا بازگشت به خدا؛
۸. مثبت‌نگری در اسلام؛
۹. تفاوت بین رفتار پرخاشگرانه و غیرپرخاشگرانه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام؛
۱۰. احساس انسان تابعی از افکار اوست؛
۱۱. عود طبیعی است؛
۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل اندازه‌های مکرر) استفاده شده است و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرخاشگری، خشم، تهاجم و کینه‌ورزی دو گروه آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرخاشگری و مؤلفه‌های آن در دو گروه آزمودنی‌ها در مراحل مختلف پیگیری

متغیرها	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
پرخاشگری	آزمایش	۵۱/۴۵	۶/۵۲	۲۹/۷۰	۵/۱۵	۲۵/۳۰
	کنترل	۳۴/۵۵	۵/۴۳	۱۴/۱۰	۳/۲۲	۱۵/۱۵
خشم	آزمایش	۱۲/۲۵	۲/۹۸	۸/۵۵	۲/۴۳	۶/۶۵
	کنترل	۱۴/۷۵	۳/۲۹	۸/۸۰	۲/۸۲	۶/۸۵
تهاجم	آزمایش	۵۳/۰۰	۸/۵۵	۴۹/۷۵	۹/۸۲	۴۷/۸۰
	کنترل	۳۳/۵۵	۴/۵۶	۲۳/۸۵	۴/۳۸	۲۱/۸۰
کینه‌توزی	آزمایش	۱۳/۰۰	۳/۶۴	۱۲/۴۵	۲/۰۹	۱۲/۲۵
	کنترل	۱۵/۳۵	۳/۶۴	۱۳/۴۵	۳/۳۸	۱۳/۹۰

همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، میانگین پرخاشگری در گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۵۱/۴۵، پس‌آزمون ۲۹/۷۰ و پیگیری ۲۵/۳۰ می‌باشد. میانگین نمرات پرخاشگری در گروه کنترل نیز در

پیش‌آزمون ۵۳/۰۰، پس‌آزمون ۴۹/۷۵ و پیگیری ۴۷/۸۰ می‌باشد. به‌طور کلی، میانگین نمرات در کل مقیاس پرخاشگری در هر دو گروه کاهش داشته است که البته این کاهش نمرات در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بیشتر بوده است. همچنین در مورد مؤلفه‌های پرخاشگری، هر سه خرده‌مقیاس در گروه آزمایش، نسبت به گروه کنترل کاهش داشته است.

برای بررسی این امر که این تفاوت ناشی از خطا یا واقعی است، از تحلیل اندازه‌های مکرر استفاده گردید. علت انتخاب این روش، این است که آزمودنی‌ها سه بار مورد سنجش قرار گرفته‌اند و زمانی که آزمودنی‌ها بیش از دو یا سه بار یا حتی بیشتر مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرند، از روش آماری اندازه‌گیری مکرر استفاده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۹، ص ۳۴۲). در استفاده از این روش آماری، سه پیش‌فرض رعایت گردید: اول اینکه، کوواریانس یا روابط بین سه متغیر وابسته در دو گروه برابر است که این پیش‌فرض با استفاده از آزمون باکس تأیید گردید. دوم اینکه، واریانس‌های متغیرهای وابسته در دو گروه مساوی است. این پیش‌فرض نیز با آزمون لوین تأیید گردید. سوم اینکه، فرض برابری واریانس‌های درون آزمودنی‌ها براساس آزمون کرویت موچلی رعایت شده است که خلاصه نتایج مربوط به آن در جدول ۲ ارائه شده است. در این جدول، مؤلفه‌های پرخاشگری نیز ارائه شده‌اند.

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به اثر روش یکپارچه توحیدی بر متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	مجموع مجنورات	df	میانگین مجنورات	F	P	اندازه اثر
پرخاشگری	۲۶۲۳/۸۵	۲	۱۳۱۱/۹۲۵	۲۶/۲۲۲	۰٫۰۰۱	۰٫۳۹۲
خشم	۶۱۲۳/۳۱۷	۲	۳۰۶/۱۵۸	۱۴/۷۴۷	۰٫۰۰۱	۰٫۴۵۳
تهاجم	۱۲۱/۱۱۷	۲	۶۰/۵۵۸	۷/۵۳۴	۰٫۰۰۱	۰٫۳۸۶
کینه‌توزی	۲۱۲/۵۵	۲	۱۰۶/۲۷۵	۹/۴۰۹	۰٫۰۰۱	۰٫۳۲۶

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، مقیاس پرخاشگری و مؤلفه‌های آن از لحاظ آماری در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار است. این به این معناست که آموزش گروهی روش یکپارچه توحیدی در کاهش نمرات پرخاشگری ($P = ۰/۰۰۱$ و $F = ۲۶/۲۲$) مؤثر بوده است. در مورد مؤلفه‌های پرخاشگری نیز همان‌گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، همه مؤلفه‌ها در سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۵$ معنادار است. به عبارت دیگر، آموزش گروهی روش یکپارچه توحیدی در کاهش خشم، تهاجم و کینه‌توزی در زندانیان مؤثر بوده است.

به منظور مشخص نمودن اینکه هر کدام از متغیرها در کدام مرحله آزمون با هم تفاوت معنی‌دار دارند، از آزمون‌های تعقیبی استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تعقیبی متغیرهای پژوهش در سه مرحله آزمون گیری

متغیرها	آزمون‌ها	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
پرخاشگری	پیش آزمون - پس آزمون	۲۱۰۷۵*	۱/۸۵۵	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	۲۶/۱۵۰*	۱/۹۳۳	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۱/۹۵۰	۲/۸۶۲	۰/۵۰۴
خشم	پیش آزمون - پس آزمون	۱۰/۴۵۰*	۱/۶۷۹	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	۹/۴۰۰*	۱/۶۶۳	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۱/۰۵۰	۰/۵۱۵	۰/۰۵۶
تهاجم	پیش آزمون - پس آزمون	۳/۷۰۰*	۰/۸۸۶	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	۳/۷۰۰*	۰/۸۲۲	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۱/۹۰۰*	۰/۸۲۲	۰/۰۰۷
کینه توزی	پیش آزمون - پس آزمون	۵/۹۵۰*	۱/۱۳۷	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	۷/۹۰۰*	۰/۸۹۴	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۱/۹۵۰*	۰/۷۵۹	۰/۰۱۹

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، مقدار سطح معنی‌داری در دو مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در کل مقیاس پرخاشگری معنی‌دار می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که مداخله صورت‌گرفته در مرحله پیگیری نیاز به زمان بیشتری دارد. همچنین در مورد مؤلفه‌های پرخاشگری نیز مؤلفه خشم نیاز به پیگیری بیشتری دارد. اما دو مؤلفه تهاجم و کینه‌توزی در هر سه مرحله معنی‌دار است. این امر نشان می‌دهد که مداخله صورت‌گرفته در هر سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تأثیر معنی‌داری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، این پژوهش با هدف اثربخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر کاهش پرخاشگری زندانیان مرد زندان مرکزی شهرکرد صورت گرفت. در ارتباط با فرضیه اصلی، مبنی بر اینکه آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی پرخاشگری زندانیان مرد را کاهش می‌دهد. نتایج نشان داد که آموزش گروهی در سطح معنی‌داری $P < 0/05$ در کاهش نمرات پرخاشگری مؤثر بوده است، بنابراین، فرضیه اول تأیید می‌شود. به این ترتیب، روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر میان دو گروه آزمایش و کنترل از نظر نمرات در مقیاس (AGQ) پس از اجرای آموزش گروهی تفاوت معنی‌داری نشان داد. بنابراین، می‌توان گفت: متغیر آزمایشی در کاهش پرخاشگری مؤثر بوده و در مقایسه با گروه کنترل به‌طور معنی‌داری نمرات زندانیان را کاهش داده است. همچنین مؤلفه‌های پرخاشگری نیز در سطح

معنی داری $P < 0/05$ معنی دار بوده است. به عبارت دیگر، آموزش گروهی روش یکپارچه توحیدی در کاهش نمرات خشم، تهاجم و کینه‌توزی مؤثر بوده است.

نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های قبل در حوزه درمان یکپارچه توحیدی هماهنگ است (جلالی تهرانی، ۱۹۹۶؛ شرم، ۲۰۰۱؛ زولنر و همکاران، ۲۰۰۳؛ شریفی‌نیا، ۱۳۸۶؛ هادی، ۱۳۸۷؛ چوپانی، ۱۳۸۸). برای مثال، طیبی و قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۹۰)، طی پژوهشی با هدف مقایسه اثربخشی گروه درمانی یکپارچه توحیدی با درمان شناختی رفتاری در کاهش فشار روانی همسران جانبازان اختلال استرس، پس از ضربه به این نتایج دست یافتند که گروه درمانی یکپارچه توحیدی و گروه درمانی شناختی رفتاری، اثربخشی معناداری در کاهش فشار روانی داشته‌اند. در زمینه کاربرد درمان یکپارچه توحیدی در زندان‌ها نیز باید گفت: چوپانی (۱۳۸۸) در تحقیقی درمان یکپارچه توحیدی را بر عزت نفس و نگرش‌های زناشویی زندانیان مرد استان قم اثربخش ارزیابی کرده است. همچنین هادی (۱۳۸۷)، طی مطالعه‌ای بیان کرد که درمان یکپارچه توحیدی مؤثرترین روش در درمان بیماری‌های شخصیتی و بالینی زندانیان است. شریفی‌نیا (۱۳۸۶) نیز با هدف کاهش رفتارهای مجرمانه زندانیان از این روش درمانی استفاده کرد و به این نتیجه دست یافت که درمان یکپارچه توحیدی در کاهش رفتار مجرمانه مؤثر است.

همچنین پایایی نتایج درمان تا فاصله یک ماه از خاتمه جلسات اندازه‌گیری شد. همان‌طور که نتایج نشان داد، در خرده‌مقیاس خشم نتایج درمان نه تنها باقی بود، بلکه بهبود بهتری را نیز نشان داد و این نتیجه با نتایج (فلنگن و همکاران، ۲۰۱۰؛ زیگلر و سمیت، ۲۰۰۴؛ مایان و آمبروس، ۲۰۰۴) همخوانی دارد که با مرور تحقیقاتی که اندازه‌گیری‌های پیشگیرانه داشته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج به‌دست‌آمده در بیشتر مطالعات، تا پایان درمان وجود داشته و حتی در دوره پیگیری بهتر شده است. اما در آزمون پرخاشگری و دو خرده‌مقیاس آن یعنی تهاجم و کینه‌توزی میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پیگیری نسبت به پس‌آزمون تفاوت معناداری داشته است. بنابراین، می‌توان گفت: تأثیرات آموزش گروهی تا یک ماه بعد از جلسات کاهش داشته است.

طبق نتایج اکثر تحقیقات بیان‌شده در این پژوهش، از مهم‌ترین دلایل بروز پرخاشگری، فقر مهارت‌های حل مسئله، نداشتن مهارت‌های اساسی برای کنترل رفتار پرخاشگرانه، عدم آگاهی از مهارت‌های برقراری ارتباط مطلوب و همچنین سست بودن اعتقادات دینی و مذهبی است. دلیل تأثیرگذاری درمان یکپارچه توحیدی این است که بخشی از کمبودها و نقصان مهارت‌ها را جبران می‌کند و فرد را به مهارت‌های ویژه تسلط بر هیجانات آگاه می‌کند. اساس کاهش پرخاشگری بر بازسازی شناختی استوار است. به علاوه، این برنامه بر مبنای تغییرات شناختی و ایجاد تغییر در شناخت افراد است

که پس از بازسازی شناختی زندانیان که دارای شناخت‌های منفی، بدبینی نسبت به دیگران، تفکرات غیرمنطقی و تعصبات بیجا بوده‌اند، زمینه تغییر در افکار و رفتارهای پرخاشگرانه زندانیان فراهم شده است. این نکته حائز اهمیت است که در برنامه آموزشی، کنترل پرخاشگری از طریق تغییر دادن شناخت‌های افزایش‌دهنده پرخاشگری و همچنین غنی‌سازی اعتقادات دینی مراجعان انجام گرفته است و تغییرات رفتاری به دنبال تغییرات شناختی ایجادشده به وجود می‌آید و سبب کاهش پرخاشگری و در نتیجه بهبود سازگاری زندانیان می‌شود (نعمتی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، در دیدگاه اسلامی، چون فطرت انسان مبتنی بر خوبی و نیکی است (روم: ۳۰)، اگر فرایند درمان به گونه‌ای تدارک دیده شود که شخص به فطرت الهی و هسته درونی وجودی‌اش نزدیک شود، بی‌شک تمایل به خوبی و رفتار مطلوب در او ایجاد می‌شود. خداوند در سوره رعد آیه ۲۸، یاد خود را مایه آرامش دل‌ها و اطاعتش را مایه دوری از هرگونه افسردگی و اضطراب می‌داند (بقره: ۲۶۲). این موضوع در درمان یکپارچه توحیدی، وقتی مراجع با مبدأ هستی ارتباط صمیمانه پیدا می‌کند، این اعتقاد و ارتباط با خدا تأثیر عمیقی بر عواطف و شناخت‌ها، رفتارها و عملکرد مراجع می‌گذارد. به‌طور کلی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که باورها و ارزش‌های دینی وقتی درونی شوند و فرد آنها را به‌طور واقعی و اصیل بپذیرد، این ارزش‌های دینی بیش از سایر روش‌ها توانایی ایجاد وحدت‌بخشی شخصیت و رفع انحرافات را به همراه دارد (شرمن و سیمونتون، ۲۰۰۱، ص ۲۷۳). همچنین یونگ (شریفی‌نیا، ۱۳۸۶) معتقد است، درمان از طریق باور و اعتقاد به خدا، موجب کاهش پریشانی‌های عاطفی و ناامنی‌های روانی انسان‌ها و ایجاد مهار درونی برای اجتناب از رفتارهای نابهنجار می‌شود.

در تبیین دلایل معنی‌دار نبودن نمرات پرخاشگری و خشم زندانیان در مرحله پیگیری، نسبت به پس‌آزمون، باید از دیدگاه نوین در موج دوم شناخت درمانی مدد جست. در واقع، آنچه در جلسات درمان یکپارچه توحیدی اتفاق می‌افتد، تمرکز بیش از حد درمانگر روی استدلال‌ات ذهنی افراد است که با اصلاح و تغییر آن از غیرمنطقی به منطقی، سعی در نزدیک‌سازی تفکر فرد با واقعیت دارد. در این رویکرد درمانی، درمانگر نقش بسیار فعالی دارد و مدام با چالش‌های نظام‌دار، سعی در نشان دادن شیوه تفکر غیرمنطقی فرد به خودش و در نتیجه، اصلاح آن دارد. ولی آنچه که در برخی موارد می‌تواند مشکل‌ساز باشد، دست نخوردن جنبه‌هایی از روان انسان است که دارای خصوصیات هیجانی و عاطفی می‌باشد. از سوی دیگر، خشم به‌عنوان یک هیجان و پرخاشگری به‌عنوان یک رفتار تعریف می‌شود (روستایی و دیگران، ۱۳۹۰) و در آموزه‌های دینی ما نیز همیشه بر مهار هیجانات و غرایز تأکید شده است. این امر نشان می‌دهد که کنترل هیجانات به‌طور کلی کاری سخت و به‌کندی صورت می‌گیرد.

این پژوهش، با محدودیت‌هایی همراه بوده است: از جمله، به دلیل عدم دسترسی به نمونه وسیع‌تر، محدودیت‌هایی در زمینه غربالگری ایجاد کرد. احتمال وجود اختلالات همراه، از جمله اختلال افسردگی، دوقطبی یا اختلالات شخصیتی مورد کنترل قرار نگرفت. همچنین نداشتن تحصیلات آکادمیک در اعضای نمونه مورد مطالعه که می‌تواند امکان بهره‌وری کافی از درمان‌های روان‌شناختی را کاهش دهد. علاوه بر این، این مطالعه تنها روی مردان زندانی در شهرکرد صورت گرفته که تعمیم نتایج را به زندانیان زن در شهرهای دیگر را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین، با توجه به محدودیت‌های مطرح‌شده پیشنهاد می‌شود پژوهش دیگری با احتساب این محدودیت‌ها صورت گرفته و اثربخشی این روش در مقایسه با روش‌های متداول مورد بررسی قرار گیرد.

طبق پیشینه پژوهشی، از آنجایی که ایمان به خدا و پذیرش باورهای مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در حل تعارض‌های درونی، کاهش رفتارهای نابهنجار و افزایش سلامت روانی افراد به عهده دارد، باید از آن در فرایند درمان اختلالات روانی و نابهنجاری‌های رفتاری سود جست. از این رو، پیشنهاد می‌شود مسئولان ذیربط برای کاهش مشکلات و افزایش سلامت زندانیان از رویکردهای دینی بالاخص درمان یکپارچه توحیدی بهره بگیرند.

منابع

چوپانی صوری، مراد (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر گروه درمانی یکپارچه توحیدی و شناختی رفتاری بر عزت نفس و نگرش‌های زناشویی زندانیان مرد استان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

دلاور، علی (۱۳۸۹)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.

روستایی، امین و دیگران، «مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت خشم و دارو درمانی بر کاهش پرخاشگری زندانیان» (۱۳۹۰)، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ش ۶ (۲۱)، ص ۱۹-۳۱.

رافضی، زهره (۱۳۸۳)، *نقش آموزش کنترل خشم به نوجوانان دختر ۱۵ تا ۱۸ ساله در کاهش پرخاشگری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

زاهدی‌فر، شهین و دیگران، «ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری» (تیر ۱۳۷۹)، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز*، ش ۱ و ۲، ص ۷۳-۱۰۲.

شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۸۹)، *الگوهای روان‌درمانی یکپارچه: با تأکید بر درمان یکپارچه توحیدی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

—، «مقایسه میزان اثربخشی دو روش درمان یکپارچه توحیدی و شناخت درمانی در کاهش رفتار مجرمانه زندانیان» (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳ (۳۷)، ص ۴۱-۷۲.

طیبی، هاجر و بهرامعلی قنبری هاشم‌آبادی، «مقایسه اثربخشی گروه درمانی یکپارچه توحیدی و شناختی رفتاری در کاهش فشار روانی همسران جانبازان اختلال استرس پس از ضربه» (بهار ۱۳۹۰)، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۱، ص ۲۵-۳۵.

فری، مایکل (۱۹۹۸)، *شناخت درمانی گروهی*، ترجمه علی صاحبی و همکاران، مشهد، جهاد دانشگاهی.

قنبری هاشم‌آبادی، بهرامعلی (۱۳۸۳) *اثربخشی رویکرد یکپارچه‌گرایی روان‌درمانی گروهی در درمان وابستگی به مواد مخدر و افزایش سلامت روان در معنادران زندانی مرد*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

کهریزی، احسان (۱۳۸۸)، *تأثیر گروه درمانی شناختی به روش مایکل فری در کاهش افسردگی زندانیان استان قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

نعمتی، نعمت، «اثر بخشی آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش پرخاشگری زندانیان مرد» (تابستان ۱۳۸۸)، *اصلاح و تربیت*، سال هشتم، ش ۸۶، ص ۴۸-۵۴.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)*، تهران، پیک فرهنگ.

هادی، مهدی (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر گروه درمانی یکپارچه توحیدی و شناختی رفتاری بر مؤلفه‌های شخصیتی و بالینی در مددجویان زندانی قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.

- Flanagan, R., & et al, (2010), The impact of anger management treatment and rational emotive behavior therapy in a public school setting on social skills, anger management, and depression. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, v 28(2), P. 87- 99.
- Jalali-Tehrani. S. M. M, (1996), An application of Cognitive Therapy in Iran. *Journal of Cognitive Therapy*, v 3(10), P. 219- 225.
- Kohen, daivid ,(2006), Aggression: the testosterone seretion in link, woman in prison, project, correctional association of newyourk imprisonment and families' *fact sheet*, v 44, P. 134- 7.
- Levin, J. (2010), Religion and Mental Health Theory and Research. *International Journal of Applied Psychoanalytic Studies*, v 7(2), P. 102– 115.
- Mayne, T. J., Ambrose, T.K. (2004), Research review on anger in psychotherapy. *Journal of clinical psychology*. v 55 (3), P. 353- 363.
- Skiba, R., MC. Kelvey, J. (2002), Anger management. Indian Education policy center. www.haworthpress.com/store/ArticleAbstract.
- Sherman, A. C., Simonton, S. Assessment of Religiousness and Spirituality in Health Research, In T. Planet, & A. Sherman (Eds.), Faith and health: Psychological perspective, New York: Guilford,2001.
- Trevino, KM & etal, (2007). Religious coping and physiological, psychological, social, and spiritual outcomes in patients with HIV/AIDS: Cross-sectional and longitudinal findings, AIDS and Behavior (online).
- Vortly, k. Anger management to offender, official publication of the family physiicians of Canada, ,2006.
- Williams, D; Sternthal, J.S. (2007). Spirituality, religion and health: evidence and research directions, *Medical Journal of Australia*, v 186 (10), P. 47- 50.
- Yehya, N.A, Dutta, M.J. (2010). Health Religion, and Meaning: A Culture-Centered Study of Druze Women. *Qual Health Res*, v 20(6), P. 845- 858.
- Zeng, Y., & et al, (2011). Association of Religious Participation with Mortality among Chinese Old Adults. *Research on Aging*, v 33 (1). P. 51- 83.
- Ziegler, D. J., & Smith, P. N. (2004), Anger and the ABC model underlying Rational-Emotive Behavior Therapy. *Psychological Reports*, v 94 (3), P. 1009- 1014.
- Zoellner, L. A & et al. (2003), “Treatment choice for PTSD”, *Behavior Research and Therapy*. v 41, P. 879– 886.

بررسی نظریه‌های همسرگزینی و نقد آنها با تکیه بر منابع اسلامی و روان‌شناسی

h.hosseinkhani@yahoo.com

janbo@rihu.ac.ir

کلیه هادی حسین‌خانی نائینی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مسعود جان‌بزرگی / دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهروز مه‌رام / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

چکیده

آمار بالای طلاق زوجین در سال‌های آغازین زندگی، نشانگر این است که انتخاب ناصحیح یکی از عوامل مؤثر در ناسازگاری و عدم تفاهم همسران محسوب می‌شود. بر این اساس، انتخاب همسر مرحله‌ای سرنوشت‌ساز در زندگی هر فرد به‌شمار می‌رود. در خصوص همسرگزینی، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ارائه شده و هریک از این دیدگاه‌ها، انتخاب همسر را از منظر خاص خود بررسی کرده‌اند. بنابراین هدف این پژوهش، که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد، بررسی نظریه همسان‌همسری، فرضیه همانندی، نظریه نیازهای مکمل و نظریه مبادله معرفی و سپس نقد آنها می‌باشد. در نقد دیدگاه‌های مذکور، علاوه بر استفاده از یافته‌های تجربی، منابع اسلامی نیز به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد در دیدگاه اسلامی، بر همسان‌همسری دینی و هماهنگی در میزان دین‌داری و نیز برخی خصوصیات اخلاقی از قبیل پاکدامنی تأکید و بر عدم اهمیت ابعاد دیگر همسانی تصریح شده است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، انتخاب همسر، نظریات همسرگزینی.

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است؛ زیرا آدمی وارد رابطه‌ای می‌شود که داشتن مسئولیت و تعهد در برابر همسر و فرزند، از لوازم آن است؛ رابطه‌ای که اگر همراه با یک انتخاب مناسب باشد، لذت‌بخش و روبه‌رشد، و اگر با انتخاب نامناسب همراه باشد، زجرآور و مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسان می‌شود (جاسبی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۰۰). بر این اساس، انتخاب درست همسر نقشی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در موفقیت ازدواج و سعادت خانواده ایفا می‌کند. کارشناسان امور خانواده بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلالات خانوادگی ناشی از ضعف مجاری اطلاع‌رسانی، شتاب‌زدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله‌گزینش، اعتماد بی‌مورد به اظهارنظرهای واسطه‌ها و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آنها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم، کم‌توجهی به اوصاف بایسته و در مواردی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه می‌باشد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳). بنابراین، می‌توان گفت که مشکلات مربوط به انتخاب همسر، ناشی از دو ریشه اصلی است: نخست، تعیین نادرست معیارهای انتخاب همسر و سپس، ناتوانی در تطبیق معیارهای همسر مطلوب بر فرد موردنظر. در این میان، تعیین معیارهای انتخاب همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و دیدگاه‌های متعددی در این خصوص از سوی نظریه‌پردازان روان‌شناسان اجتماعی ارائه شده است. این مقاله، درصدد است این نظریات را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه مورد قبول اسلام را ارائه نماید. بررسی این دیدگاه‌ها براساس دیدگاه اسلام، در خصوص همسرگزینی و نیز مطالعه پژوهش‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در این زمینه صورت می‌گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد که هدف آن بررسی و نقد نظریه‌های مطرح در باب همسرگزینی است. این پژوهش، دو مرحله اصلی دارد: یکی جمع‌آوری و توصیف دیدگاه‌ها، و دیگری نقد و بررسی آنها. در مرحله نخست، ابتدا با مراجعه به منابعی که مشتمل بر تبیین نظریه‌های همسرگزینی بود، دیدگاه‌های مطرح‌شده استخراج و با کمک سایر منابع، توضیحات تکمیلی در مورد هریک از نظریه‌ها ارائه و دیدگاه‌های مذکور توصیف شد. در مرحله دوم، با استفاده از منابع اسلامی، دیدگاه‌های ارائه‌شده بررسی گردید. بدین منظور، علاوه بر آیات و روایات، سیره معصومان علیهم‌السلام نیز مورد

توجه قرار گرفت. افزون بر نقد نظریات با رویکرد اسلامی، با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات تجربی، هریک از نظریه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نظریات همسرگزینی

در مورد اینکه همسرگزینی براساس توجه به چه ویژگی‌هایی صورت می‌پذیرد، نظریات متعددی ارائه شده است. در اینجا به چهار نظریه مهم اشاره می‌شود:

۱. نظریه همسان‌همسری

یکی از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در خصوص انتخاب همسر، نظریه همسان‌همسری است. همسان‌همسری معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲). براساس این اصل، افرادی که درصدد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۳۸). همسان‌همسری، مبتنی بر وابستگی گروهی می‌تواند - و واقعاً هم این‌گونه بوده است - به صورت‌های گوناگونی تعیین شود؛ به وسیله زمینه اجتماعی، گروه نژادی، گروه دینی، پراکندگی منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی یا اجتماعی، به لحاظ پیشرفت تحصیلی، از طریق گروه منزلتی یا طبقه اجتماعی فعلی (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲). افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش، و ویژگی‌های بی‌شمار دیگر، به مقداری بیش از آنکه به صورت تصادفی یافت شود، تمایل به ازدواج با یکدیگر دارند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). به‌عنوان نمونه، جاکوبسن و همکاران اظهار داشته‌اند که طبق سرشماری سال ۱۹۹۰، ۹۶/۹٪ زنان سفیدپوست در ایالات متحده با مردان سفیدپوست، و ۹۷/۲٪ مردان سفیدپوست ایالات متحده نیز با زنان سفیدپوست ازدواج کرده‌اند (جاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۴۳). با اینکه قوانین مخالف با ازدواج‌های بین نژادی در آفریقای جنوبی تغییر کرده است، اما ازدواج با افراد همسان آشکارا قانونی مانده، و ازدواج‌های بین نژادی واقعاً استثنایی است (همان). البته برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که برخی از انواع ازدواج‌های همسان‌همسری، رو به کاهش گذاشته است. مانند مطالعه (فریمل و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۲۳) که نشان می‌دهد همسانی بر حسب دین و نژاد در استرالیا کاهش یافته است. با اینکه معیارهای بسیاری در انتخاب یک همسر ایفای نقش می‌کند، اما جامعه‌شناسان اغلب همسان‌همسری و درون‌همسری را در خصوص نژاد، دین و منزلت اقتصادی - اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند (کالمین، ۱۹۹۸). در مواردی نیز ازدواج با افراد غیرهمسان ترجیح داده

می‌شود، چنانچه تحقیق بیرکلاند و هلملدل در خصوص همسانی تحصیلی در نیمه نخست قرن بیستم در نروژ، حاکی از آن است که در میان ازدواج‌های ناهمگن، مردان احتمالاً بیش از زنان تمایل دارند تا با افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر از خود ازدواج کنند. این انعکاس این مطلب است که مردان از پیشرفت تحصیلی برابر یا بیشتر از زنان برخوردار بوده‌اند (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۶). محققان تأثیر همسانی را بر استحکام زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله کالمین (۱۹۹۱) خاطر نشان ساخت که پایداری زوجین غیرهمسان پایین‌تر از زوج‌های همسان است (همان، ص ۵). البته تأثیر انواع همسانی بر استحکام ازدواج متفاوت می‌باشد. تحقیقاتی که در پی می‌آید، گویای این تفاوت است: هرچند به نظر می‌رسد که همسان‌همسری در مورد ویژگی‌های اجتماعی مؤثر واقع شود، اما عوامل روان‌شناختی همچون شخصیت و خلق و خو از تأثیر کمتری برخوردار است (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). بررسی فینکس (۱۹۹۷) در مورد ارتباط یکپارچگی اجتماعی، ناهمگنی و طلاق در دو گروه با زبان‌های مختلف در فنلاند نیز نشان داد که همسانی زبانی همسران، نرخ طلاق را کاهش داده، اما راجع به تأثیر همسانی سن یا تحصیلات آنان تأییدی یافت نشده است. تحقیق کرافت و نیمان نیز نشان می‌دهد که تأثیر ثابت همسانی برای سن می‌تواند یافت شود: خطر طلاق با افزایش اختلاف سنی رو به تزیاید می‌رود (کرافت و نیمان، ۲۰۰۹، ص ۲۸). در مقابل، تأثیر ثابت راجع به تحصیلات و حضور در کلیسا تنها در مورد افرادی از گروه‌های خاص یافت می‌شود، مانند زوجینی که هر دو همسر از سطح تحصیلات متوسط، یا بالا برخوردار بوده یا هر دو در مراسم کلیسا حاضر شوند.

نقد و بررسی

در منابع اسلامی بر لزوم همسانی زوجین و تأثیر آن در زندگی مشترک تأکید و از همسانی زوجین با عنوان «کفویت» یاد شده است. البته برخلاف دیدگاه همسان‌همسری در روان‌شناسی اجتماعی، که همسانی زوجین را در تمامی عرصه‌ها یا لاقدر در عرصه‌های نژاد، دین و منزلت اقتصادی - اجتماعی لحاظ کرده است (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶)، منابع اسلامی معیار همسانی را هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۷). این منابع لزوم همسانی زوجین را در برخی زمینه‌ها همچون نژاد، منزلت اقتصادی - اجتماعی، و حتی برخی از صفات اخلاقی نفی کرده‌اند. اهتمام کم اسلام به همسانی نژادی از آنجا استفاده می‌شود که اولاً، اسلام به نژاد به‌مثابه عاملی برای شناسایی افراد نگاه می‌کند، نه امتیاز و برتری اقوام و ملل بر یکدیگر (حجرات: ۱۳). ثانیاً، ازدواج اولیای الهی با افرادی از نژادهای دیگر همچون ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج

۳، ص ۳۸۷)، امام صادق علیه السلام با حضرت حمیده مصفاة که از اشراف عجم بود (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۳)، امام کاظم علیه السلام با حضرت تکتم که کنیزی از اهالی دورترین نقاط مغرب بود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۵۴)، و امام حسن عسکری علیه السلام با حضرت نرجس (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۹) که رومی بوده‌اند، دلیل روایی چنین پیوندهایی است. ثالثاً، پیشوایان دین به ازدواج‌هایی توصیه کرده‌اند که ویژگی بارز دو طرف آن تفاوت نژادی بوده است (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). منزلت اقتصادی-اجتماعی نیز معیار همسانی در منابع دینی به‌شمار نمی‌رود. این امر نیز مستند به شواهد متعددی می‌باشد. از یک‌سو، خداوند در قرآن تقوا را ملاک کرامت افراد در نزد خود می‌داند (حجرات: ۱۳). از سوی دیگر، ازدواج‌های اولیای دین با کنیزانی (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۸۸)، که با وجود رفعت علمی و معنوی (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۶)، از نازل‌ترین موقعیت اجتماعی برخوردار بودند، نشانگر این مطلب است که همسانی طبقه اجتماعی، عامل بسیار مؤثری در موفقیت ازدواج به‌شمار نمی‌رود. در یکی از این موارد، امام زین‌العابدین علیه السلام، با کنیزی که از آن امام حسن علیه السلام بود، ازدواج کرد. این خبر به گوش عبدالمکمل بن مروان رسید. وی در نامه‌ای به حضرت نوشت که تو شوهر کنیزان گشته‌ای! امام زین‌العابدین علیه السلام به او نوشت: «همانا خداوند به وسیله اسلام، پستی را بلندی بخشیده و ناقص را کامل گردانیده و از فرومایگی، به ارجمندی رسانیده است. بنابراین، هیچ مسلمانی پست نیست، بلکه پستی واقعی پستی جاهلیت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خود، بنده‌اش را [از قوم خود] زن داد و با کنیزش ازدواج کرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۶). همچنان‌که وساطت اولیای الهی در ازدواج‌هایی که طرفین آن برخاسته از طبقات متفاوت اجتماعی بوده‌اند، گواه آشکاری بر این دیدگاه اسلام است. برای نمونه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر ازدواج فرزندخوانده خود، زیدبن حارثه، که برده‌ای آزادشده توسط حضرت خدیجه علیها السلام بود، با دختر عمه خود، زینب بنت جحش که از اشراف قریش بود، وساطت نمودند. خداوند متعال نیز پس از مشاهده کراهت زینب، به دلیل اختلاف پایگاه اجتماعی آنان، در آیه‌ای زینب را از مخالفت با حکم پیامبر بر حذر داشت (احزاب: ۳۶). به این ترتیب، خط بطلان بر ضرورت همسانی زوجین در طبقه اجتماعی کشید. در خصوص مورد اخیر، علاوه بر روایاتی که گذشت (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹، ۳۴۱، و ۳۴۴)، حدیث زیر نیز گویاست. شخصی برای امام جواد علیه السلام نامه نوشت و در آن نظر حضرت را درباره ازدواج دختران خود و اینکه هیچ کس را همانند [و هم‌شان خودش] نمی‌یابد، جویا شد. حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: «آنچه را در مورد دخترانت بیان کردی و اینکه کسی را همانند خودت نمی‌یابی، دانستم؛ اما - خدایت رحمت کند - این امر را معیار و شرط ازدواج دخترانت قرار نده؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید به خواستگاری نزد

شما آمد، به وی همسر دهید؛ چراکه در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگی زمین را در بر خواهد گرفت» (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). در عین حال، تأکید منابع اسلامی بر وجود برخی خصوصیات اخلاقی مانند غیرت در مردان و نفی آن در زنان (نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۲۴)، نشانگر آن است که همسانی زوجین در همه ابعاد اخلاقی نیز از دیدگاه اسلام روا نیست.

پژوهش‌های متعدد انجام شده در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز گرایش همه‌جانبه به همسانی را در همسرگزینی به چالش می‌کشد. در این میان، می‌توان به تحقیقات اسپرچر و هتفیلد (۲۰۰۹)، ناکس و شاجت (۲۰۰۹)، وینچ (۱۹۵۸)، هاگس (۲۰۰۲) و حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

۲. فرضیه همانندی

جذابیت بدنی نیز در همسرگزینی ایفای نقش می‌کند. ما دوستی و معاشرت با افراد جذاب را بر افراد غیرجذاب ترجیح می‌دهیم (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). از نظر گنگستاد، ثورنهییل و گارور-اپگارل (۲۰۰۵)، یک چهره متقارن جذاب‌تر است. شاید رایحه دل‌انگیز نیز با تقارن تطبیق کند. یافته‌ها حاکی از آن است که در زمان تخمک‌گذاری، زنان بوی مردانی را که از تناسب بیشتری برخوردارند، ترجیح می‌دهند (دیبیر، ۲۰۰۹). اما، به عقیده مورستین، (۱۹۷۲ و ۱۹۷۶) و فینگلد (۱۹۸۸) از آنجاکه به دست آوردن همسرانی فوق‌العاده زیبا و خوش‌ظاهر محدود است، در زندگی واقعی به آن تمایل داریم که همسرانی برگزینیم که از نظر جذابیت ظاهری شبیه به ما باشند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). نگاهی اجمالی به زوجین در موقعیت‌های عمومی، به مشاهده این امر منجر می‌شود که افراد مایلند با کسانی پیوند برقرار کنند که از نظر جذابیت بدنی شبیه خودشان باشند. مرد خوش‌قیافه و زن جذاب، با هم قرار گذاشته و ازدواج می‌کنند، حال آنکه همتایان زشت‌تر نیز با اقران خود ازدواج می‌کنند (اسپرچر و هتفیلد، ۲۰۰۹). در یک پژوهش، روان‌شناسان اجتماعی سطح جذابیت هریک از دو طرف زوجین واقعی را اندازه‌گیری کردند. آنها این کار را به شیوه‌های مختلف انجام دادند، اما سعی کردند تا حد امکان عینی باشد. این کار اغلب با پرسیدن از بیش از یک «داور» صورت گرفت... در این باره، شواهد محکمی برای فرضیه همانندی یافت شد. بین زوجین واقعی، شباهت میان سطح جذابیت جسمانی همسران تشخیص داده شد (همان).

فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم (هاگس و

همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۵۳). اما افراد گاهی اوقات در روابطی وارد می‌شوند که در آن بسیاری از ویژگی‌های مطلوب را پیشکش می‌کنند. یک فرد می‌تواند فقدان جذابیت را با یک شخصیت فریبنده، مهربانی، موقعیت، پول و مانند آن جبران کند. این تصور، که افراد گهگاه می‌توانند فقدان جذابیت را با ارائه سایر خصلت‌های مطلوب جبران کنند، «همانندی پیچیده» نامیده شده است. آنچنان‌که روان‌شناسان اجتماعی خاطر نشان می‌کنند، نوع سستی جور شدن آن است که یک مرد ثروتمند موفق مسن‌تر، با یک زن جذاب جوان ازدواج کند (اسپرچر و هتفیلد، ۲۰۰۹).

نقد و بررسی

مهم‌ترین نقدی که بر این فرضیه وارد است، فرو کاستن اهداف ازدواج به بُعد ناچیزی از ابعاد ازدواج، یعنی جذابیت بدنی است. حال آنکه از هدف‌های مهم ازدواج، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در سایه برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک با هم است (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵۲). خداوند متعال در آیات متعددی به این کارکرد ازدواج اشاره می‌کند: «از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان رحمت و دوستی نهاد» (روم: ۲۱) و «او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید» (اعراف: ۱۸۹) و «آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها» (بقره: ۱۸۷). بررسی منابع اسلامی نشانگر آن است که عوامل زیر در ایجاد آرامش روانی میان همسران تأثیرگذار است:

تکامل ناشی از رفع نقص و نیاز، وحدت جنس زن و شوهر، ایجاد مودت و رحمت در میان همسران، و پوشندگی (حسین‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۳۶-۳۷). تشکیل خانواده دارای کارکردهای دیگری همچون جامعه‌پذیری، تأمین پایگاه اجتماعی، مشروعیت، کنترل اجتماعی، و کارکردهای اقتصادی نیز هست (بستان، ۱۳۸۳، ص ۸۳). همچنین تشکیل خانواده رابطه افراد را با خداوند نزدیک‌تر می‌کند. چنانچه تحقیق گودمن و دولاهایت نشان می‌دهد که مسیحیان، یهودیان و مسلمانان در مورد نزدیک‌تر شدن به خدا از طریق ازدواج سخن گفته‌اند (گودمن و دولاهایت، ۲۰۰۶، ص ۱۴۶). بنابراین، نمی‌توان انگیزه انتخاب همسر را صرفاً برخورداری وی از جذابیت‌های ظاهری دانست و گفت که «ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم». ضمن آنکه نتایج پژوهش حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰، ص ۱۸۰)، نشان می‌دهد تفاوت مردان و زنان در خصوص

نقش ویژگی‌های جسمانی در ازدواج معنادار است. مردان اهتمام بیشتری به معیارهای جسمی در انتخاب همسر دارند. این تحقیق مورد تأیید پژوهش‌هایی همچون بررسی فینگلد (۱۹۹۰) است که نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان تحت تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰). همچنین پژوهش جیمبالو (۱۹۹۳) بیان می‌کند که برای مردان عامل جذابیت‌های جسمانی و رابطه جنسی، نقش مهم‌تری در رضایت‌مندی دارد (حفاظی طریقه و همکاران، ۱۳۸۵). پژوهش مردانی و همکاران (۱۳۸۱) در خصوص زمینه‌یابی نگرش دانشجویان و هنرآموزان دختر نسبت به همسرگزینی و آینده ازدواج نیز نشان می‌دهد که ظاهر و قیافه پسران از دیدگاه دختران، تنها از اهمیتی برابر ۳٪ نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردار است. بر این اساس، نمی‌توان مدعی شد که هر دو گروه مردان و زنان، به میزان یکسان به جذابیت بدنی در انتخاب همسر بها می‌دهند.

۳. نظریه نیازهای مکمل

نظریه نیازهای مکمل بیان می‌دارد که ما به انتخاب همسرانی تمایل داریم که نیازهای آنان مخالف و تکمیل‌کننده نیازهای ماست (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). نظریه نیازهای مکمل، به دو خصلت شخصیتی متفاوت اشاره دارد که نظیر یکدیگرند و آنگاه که به هم ملحق شوند، نوعی تکامل را فراهم می‌سازند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). افراد سلطه‌جو با افراد سلطه‌پذیر ارتباط تکاملی می‌یابند و افراد پرحرف، خود را مجذوب شنوندگان خوب می‌یابند. جذابیت بین فردی بستگی به آن دارد که هر همسر چگونه انتظارات دیگری را تأمین می‌کند و متقابلاً، چگونه با خرسندی «تناسب نقش» خود را می‌یابد (همان). این نیازهای مکمل به این نکته اشاره می‌کند که شخصی علاقمند به برخورداری از مراقبت دیگری است. حال آنکه دیگری می‌خواهد ولی نعمت چنین خیری باشد. نمونه‌های دیگر نیازهای مکمل می‌تواند با این موارد سروکار داشته باشد: مسئولیت در برابر وظیفه‌شناسی، اصلاح در برابر آشوبگری، و بی‌نظمی در برابر نظم (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). وینچ و همکارانش براساس ویژگی‌های مکمل نه مشابه، فهرستی از ۱۲ نیاز اصلی و سه خصوصیت روانی ساختند که امکان انتخاب همسر مناسب را با توجه به خصوصیات روانی هر فرد توصیه می‌کرد (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). به‌عنوان نمونه، اگر شوهر متمایل به فرماندهی باشد، بهتر است زنی را انتخاب کند که دارای خصلتی مطیع باشد و یا اگر یکی از زوجین عصبی، حساس و پرخاشگر باشند، دیگری آرام و متعادل باشد، والا احتمال برخورد بیشتر و شکنندگی قرارداد زوجیت در صورت ازدواج دو فرد عصبی با یکدیگر بیشتر

خواهد بود (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱). هلن فیشر (۲۰۰۹) در مطالعه خود بر روی ۲۸۰۰۰ نفر از شرکت‌کنندگانی که در پایگاه (chemistry.com) به دنبال انتخاب همسر بودند، شواهدی را برای نیازهای مکمل کشف کرد (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). بر حسب شخصیت، «کارگردان‌ها» (تحلیلی، قاطع، متمرکز) افراد «گفت‌وگوکننده» (درون‌نگر، کلامی، شهودی) را جست‌وجو می‌کردند (همان). این نظریه، غیر از وینچ حامیان دیگری از قبیل کتسین، استروس و والر نیز دارد که ارضای نیازهای مختلف زوجین توسط یکدیگر را یک نوع اشباع و استقلال عاطفی می‌دانند و این همان چیزی است که دو همسر را به نحوی پایدار به هم می‌پیوندد.

نقد و بررسی

با آنکه این نظریه شواهد و طرفدارانی دارد، اما نقدهای جدی آن را به چالش کشیده است: نخست آنکه، در کنار شواهدی که برای انتخاب براساس تفاوت وجود دارد، شواهد زیاد دیگری نیز وجود دارد که انتخاب بر مبنای همسانی را تأیید می‌کند. برای نمونه، به گزارش هیتون و جاکوبسن (۲۰۰۰) طبق سرشماری سال ۱۹۹۰، ۹۶/۹٪ زنان سفیدپوست در ایالات متحده با مردان سفیدپوست، و ۹۷/۲٪ مردان سفیدپوست ایالات متحده نیز با زنان سفیدپوست ازدواج کرده‌اند (جاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۴۳). با اینکه قوانین مخالف با ازدواج‌های بین نژادی در آفریقای جنوبی تغییر کرده است، اما ازدواج با افراد همسان آشکارا قانونی مانده، و ازدواج‌های بین نژادی واقعاً استثنایی است (همان). البته ممکن است طرفداران این نظریه، تفاوت‌ها را محدود به خصلت‌های شخصیتی دانسته و آن را به سایر حوزه‌ها از جمله حوزه‌های اجتماعی تعمیم ندهند، اما با این اشکال مواجه می‌شوند که این رویکرد، تنها خصلت‌های شخصیتی را برای ازدواج در نظر گرفته و از سایر ابعاد مهم همچون ابعاد خانوادگی، اقتصادی، جسمی و... غفلت ورزیده است.

نقد دیگر این دیدگاه اینکه طبق این نظریه همه باید از نیازهای روانی خود آگاهی یابند و خود تحلیل‌گر باشند، حال آنکه گزینش همسر با آگاهی و تخصص صورت نمی‌پذیرد (داودخانی، ۱۳۸۵). البته هر فردی نسبت به برخی خصوصیات شخصیتی خویش آگاهی دارد، ولی این به معنای آگاهی و اشراف کامل به تمامی ابعاد شخصیتی خویش نیست، وگرنه نیازی به آزمون‌های متعدد شخصیت وجود نداشت. وایت نیز در مقام نقد این نظریه می‌گوید: «چون نیازهای ما متفاوت است، پس ممکن نیست که دو نفر با هم بمانند» (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۳). به این معنا که هر فرد باید برای ویژگی‌های متعدد

خود، ویژگی‌های مقابل آنها را در طرف مقابل در نظر گرفته و او را برای همسری انتخاب کند. تحقق چنین امری نیز به غایت دشوار است.

همچنین پرسش‌هایی در خصوص این نظریه مطرح شده است. از جمله: آیا همچنان‌که تأمین نیازهای شخصیتی از طریق انتخاب همسر میسر است، از راه‌هایی غیر از روابط زوجین امکان‌پذیر نیست؟ آیا افراد در طول زمان تغییر نمی‌کنند؟ (همان).

با بررسی دیدگاه اسلام در خصوص همسرگزینی نیز می‌توان شواهدی بر ضعف این نظریه ارائه کرد: الف. اسلام همسانی دینی را شرط لازم برای تحقق ازدواج دائم دانسته (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۵) و مسلمانان را از برقراری پیوند زناشویی با مشرکان و کافران برحذر می‌دارد (بقره: ۲۲۱؛ ممتحنه: ۱۰). علاوه بر این، لازم می‌داند که افراد برای ازدواج، همسرانی هم‌تراز از لحاظ میزان دینداری انتخاب کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹).

ب. برخی معیارهای همسرگزینی به‌طور مطلق مورد اهتمام اسلام قرار گرفته و صرف نظر از اینکه این معیار در فرد انتخاب‌گر وجود دارد یا نه، تأکید شده که این ویژگی‌ها را در انتخاب همسر لحاظ کند. مثلاً، توصیه شده همسرانی برگزینند که از خصوصیات زیر برخوردار باشند: حسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۶۳)، شکرگزاری (راوندی، بی‌تا، ص ۴۸)، عفت‌ورزی (مائده: ۵؛ نساء: ۲۵)، آرامش‌گری (روم: ۲۰)، زایایی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۳)، زیبایی (همان، ص ۳۲۳) و تمایل جنسی (همان، ص ۳۲۴).

ج. اسلام ازدواج مؤمنان با افراد آلوده را ممنوع کرده و به این‌گونه افراد تنها اجازه داده که با همتایان خود یا مشرکان ازدواج نمایند (نور: ۳ و ۲۶).

۴. نظریه مبادله

نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کمترین هزینه ارائه می‌کند. این پنج مفهوم به تبیین فرایند مبادله کمک می‌کند:

۱. پاداش‌ها: پاداش‌ها رفتارهایی (طرف شما به دیده عشق به شما می‌نگرد)، کلماتی (دوستت دارم)، منابعی (زیبا یا دلپذیر بودن، داشتن وسیله نقلیه، آپارتمان، و پول)، و خدماتی (غذا پختن یا تایپ کردن برای شما) است که طرف مقابل شما فراهم می‌کند، و شما به خاطر این امور که برایتان ارزشمند است، ارتباط را تداوم می‌بخشید.

۲. هزینه‌ها: هزینه‌ها جنبه‌های نامطبوع روابطاند. یک زن هزینه‌های مرتبط با دچار شدن به همسر خود را چنین معرفی می‌کند: «او مواد مخدر مصرف می‌کند، شاغل نیست، ۹ ساعت دور از خانه به سر می‌برد». هزینه‌هایی که همسر چنین خانمی در ارتباط با او می‌پردازد، شامل این موارد است: «او مرا آزار می‌دهد، او روابط جنسی را نمی‌پسندد»، و «در صورتی که ما با هم ازدواج کنیم، او می‌خواهد مادرش با ما زندگی کند». / اینگلدزبای و همکاران (۲۰۰۳) میزان همبستگی خصلت‌های مختلف را با کاهش جذابیت یک فرد در موقعیت ازدواج برآورد کرده‌اند (اینگلدزبای و همکاران، ۲۰۰۳). نامطلوب‌ترین خصایص عبارتند از: بی‌علاقگی به جنس مخالف، مشکلات الکل یا مواد مخدر داشتن، بیماری مسری جنسی، و تنبلی.

۳. منفعت: منفعت آن هنگام اتفاق می‌افتد که پاداش‌ها بر هزینه‌ها غلبه کند. زوجین احتمالاً به روابط خود پایان می‌دهند و در جست‌وجوی فرد دیگری برمی‌آیند که ارتباط با او سود تضمین شده بالاتری داشته باشد، مگر اینکه آنان به دریافت منفعتی از باقی ماندن با هم اشاره کنند.

۴. زیان: زیان هنگامی روی می‌دهد که هزینه‌ها بر پاداش‌ها غلبه کند.

۵. جایگزین: فرد دیگری است که اینک در دسترس است و منفعت تضمین شده بالاتری ارائه می‌کند. به‌طور خلاصه، نظریه مبادله بیان می‌کند که افراد درگیر در ارتباط رضایت‌بخش متقابل به تبادل رفتارهایی می‌پردازند که هزینه اندک و سود سرشار دارد (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). زن و مرد براساس نیازهای اجتماعی و درونی درمی‌یابند که تشکیل خانواده می‌تواند برای آنها پاداش‌هایی را به همراه آورد که در جای دیگری یافت نمی‌شود. این پاداش‌ها می‌تواند درون‌ذاتی و معنوی باشد، مانند محبت و احترام و عشق و تفاهم و تعالی، یا می‌تواند برون‌ذاتی باشد، مانند مهریه و جهیزیه، خانه مستقل و استقلال مادی. بر این اساس، افراد جذب یکدیگر می‌شوند. چنانچه این پاداش‌ها به نحو شایسته‌ای برآورده گردد، خانواده تشکیل شده و دوام می‌یابد. جنس پاداش‌هایی، که زن و مرد در اختیار یکدیگر می‌گذارند، متفاوت است (بصیری، ۱۳۸۹). *باس و بارنز (۱۹۸۶)؛ ایگلی و وود (۱۹۹۹) و هاوارد و همکاران (۱۹۸۷)* معتقدند در جامعه، زنان به نقش‌هایی واگذار می‌شوند که دارای قدرت کمتر و دستیابی کمتر به منابع است. زنان برای دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع، خصوصیتی را در همسر آینده خود جست‌وجو می‌کنند. به نوبت، زنان در مقابل کالایی که دریافت کرده‌اند، اموری از قبیل زیبایی جسمی، باروری و لذت جنسی را ارائه می‌کنند (شومیک و الیزابت، ۲۰۰۷، ص ۳۶).

نقد و بررسی

این نظریه بر این فرض استوار است که زنان از دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع محروم باشند و صرفاً برای رفع این محرومیت ازدواج کنند. درحالی که به‌ویژه در جوامع امروز، بخش عمده‌ای از زنان از قدرت و امکانات لازم برخوردارند. در عین حال، خود را بی‌نیاز از ازدواج نمی‌دانند. ضمن آنکه زمینه‌یابی نگرش دختران نسبت به همسرگزینی نیز نشانگر آن است که وضعیت اقتصادی پسران در نظر دختران، تنها از اهمیتی بالغ بر ۴٪ برخوردار است (مردانی و همکاران، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، این نکته نیز که مردان تنها به انگیزه دریافت اموری چون زیبایی جسمی، فرزندآوری و لذت جنسی اقدام به ازدواج کنند، قابل تردید است؛ زیرا اولاً، دریافت این امور منوط به ازدواج نیست و مردان می‌توانند آنها را از ارتباطات خارج از چارچوب خانواده نیز تحصیل کنند. ثانیاً، مردان با ازدواج به نتایج دیگری همچون آرامش، تکامل و... که از قبیل امور ظاهری نیستند، نیز خواهند رسید. البته براساس یافته‌های پژوهش حسین‌خانی نائینی، میانگین ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی، اقتصادی و جسمانی بین پاسخ‌گویان دختر و پسر تفاوت معناداری دارد (حسین‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰). در ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی و اقتصادی، دختران نمره بالاتری دریافت نموده‌اند و در ویژگی‌های جسمانی، پسران نمره بیشتری دریافت نموده‌اند، اما این امر صرفاً اهمیت بیشتر پسران به امور جسمی، و دختران به امور اقتصادی را ثابت می‌کند. بنابراین، برداشت این مطلب که پسران تنها به امور جسمی و دختران تنها به امور اقتصادی بها می‌دهند، نادرست به نظر می‌رسد. این رویکرد با چشم‌پوشی از کارکردهای معنوی ازدواج، تنها کارکرد آن را تبادل امکانات مادی دانسته است. درحالی که یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از این است که کارکردهای فوق‌بخش‌ناچیزی از کارکردهای تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام را در برمی‌گیرد (همان، ص ۲۸۲۰). در منابع اسلامی، کارکردهای مهم دیگری همچون آرامش‌بخشی، پرورش فرزندان، و تقویت ارتباطات اجتماعی نیز برای تشکیل خانواده مطرح شده است که تمرکز بر مبادلات صرفاً مادی را منتفی می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، چهار نمونه از مهم‌ترین نظریات مربوط به همسرگزینی مورد بررسی قرار گرفت. نخستین نظریه دیدگاه همسان‌همسری بود. براساس این اصل، افرادی که درصد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد. اما منابع

اسلامی معیار همسانی را هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند. این منابع، لزوم همسانی زوجین را در برخی زمینه‌ها همچون نژاد، منزلت اقتصادی-اجتماعی، و حتی برخی از صفات اخلاقی نفی کرده‌اند. علاوه بر این، پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز گرایش همه‌جانبه به همسانی را در همسرگزینی به چالش می‌کشد.

دیدگاه دوم، یعنی فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم. مهم‌ترین نقدی که بر این فرضیه وارد است، فرو کاستن اهداف ازدواج به بعد ناچیزی از ابعاد ازدواج یعنی جذابیت بدنی و تأمین نیاز جنسی است. پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه نیز نشان می‌دهد که تفاوت مردان و زنان در خصوص نقش ویژگی‌های جسمانی در ازدواج معنادار است و مردان اهتمام بیشتری به معیارهای جسمی در انتخاب همسر دارند.

نظریه نیازهای مکمل به دو خصلت شخصیتی متفاوت اشاره دارد که نظیر یکدیگرند و آن‌گاه که به هم ملحق شوند، نوعی تکامل را فراهم می‌سازند. بر این اساس، افراد در همسرگزینی در جست‌وجوی مواردی هستند که دارای خصوصیات شخصیتی متفاوت و در عین حال مکمل آنها باشند. با آنکه این نظریه شواهد و طرفدارانی دارد، اما در کنار شواهدی که برای انتخاب براساس تفاوت وجود دارد، شواهد زیاد دیگری نیز وجود دارد که انتخاب بر مبنای همسانی را تأیید می‌کند. نقد دیگر این دیدگاه این است که طبق این نظریه، همه باید از نیازهای روانی خود آگاهی یابند و خود تحلیل‌گر باشند. حال آنکه گزینش همسر با آگاهی و تخصص در خصوص ویژگی‌های شخصیتی صورت نمی‌پذیرد. در دیدگاه اسلامی نیز این نظریه مقبول نیست؛ چراکه از نظر اسلام اساساً هم‌شانی دو همسر بر مبنای همسانی دینی توجیه می‌شود، ضمن آنکه برخی ویژگی‌های همسر شایسته از دیدگاه اسلام به صورت مطلق و صرف نظر از آنکه این خصوصیت در انتخاب‌گر وجود دارد یا نه، مورد تأکید قرار گرفته است.

بالاخره نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کمترین هزینه ارائه می‌کند. در جامعه، زنان به نقش‌هایی واگذار می‌شوند که دارای قدرت کمتر و دستیابی کمتر به منابع است. زنان برای دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع، خصوصیات را در همسر آینده خود جست‌وجو می‌کنند و در مقابل کالایی که دریافت کرده‌اند، اموری از قبیل زیبایی جسمی، باروری و لذت جنسی را ارائه می‌کنند. این رویکرد با چشم‌پوشی از کارکردهای معنوی ازدواج، تنها کارکرد آن را تبادل امکانات مادی دانسته است، درحالی‌که کارکردهای فوق، بخش ناچیزی از کارکردهای تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام و مسیحیت را دربرمی‌گیرد. همچنین این نظریه بر این فرض استوار است

که زنان از دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع محروم باشند و صرفاً برای رفع این محرومیت ازدواج کنند. درحالی که به‌ویژه در جوامع امروز، بخش عمده‌ای از زنان از قدرت و امکانات لازم برخوردارند. در عین حال، خود را بی‌نیاز از ازدواج نمی‌دانند. از سوی دیگر، این نکته نیز که مردان تنها به انگیزه دریافت اموری چون زیبایی جسمی، فرزندآوری و لذت جنسی اقدام به ازدواج کنند، قابل تردید است.

در دیدگاه اسلام، بر همسان‌همسری دینی و هماهنگی در میزان دین‌داری و نیز برخی خصوصیات اخلاقی از قبیل پاکدامنی تأکید و بر عدم اهمیت ابعاد دیگر همسانی تصریح شده است. دو پژوهش حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰، ص ۴۰-۷۴؛ ۱۳۸۹، ص ۲۱-۴۴) به تفصیل، معیارهای همسرگزینی از دیدگاه اسلام و میزان اهمیت هریک را مورد بررسی قرار داده است.

منابع

- نهج البلاغه، بی تا، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مؤسسه مطبوعاتی هدف.
- اعزازی، شهلا، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران، ۱۳۸۲، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین، ۱۳۸۳، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بصیری، هدی، (آبان ۱۳۸۹)، *خانواده و زناشویی به مثابه فراگرد مبادله*، <<http://anthropology.ir/node/7540>>
- جاسبی، منیژه و همکاران، ۱۳۸۶، *بررسی رابطه بین میزان صمیمیت در خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان* در: مجموعه مقالات تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین خانی نایینی، هادی، ۱۳۹۰، *معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹، «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۴، ص ۲۱-۴۴.
- حفاظی طریقه، میترا و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایت‌مندی زوجی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ش ۵۴، ص ۹۹-۱۰۹.
- خسروی، موسی، ۱۳۸۰، *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا*، تهران، اسلامیه.
- داودخانی، محسن، ۱۳۸۵، *جامعه‌شناسی همسریابی*، برگرفته از: 17.aspx_social82.blogfa.com/cat
- راوندی، سیدفضل‌الله، بی تا، *النوادر للراوندی*، قم، دارالکتاب.
- سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۵، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمدبن علی، ۴۰۳ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، ترجمه نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی، تهران، مرتضوی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.
- قزائتی، محسن، ۱۳۷۶، *تفسیر نور*، قم، مؤسسه در راه حق.
- کریمی حویزی، محمد، ۴۰۲ق، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مردانی، صدیقه و همکاران، ۱۳۸۱، «بررسی و زمینه‌یابی نگرش دانشجویان و هنرآموزان دختر نسبت به همسرگزینی و آینده ازدواج» در: خلاصه مقالات ازدواج دانشجویی راهکارها و چالش‌ها، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، ص

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی علیه السلام.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۳۴۱ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

موسوی خمینی، سیدروح الله، بی تا، *تحریر الوسیله*، قم، اسماعیلیان.

Birkelund, & et al, 2003, Who Marries Whom? Educational Homogamy in Norway. DEMOGRAPHIC RESEARCH. VOLUME 8. ARTICLE 1. P. 1-30. Retrieved from <http://www.oekonomi.uio.no/memo/memopdf/memo2800.p>

Dibear, 2009, Factors In Human Mate Selection, Barrels of Information & How to Guides. Retrieved from [www.infobarrel.com/Factors In Human M.](http://www.infobarrel.com/Factors_In_Human_M)

Finnks, Fjalar, 1997, Social Integration, Heterogeneity, and Divorce: The Case of the Swedish — speaking Population in Finland, *Finland Acta Sociologica*, v 40, N 3, p. 263_277.

Frimmel, & et al, 2008, Assortative Mating and Divorce in Austria, Johannes Kepler Universit □ at Linz, www.oeaw.ac.at/vid/download/col091020rw.pdf.

Goodman, Michael. A. & David, C. Dollahite, 2006, How Religious Couples Perceive the Influence of God in Their Marriage. *Review of Religious Research*, v 48, N 2, p. 141-155.

Hughes, & et al, 2002, *Sociology: the core*. New York, McGraw_Hill Higher Education.

Ingoldsby, Bron. B., & et al, 2003, *Mate Selection Across Cultures explores*. Sage Publications.

Jacobson, C. K., & et al, 2004, Inter Racial Marriages in South Africa. *Contributors, Journal of Comparative Family Studies*, v 35, P. 443.

Kalmijn, Matthijs, 1998, Inter marriage And Homogamy: Causes, Patterns, Trends, *Annual Review of Sociology*, v 24, p. 395-421.

Knox, David. & Carolin. Schacht, 2009, *Choices in Relationships: An Introduction to Marriage and the Family*. Wadsworth: Cengage Learning. Inc.

Kraft, Kornelius., & Stefanie. Neimann, 2009, *Impact of Educational and Religious Homogamy in Marital Stability*. Discussion Paper.

Shoemake, & Elizabeth. G, 2007, Human Mate Selection Theory: An Integrated Evolutionary and Social Approach, *Journal of Scientific Psychology*, p. 35-41.

Sprecher, S. & Hatfield, E, (in press/2009), Matching hypothesis. In H. Reis & S. Sprecher (Eds.) *Encyclopedia of human relationships*, New York: SAGE.

نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی

sey110@hotmail.com

محمدسجاد صیدی / دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی

علی محمد نظری / دانشیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی

محمد ابراهیمی / دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط حل مسئله و باور به تقدس ازدواج در شادکامی زناشویی و نیز آزمون نقش واسطه‌ای متغیرهای ارتباطی انجام گرفت. بدین منظور تعداد ۳۵۸ نفر از متأهلان شهرستان مریوان به شیوه نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: ارتباط حل مسئله خانواده (FPSCI)، مقیاس تقدس ازدواج، مقیاس ارتباط در خانواده (FCS)، و خرسندی زناشویی (MHS). از تحلیل واریانس یک راهه و تحلیل مسیر برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که باور به تقدس ازدواج، استفاده بیشتر از راهبردهای مثبت‌گرایی، باز و راحت بودن، اطمینان و دل‌گرمی‌دادن، شبکه‌های اجتماعی، تقسیم وظایف، نصیحت کردن و مدیریت تعارض را در پی دارد و موجب ارتقا ارتباط تأیید و کاهش ارتباط آتش افروز می‌شود. همچنین نقش واسطه‌ای راهبردهای حفظ رابطه و ارتباط حل مسئله مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، می‌توان گفت: باور افراد به تقدس ازدواج، یک باور شناختی مفید بوده که می‌تواند رابطه زناشویی را به محیطی امن برای رشد و بالندگی زوج تبدیل کند.

کلیدواژه‌ها: تقدس ازدواج، راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط حل مسئله، شادکامی زناشویی.

مقدمه

ازدواج در اسلام نه تنها به عنوان یک قرارداد حقوقی، بلکه پیمانی مقدس (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳) و مستحکم (نساء: ۲۱) می باشد. جلوه های این تقدس بخشی را می توان در مبانی دینی و فرهنگی بسیاری از ملت ها مشاهده کرد (پین، ۲۰۱۰، ص ۳۰). اما گمان نمی رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد (بحرینی، ۱۳۸۷). همچنان که در آیات و روایات اسلامی، بارها مقدس و الهی بودن این رابطه مورد اشاره قرار گرفته است. ازدواج در این مکتب، به عنوان بهترین بنا از نظر خداوند، عامل آرامش، محبت و رحمت (روم: ۲۱)، موجب نزول رحمت خداوند (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، عامل حفظ دین و نیز طهارت معنوی (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۷) در نظر گرفته می شود.

در تعالیم اسلام به افراد توصیه می شود پیش از اقدام به ازدواج، در گزینش همسر و انجام مراسم در مراحل بعدی، رفتارهای خود را با نماز، دعا و توکل بر خداوند همراه کنند، بدین جهت که ازدواج را با معنویت همراه کرده و به آن تقدس بخشند. باور به اینکه یک نقش یا رابطه، ویژگی های معنوی دارد، موجب می شود که آن، صفاتی متعالی به خود گرفته و به عنوان جلوه ای از ذات باری تعالی دیده شود، و مقدس خوانده شود (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ موری - اسوانک، ۲۰۰۵).

الیس و دریدن (۱۹۹۷)، لازاروس (۲۰۰۱)، بک (۱۳۸۲)، از اثرگذاری باورها در رابطه زوجی خبر داده اند. به همین ترتیب، پژوهشگران معتقدند که باور به مقدس بودن ازدواج در سه حیطة بر رابطه زوجی اثر می گذارد: حیطة فردی (ازدواج شاهرایی است که افراد از آن طریق می توانند شادکامی و خوشنودی فردی برسند)، ارتباطی (به عنوان تقدس بخش ازدواج دیده می شود به گونه ای که در آن ازدواج به عنوان یک شیوه ایده آل برای مردان و زنان دیده شده تا با هم مرتبط، متعهد و مراقب یکدیگر باشند) (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰ ب) و معنوی (به عنوان شیوه ای که افراد می توانند از طریق آن به تکامل و تمامیت دست یابند) (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۷) در نظر گرفته می شود (گودمن و دولهات، ۲۰۰۶).

نتایج برخی مطالعات، حاکی از این هستند که زوج هایی که ازدواج خود را مقدس و موهبتی از جانب باری تعالی می بینند، ارتباطی با کیفیت را در زندگی مشترک خود تجربه کرده و از راهبردهایی برای مدیریت تنش ها و مشکلات استفاده خواهند کرد (پین، ۲۰۱۰، ص ۱۹؛ ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳؛ صیدی و همکاران، ۱۳۹۰ الف). اما اینکه این زوجها از چه راهبردهایی استفاده می کنند؟ سؤالی است که هنوز بدان پاسخ داده نشده است.

استفورد و کانری، پنج راهبرد را برای حفظ رابطه مشخص کردند: مثبت‌گرایی (که به اتخاذ رویکردی مثبت به رابطه، مثل ابراز خوشحالی و امید، و حمایت از طرف دیگر و نیز به حداقل رساندن تعبیر منفی و خصم‌آلود برمی‌گردد)، باز و راحت بودن (گفت‌وگوی مستقیم در مورد طبیعت رابطه)، اطمینان و دلگرمی دادن (تأکید بر پذیرش، عشق، و تعهد به همسر)، و شبکه‌های اجتماعی (استفاده از خانواده، دوستان و سایر اعضای شبکه‌های اجتماعی برای تثبیت رابطه)، و تقسیم وظایف (تأکید بر انجام وظایف و رضایت فرد از مسئولیت‌هایی که بر عهده اوست) (استفورد و کانری، ۱۹۹۱). استفورد و همکاران، دو راهبرد دیگر ارائه نمودند که شامل نصیحت، و مدیریت تعارض می‌باشد (استفورد و همکاران، ۲۰۰۰). این راهبردها، فعالیت‌هایی هستند که افراد هشیارانه به‌عهده می‌گیرند تا رابطه‌شان را با هم حفظ کنند.

مفروضه زیربنایی رویکرد کانری و استفورد (۱۹۹۲) بیان می‌کند که رفتارهای نگه‌دارنده ارتباط در افراد، بر ادراکات همسرشان از رابطه و نیز مؤلفه‌هایی که کیفیت رابطه را تعیین می‌کنند، اثر دارد. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به تعهد (رامیرز، ۲۰۰۸؛ بالارد-ریچ و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۴۲۰)، رضایت‌مندی از رابطه و دوست داشتن (استفورد و کانری، ۱۹۹۱؛ دیتسون و همکاران، ۱۹۹۴)، رضایت‌مندی از رابطه جنسی اشاره کرد (جانسون، ۲۰۰۹، ص ۴۳).

زوج‌هایی که راهبردهای مثبت حفظ رابطه را به‌خوبی به‌کار نمی‌گیرند و در ارتباطی مخرب و ویرانگر درگیر هستند، طبیعتاً به احتمال زیاد ازدواج ناموفقی خواهند داشت (استنلی، ۲۰۰۳؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ گاتمن، ۱۳۷۷، ص ۱۵؛ فینچام و بیچ، ۱۹۹۹). بنابراین، در شرایط بروز مشکل وجود فضای ارتباطی مثبت، که در آن امکان بروز گفت و شنود مثبت داده شود، ضروری به نظر می‌رسد (باس، ۱۹۹۹، ص ۴۹). الگوهای مخرب ارتباطی از قبیل سرزنش، کناره‌گیری، تحقیر و توهین با مقدار بالای آمادگی برای طلاق و نرخ پایین عوامل مؤثر در کیفیت ازدواج (شادکامی، رضایت‌مندی، تعهد، صمیمیت، و اطمینان در ازدواج) ارتباط دارد (استنلی، ۲۰۰۵، ص ۱۱).

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا باور به مقدس بودن ازدواج در استفاده از راهبردهای حفظ رابطه و نیز ارتباط حل مسئله، نقش دارد؟ آیا باور به تقدس ازدواج، شادکامی در پی دارد؟ آیا راهبردهای حفظ رابطه و همچنین ارتباط معطوف به حل مسئله، می‌توانند نقش واسطه‌ای را در رابطه بین باور به تقدس ازدواج و شادکامی زناشویی ایفا کنند؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۳۵۸ نفر از افراد متأهل شهرستان

مربیان می‌باشد که با روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب شدند. برای کاهش هرچه بیشتر واریانس‌های خطا، سعی شد تا نمونه‌گیری، در گستره وسیعی از شهرستان انجام گیرد. نحوه انتخاب افراد به این صورت بود که ابتدا شهرستان مربیان به ۴ نقطه شهری مجزا تقسیم، سپس در هر نقطه شهری، تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ زوج) از مراکز اداری، بازار سطح شهر و منازل، به روش نمونه‌گیری در دسترس گزینش شدند. لازم به یادآوری است که پرسش‌نامه‌ها در اختیار یکی از زوجین قرار داده می‌شد و پس از پاسخ‌گویی در مدت زمان معین عودت داده می‌شدند. از میان پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، تعداد ۴۲ پرسش‌نامه به دلایلی موجه از جمله ناقص پرشدن و نداشتن اطلاعات دموگرافیک، از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند.

ابزار پژوهش؛ در این پژوهش، برای سنجش باور به مقدس بودن ازدواج از مقیاس تقدس ازدواج استفاده شد. از ابزارهای حفظ رابطه برای به دست آوردن ارتباط حل مسئله خانواده و راهبردهای حفظ رابطه شادکامی زناشویی استفاده شد.

مقیاس تقدس ازدواج: مقیاس تقدس ازدواج یک مقیاس ۱۴ متغیری است که توسط ماهونی و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شد. این مقیاس دارای گزاره‌هایی مثل «به نظرم ازدواج ما یک پیمان مقدس است» می‌باشد. پاسخ‌دهندگان برای هر گزاره گزینه‌های انتخابی از به شدت مخالف (۱) تا به شدت موافق (۷) پیش‌روی دارند. در بررسی که توسط ماهونی و همکاران (۱۹۹۹) بر روی ۹۷ زوج، که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، صورت گرفت آلفای کرونباخ /۸۸. به دست آمد. پایایی با روش آلفای کرونباخ برای این مقیاس در مطالعه دی‌مریس و همکاران (۲۰۱۰)، ۹۸ درصد برای هر دو همسر، و در مطالعه صیادی و همکاران (۱۳۹۰ ب) ۰/۹۶ محاسبه شد گزارش شد.

ابزار راهبردهای حفظ رابطه: این ابزار به منظور سنجش کمی راهبردهای حفظ رابطه اولین بار توسط استافورد و کانری (۱۹۹۱) ساخته شد و بعد کانری و استافورد (۱۹۹۲) آن را اصلاح کردند. نسخه اصلی RMSM از ۲۹ گویه تشکیل شده بود که فعالیت‌های محافظت‌کننده از رابطه را که افراد انجام می‌دادند، اندازه می‌گرفت. مثبت‌گرایی، باز و راحت بودن، اطمینان و دلگرمی دادن، و شبکه‌های اجتماعی، و تقسیم وظایف، پنج راهبرد حفظ رابطه‌ای بود که این ابزار اندازه می‌گرفت. در نسخه تصحیح‌شده این ابزار، که توسط استافورد و همکاران (۲۰۰۰) تهیه شد، دو راهبرد نصیحت کردن و مدیریت تعارض به ابزار اضافه گردید و جمع گویه‌ها به ۳۳ رسید.

روایی صوری، روایی پیش‌بین، و روایی سازه در مطالعات مختلف به تأیید محققان رسیده‌اند (کانری و همکاران، ۲۰۰۲). میانگین ضریب پایایی در ۱۲ مطالعه انجام‌شده برای خرده‌مقیاس‌های این ابزار و

مطالعه حاضر به ترتیب این چنین به دست آمده است: مثبت‌گرایی (۰/۸۴، ۰/۸۰)، باز و راحت بودن (۰/۸۶، ۰/۸۶)؛ اطمینان و دلگرمی دادن (۰/۸۱، ۰/۸۷)؛ شبکه‌های اجتماعی (۰/۸۳، ۰/۷۳)؛ تقسیم وظایف (۰/۸۱، ۰/۶۰)؛ نصیحت کردن (۰/۷۰، ۰/۷۴)؛ مدیریت تعارض (۰/۸۱، ۰/۷۱) (همان).

شاخص ارتباط حل مسئله خانواده: این ابزار که توسط مک کوپین و همکاران (۱۹۹۶) ساخته شد، از ۱۰ گزاره تشکیل شده که دو خرده‌مقیاس ارتباط تصدیقی و ارتباط آتش‌افروز را اندازه می‌گیرد. این دو خرده‌مقیاس، در واقع الگوهای مثبت و منفی ارتباطی را نشان می‌دهند. پاسخ‌دهندگان باید به مقیاسی چهار درجه‌ای (غلط (۳)؛ تقریباً غلط (۲)؛ تقریباً درست (۱)؛ درست (۰)) پاسخ دهند و نمره‌های بالاتر بیانگر الگوهای ارتباطی مثبت‌تر برای حل مسائل خانواده می‌باشد. مک کوپین و همکاران (۱۹۹۶)، انسجام درونی (آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای کل مقیاس) و پایایی بازآزمایی آن را (۰/۸۶) این ابزار را عالی توصیف کردند. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ ۰/۶۷ به دست آمد.

خرسندی زناشویی: این ابزار از هفت گزاره درباره ازدواج افراد تشکیل شده است که در یک طیف لیکرتی ۷ درجه‌ای مقیاس بندی شده است. این ابزار، از گزاره‌هایی مثل «اگر بار دیگر زندگی‌ام تکرار شود، باز با همین شخص ازدواج می‌کنم» تشکیل شده است. نمره بالاتر در این مقیاس، بیانگر این است که افراد خرسندی و شادکامی بیشتری را در ازدواجشان تجربه می‌کنند. در پژوهش لورنز پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ (لورنز، ۲۰۰۸، ص ۳۲) و در این پژوهش نیز ضریب برای آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه حاضر به شرح ذیل می‌باشد: میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۰ سال و کمینه و بیشینه آن ۱۵ و ۵۶؛ تعداد زن و مرد مساوی و هر کدام ۱۷۸ نفر، میانگین مدت ازدواج، ۷ سال و سطح تحصیلات برای ۱۵۴ نفر (۰/۴۳) زیر دیپلم، ۱۰۱ نفر (۰/۲۸) دیپلم، ۹۶ نفر (۰/۲۷) فوق دیپلم و لیسانس، و ۷ نفر (۰/۰۲) کارشناسی ارشد و دکترا بود.

جدول ۱: تحلیل واریانس یک طرفه راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط حل مسئله و شادکامی زناشویی

سطح معناداری	F	میانگین مجنورات	درجه آزادی	مجموع مجنورات	میانگین	انحراف استاندارد	دلگرمی دادن، اطمینان و باز و راحت بودن
۰/۰۰۱	۴۶/۲۲	۴۶۵۶/۵۲	۲	۳۳۱۳/۰۴	بین گروهی	۶/۵۵	۴۷/۳۳
		۳۵/۸۳	۳۵۴	۱۲۶۸۶/۰۴	درون گروهی		
			۳۵۶	۱۵۹۹۹/۰۸	کل		
۰/۰۰۱	۳۷/۸۱	۱۳۳۷	۲	۲۴۷۴/۰۱	بین گروهی	۴/۸۶	۳۸/۰۴
		۴۴/۴۶۹	۳۵۴	۱۵۷۴۱/۸۷	درون گروهی		
			۳۵۶	۱۸۲۱۵/۸۸	کل		

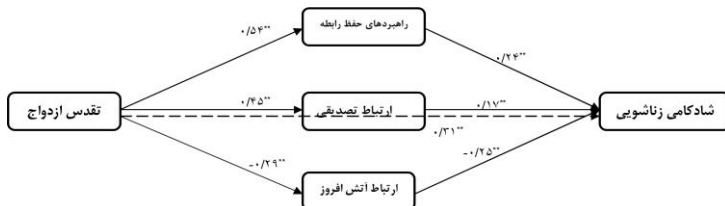
سطح معناداری	F	میانگین مجنورات	درجه آزادی	مجموع مجنورات		انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۳/۹۸	۹۸/۸۴	۲	۱۹۷/۷	بین گروهی	۲/۹۵	۱۲/۱۵	مثبت گرایی
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۳۹/۲۴	۶۴۳/۱۵	۲	۱۲۸۶/۳۱	بین گروهی	۴/۶۹	۳۷/۳۷	مدیریت تعارض
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۱۷/۸۴	۲۸۰/۶	۲	۵۶۱/۲	بین گروهی	۴/۲۱	۳۷/۰۹	تقسیم وظایف
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۳۷/۱۸	۶۴/۵۶	۲	۱۲۹/۱۳	بین گروهی	۱/۶۵	۱۲	نصیحت
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۹/۱۶	۱۲۶/۳۸	۲	۲۵۲/۷۶	بین گروهی	۳/۷۹	۲۱/۴۱	شبکه اجتماعی
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۲۵/۱۳	۱۳۰/۳۸	۲	۲۶۰/۷۶	بین گروهی	۲/۴	۱۱/۳۵	ارتباط تصدیقی
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۱۴/۹۳	۸۰/۸۸	۲	۱۶۱/۷۶	بین گروهی	۲/۴۱	۶/۲	ارتباط آتش افروز
					درون گروهی			
					کل			
۰/۰۰۱	۸۱/۱۳	۳۳۸۱	۲	۶۷۶۲/۰۰	بین گروهی	۷/۸۸	۳۷/۵۹	شادکامی زناشویی
					درون گروهی			
					کل			

جدول ۲: نتایج خلاصه شده آزمون تعقیبی شفه

شدت باور به تقدس ازدواج

۳ (مستحکم)		۲ (میان)		۱ (ضعیف)		
۲	۱	۳	۱	۳	۲	
۴/۰۵**	۹/۶۴**	-۴/۰۵**	۵/۵۸**	-۹/۶۴**	-۵/۵۸**	باز و راحت بودن
۱/۱۱**	۲/۷۲**	-۱/۱۱**	۱/۶**	-۲/۵۸**	-۱/۶**	مثبت گرایی
۲/۵۸**	۶/۸۸**	-۲/۵۸**	۴/۳**	-۶/۸۸**	-۴/۳**	مدیریت تعارض
۱/۶۵**	۴/۵۳**	-۱/۶۵**	۲/۸۸**	-۴/۵۳**	-۲/۸۸**	تقسیم وظایف
۱/۱۲**	۲/۲**	-۱/۱۲**	۱/۰۸**	-۲/۲**	-۱/۰۸**	نصیحت
۱/۸۲**	۳/۰۱**	-۱/۸۲**	۱/۱۹	-۳/۰۱**	-۱/۱۹	شبکه اجتماعی
۰/۸۸**	۳/۰۱**	-۰/۸۸**	۲/۱۲**	-۳/۰۱**	-۲/۱۲**	ارتباط تصدیقی
-۰/۸۴	-۲/۴۲**	-۰/۸۴	-۱/۵۸**	۲/۴۲**	۱/۵۸**	ارتباط آتش افروز
۶/۶۴**	۱۵/۹۳**	-۶/۶۴**	۹/۲۸**	-۱۵/۹۳**	-۹/۲۸**	شادکامی زناشویی

نتایج به دست آمده در جدول‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهند که همسرانی که باور مستحکمی به مقدس بودن ازدواجشان دارند، در همه خرده‌مقیاس‌های راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط حل مسئله (تأییدی) و نیز شادکامی زناشویی، به گونه‌ای معنادار ($p < 0/01$) نمرات بالاتر و در ارتباط آتش‌افروز نمرات پایین‌تری کسب کرده‌اند. در نمرات همه راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط تأییدی، و نیز شادکامی زناشویی در ازای شدت باور به تقدس ازدواج، سیری صعودی وجود دارد و برای ارتباط آتش‌افروز وضعیت بعکس است. این بدین معناست که باور به تقدس ازدواج، موجب افزایش استفاده از راهبردهای حفظ رابطه و نیز ارتباط تأییدی شده و از طرفی، مانع از ایجاد ارتباطی آتش‌افروز در فضای رابطه زناشویی می‌شود. حال با وجود رابطه مستحکم متغیرهای مستقل و وابسته، برای آزمون نقش واسطه‌ای متغیرهای ارتباطی مدلی فرضی (شکل ۱) ترسیم می‌شود که با باور به تقدس ازدواج آغاز و به شادکامی زناشویی ختم می‌شود. نتایج زیر که پس از تحلیل مسیر با نرم‌افزار AMOS انجام شد، نشان می‌دهد که باور به تقدس ازدواج از طریق راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط تأییدی و آتش‌افروز می‌تواند شادکامی زناشویی را افزایش دهد.



شکل ۱. مدل تعیین‌کننده‌های شادکامی زناشویی

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهند که باور به تقدس ازدواج، هم به شکل مستقیم ($p < 0/01$) و هم از طریق افزایش راهبردهای حفظ رابطه (Indirect Effect = $0/13$) و ارتباط تأییدی (Indirect Effect = $0/08$) و نیز با کاهش ارتباط آتش‌افروز (Indirect Effect = $0/07$)، خرسندی زناشویی را ارتقا می‌بخشد. همچنین مدل مذکور توانست $0/46$ واریانس خرسندی زناشویی را تبیین کند. این امر حاکی از توان بالای متغیرها، در پیش‌بینی متغیر وابسته است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین نقش باور به تقدس ازدواج در استفاده همسران از راهبردهای حفظ رابطه، ارتباط حل مسئله و شادکامی زناشویی انجام شد. از آنجاکه آموزه‌های دینی و فرهنگ ایرانی ما، ازدواج را همواره امری مقدس می‌داند، به نظر می‌رسد نتایج این پژوهش بتواند از جنبه‌های عملی این پدیده را بررسی نماید. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که باور به تقدس ازدواج، موجب استفاده بیشتر از راهبردهای حفظ رابطه می‌شود. این نتایج را می‌توان همسو با نتایج پژوهش‌های پین (۲۰۱۰)، کوپل و

همکاران (۲۰۰۹)، صییدی و همکاران (۱۳۹۰ ب) دانست؛ بدین معنا که این همسران با یکدیگر مهربان بوده و توجه و علاقه بیشتری به یکدیگر نشان می‌دهند، عواطف و هیجان‌اتشان را ابراز می‌نمایند و موجب دلگرمی طرف مقابل هستند (مثبت‌گرایی). این همسران، عقایدشان را آزادانه ابراز کرده و کیفیت رابطه‌شان همواره پایش کرده و در مورد آن به بحث می‌نشینند. همدلی جز همیشگی ارتباطاتشان می‌باشد (باز و راحت بودن). افرادی که به تقدس ازدواج خود باور دارند، همواره حامی و پشتیبان یکدیگر بوده و همواره علاقه‌ای بی‌قید و شرط به یکدیگر ابراز می‌دارند. آنها از شبکه اجتماعی قدرتمندی برخوردارند که در مواقع لزوم می‌توانند به آنها تکیه کنند (صییدی و همکاران، ۱۳۹۰ الف). این زوج‌ها وظایف و مسئولیت‌های زندگی مشترک را با همکاری هم انجام داده و زندگی مشترک را همچون یک تیم می‌بینند. نتایج این پژوهش، همسو با نتایج مطالعات لمبرت و دولهایت (۲۰۰۸)، پین (۲۰۱۰) است؛ ماهونی و همکاران (۲۰۰۳)، نشان دادند که باور مستحکم به تقدس ازدواج ارتباط تأییدی بالاتر و ارتباط آتش‌افروز پایین‌تری را در پی دارد. مشخصه خانواده‌های با کارکرد خوب، نبود مشکل نیست، اگرچه نبود مشکل قطعاً زندگی را آسان‌تر می‌سازد (بیورز و هامپسون، ۲۰۰۳، ص ۵۵۰). در چنین شرایطی، ارتباطی که در بستر آن بتوان به حل مسئله پرداخت، حیاتی به نظر می‌رسد (باس، ۱۹۹۹، ص ۵۰؛ والش، ۲۰۰۹). حجم وسیعی از مطالعات نشان دادند که شفافیت ارتباط برای کارکرد مؤثر خانواده ضروری است (والش، ۲۰۰۶، ص ۱۰۷؛ السون و برنز، ص ۲). ستیر مشاهده کرد که حتی صرف نظر از تفاوت‌ها فرهنگی، ارتباط در خانواده‌های سالم، مستقیم، شفاف، خالص، و صادقانه است (ستیر، ۱۹۸۸، ص ۴۴).

در تبیین این امر می‌توان گفت: آموزه‌های دینی که این تقدس‌بخشی را در افراد نهادینه می‌کنند، پیام‌ها و توصیه‌هایی در باب نحوه ارتباطات زناشویی دارد که رابطه را به محیطی امن برای تبادل آرا طرفین و حل مسائل پیش‌روی خانواده بدل می‌کند. اسلام همواره به همسران توصیه می‌کند که در محیط خانواده خوش خلق و مهربان باشند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «نیکوترین مردم از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنها و مهرورزترین‌شان با خانواده خود است» (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۷۱، ص ۳۸۷)؛ امام سجاد ﷺ نیز فرمود: «نزدیک‌ترین شما به خدا کسی است که نسبت به اهل منزلش خوش‌رفتارتر باشد و کسی در پیشگاه خدا بیشتر مورد رضایت است که نسبت به خانواده خود نیکوکارتر و با محبت‌تر باشد» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱). پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «نشستن مرد پیش زن و فرزندان، نزد خداوند محبوب‌تر است از اعتکاف در مسجد است» (ابی‌فراس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۲)، همچنین دین مبین اسلام به افراد توصیه کرده که به هم دلگرمی داده و ابراز عشق و محبت کنند. رسول خدا ﷺ فرمود: «این سخن مرد به زن که دوست دارم، هرگز از دل بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۶۹)؛ «مردی که به طرف دهان

همسرش لقمه‌ای بالا برد، پاداش برد» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷۰)، همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: «به زن خود خدمت نکند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد» (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲). از سوی دیگر، به شدت باید از کتک‌کاری و تنبیه فیزیکی دوری کنند؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «من در شگفتم از کسی که زنش را کتک می‌زند، درحالی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر از اوست» (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹).

پیام‌هایی اینچنین که از همان دوران کودکی برای افراد تکرار می‌شود، به تدریج تبدیل به الگویی شناختی در فرد شده که رفتارها و نگرش‌های او را در زندگی زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنان‌که تأثیر متقابل شناخت و رفتار در بسیاری از متون روان‌شناختی به تأیید رسیده‌اند.

با وجود اینکه، تحقیقات پیشین رابطه باورهای مذهبی و معنوی با برخی مؤلفه‌های ازدواج را مورد تأیید قرار داده‌اند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶؛ منجری و همکاران، ۱۳۹۱؛ گودوین و گینس، ۲۰۰۴؛ ویلیامز و لاولر، ۲۰۰۸؛ فینچام و همکاران، ۲۰۰۸)، اما تاکنون کمتر مطالعه‌ای سعی در کشف حلقه‌های واسطه بین روابط این متغیرها داشته است. مدلی که در مطالعه اخیر مورد تأیید قرار گرفت، توانست ۰/۴۲ از واریانس شادکامی زناشویی را تبیین کند. در این مدل، باور به مقدس بودن ازدواج علاوه بر داشتن رابطه مستقیم، توانست از طریق راهبردهای حفظ رابطه و نیز ارتباط حل مسئله شادکامی زناشویی را ارتقا بخشد. از نکته‌های قابل توجه این مدل، اثرگذاری قابل توجه ارتباط آتش‌افروز در تخریب شادکامی زناشویی است. همسو با این نتیجه، گاتمن (۱۳۷۷) نیز در مطالعات دقیق خود، متوجه شد که سرزنش، کناره‌گیری، تحقیر و توهین، که از ویژگی‌های ارتباط آتش‌افروز هستند، می‌تواند رابطه را با چالش جدی مواجه کند و شکست ازدواج را پیش‌بینی می‌نماید. اینکه راهبردهای حفظ رابطه می‌تواند بخش عمده‌ای از واریانس اثر غیرمستقیم را به خود اختصاص دهد، حاکی از اهمیت این راهبردها در انتقال اثر باور به تقدس ازدواج بر شادکامی زناشویی است. شادکامی زناشویی در خلأ رخ نمی‌دهد و نیازمند اتخاذ راهبردهایی است که در بستر رابطه زوجی به‌کار گرفته شوند تا دوام و کیفیت آن حفظ گردد.

بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش باید گفت: باور افراد به تقدس ازدواج، یک باور شناختی مفید بوده که می‌تواند رابطه زناشویی را به محیطی امن برای رشد و بالندگی تبدیل کند. درحالی‌که، این باور به خوبی در فرهنگ جامعه ایرانی ریشه دوانده، نباید به دست فراموشی سپرده شود. بنابراین، رسانه‌ها و متولیان امر ازدواج و خانواده باید هرچه بیشتر به تقویت این باور در بین افراد جامعه، بخصوص نوجوانان و جوانان بکوشند. مشاوران و روان‌درمانگران ازدواج و خانواده از یک‌سو باید به این بعد باوری در کار خود توجه نموده، و از سوی دیگر، آموزش مهارت‌های ارتباطی را با جدیت دنبال کنند.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی علیه السلام.
- بحرینی، زهرا، ۱۳۸۷، «فلسفه ازدواج در اسلام»، *دیدار آشنا*، ش ۱۰، ص ۲۱-۲۹.
- بک، آرون، ۱۳۸۲، *عشق هرگز کافی نیست*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ چهاردهم، تهران، بیکان.
- حر عاملی، محمدحسن، ۱۳۶۷، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- خدایاری فرد، محمد و همکاران، ۱۳۸۶، «رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، *خانواده پژوهی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰.
- ستیر، ویرجینیا، ۱۹۸۷، *آدم‌سازی*، ترجمه بهروز بیرشک، چ ششم، تهران، رشد.
- صیدی، محمدسجاد و همکاران، ۱۳۹۰ الف، «پیش‌بینی سرسختی خانواده توسط فراغت و انجام فعالیت‌های دینی در منزل با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال اول، ش ۲، ص ۲۲۶-۲۴۲.
- صیدی، محمدسجاد و همکاران، ۱۳۹۰ ب، «رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط خانواده»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۵، ص ۶۷-۸۴.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۷، *المحججه البیضاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گاتمن، جان، ۱۳۷۷، *چرا ازدواج موفق چرا ازدواج ناموفق*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، ابجد.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۵، *بحارالانوار*، قم، دار احیا التراث العربی.
- منجزی، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۱، «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زوج‌ها»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۷، ص ۳-۱۰.
- ابی فراس، ورام بن، ۱۳۸۵، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، قم، مکتبه الفقیه.
- Ballard-Reisch, D. S., & et al, 1999, *Communication processes in marital commitment: An integrative approach*. In J. M. Adams & W. H. Jones (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (p. 407–424). New York: Plenum.
- Beavers, W. R., & Hampson, R. B, 2003, *Measuring family competence: The Beavers Systems Model*. In F. Walsh (Ed.), *Normal family processes* (3rd ed.), New York: Guilford Press.
- Boss, P, 1999, *Ambiguous loss: Learning to live with unresolved grief*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Canary, D.J & et al, 2002, A panel study of the associations between maintenance strategies and relational characteristics, *Journal of Marriage and Family*, v. 64, p. 395-406.

- Coyle, J. P., & et al, 2009, An Exploratory Study of the Nature of Family Resilience in Families Affected by Parental Alcohol Abuse, *Journal of Family Issues*, v. 30, p. 1-18.
- Dainton, M. & et al, 1994, Maintenance strategies and physical affection as predictors of love, liking, and satisfaction in marriage, *Communication Reports*, v. 7, p. 88-98.
- DeMaris, A. & et al, 2010, Sanctification of Marriage and General Religiousness as Buffers of the Effects of Marital Inequity, *Journal of Family Issues*, v. 31, p. 1255-1278.
- Ellis, A. & Dryden, W, 1997, *The practice of rational emotive behavior therapy*. New York. Springer Publishing Company.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H, 1999, Conflict in marriage: Implications for working with couples, *Annual Review of Psychology*, v. 50, p. 47-77.
- Fincham, F. D, & et al, 2008, Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer, *Journal of Social and Clinical Psychology*, v. 27, p. 362-388.
- Goodman, M. A., & Dollahite, D. C, 2006, How Religious Couples Perceive the Influence of God in their Marriage, *Review of Religious Research*, v. 48 (2), p. 141- 155.
- Goodwin, R. & Gaines, S. O, 2004, Relationships beliefs and relationship quality across cultures: Country as a moderator of dysfunctional beliefs and relationship quality in three former Communist societies, *Personal Relationships*, v. 11, p. 267-279.
- Gottman, J.M, & Notarius, C.I, 2000, Decade review: Observing marital interaction, *Journal of Marriage & the Family*, v. 62 (4), p. 927-947.
- Johnson, S. L, 2009, Individual and interdependent analyses of relational maintenance, *sexual communication, and marital quality*, Doctoral dissertation, Arizona State University.
- Lambert, N. M, & Dollahite. D.C, 2008, He Threefold Cord : Marital Commitment in Religious Couples, *Journal of Family Issues*, v. 29, p. 592-614.
- Lazarus, A.A, 2001, *Marital Myths: a fresh look at two dozen mistaken beliefs*. California. Impactpublishers.
- Lorentz, D. C, 2008, Gender Role Attitudes as a Predictor of Relational Maintenance: A Relationship to Quality of Married Life. MA thesis submitted to the Department of Communication and Journalism and the Graduate School of The University of Wyoming.
- Mahoney, A. & et al, 2001, Religion in the home in the 1980s and 90s: A meta-analytic review and conceptual analyses of links between religion, marriage and parenting, *Journal of Family Psychology*, v. 15, p. 559-596.
- Mahoney, A. & et al, 2003, Religion and the Sanctification of Family Relationships, *Review of Religious Research*, v. 44, N 3, p. 220-236.

- Mahoney, A, & et al, 1999, Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, *Journal of Family Psychology*, v. 3, p. 321-338.
- McCubbin, H. I., & et al, 1996, Family Problem-Solving Communication (FPSC) in Family Assessment: Resiliency, Coping and Adaptation, Inventories for Research and Practice.
- Murray-Swank, N. A, & Pargament, K. I, 2005, God, where are you? Evaluating a spiritually integrated intervention for sexual abuse, *Mental Health, Religion, and Culture*, v. 8, p. 191-204.
- Olson, D. H, & Barns, H, 2004, *Family communication*. Minneapolis, Life innovations, Inc.
- Payne, P. B, 2010, Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreation of spiritual beliefs During The Early Years of Marriage, Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
- Ramirez, A, 2008, An examination of the tripartite approach to commitment: An Actor-Partner Interdependence Model Analysis of the effect of relational maintenance behavior, *Journal of Social and Personal Relationships*, v. 25, p. 943-965.
- Stafford, L, & Canary, D. J, 1991, Maintenance strategies and romantic relationship type, gender, and relational characteristics, *Journal of Social and Personal Relationships*, v. 8, p. 217-242.
- Stafford, L. & Canary, D. J, 2006, Equity and interdependences as predictors of relational maintenance strategies, *The Journal of Family Communication*, v. 6, p. 227-254.
- Stafford, L. & et al, 2000, Measuring routine and strategic relational maintenance: Scale revision, Sex versus gender roles, and prediction of relational characteristics, *Communication Monographs*, v. 67, p. 306-323.
- Stafford, L, 1994, Tracing the threads of spider webs. Communication and relational maintenance, p. 297-306.
- Stanley, S. M, 2003, *The power of commitment: A guide to active, lifelong love*. San Francisco: Jossey-Bass, Inc.
- Walsh, F, 2006, *Strengthening family resilience*, New York: Guilford Press.
- Walsh, F, 2009, *Spiritual Resource in Family therapy*, New York: Guilford Press.
- Williams, L. M. & Lawler, M. G, 2003, Marital Satisfaction and Religious Heterogamy : A Comparison of Interchurch and Same-Church Individuals, *Journal of Family Issues*, v. 24, p. 1070-1092.

بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی

amahmudzadeh@ymail.com

hosseinian@alzahra.ac.ir

sahmad@edu.ui.ir

اعظم محمودزاده / کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه خاتم تهران

سیمین حسینیان / استاد گروه مشاوره دانشگاه الزهرا

سیداحمد احمدی / استاد گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

مریم فاتحی‌زاده / دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی انجام شده است. روش این پژوهش، نیمه‌تجربی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. نمونه این پژوهش، ۲۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اصفهان در سال ۱۳۸۸ بوده که به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۰ زوج) و کنترل (۱۰ زوج) جایگزین شدند. نتایج نشان داد که زوج‌درمانی اسلامی، صمیمیت و ابعاد صمیمیت زناشویی (صمیمیت عاطفی، ارتباطی، فیزیکی، اجتماعی - تفریحی، مذهبی و روان‌شناختی) را افزایش داده است ($P < 0/01$). تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زنان و مردان یکسان بوده است. با توجه به اهمیت روابط صمیمانه در احساس رضایت‌مندی زناشویی از یک‌سو، و فرهنگ اسلامی کشور از سوی دیگر، آموزش آموزه‌های جامع، اصیل و مطمئن دین اسلام به همسران می‌تواند بسیار مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: آموزه‌های اسلامی، زوج‌درمانی اسلامی، صمیمیت زناشویی.

مقدمه

صمیمی نبودن همسران و احساس کمبود صمیمیت در روابط زناشویی، یکی از شاخص‌های آشفته‌گی در روابط زناشویی محسوب می‌شود (هالفورد، ۱۳۸۴، ص ۳۶). مفهوم «صمیمیت» و نزدیکی از نظر بیشتر درمانگران، اساس چالش در روابط زناشویی و از پیش‌بینی‌کننده‌های عمده موفقیت در درمان‌های زناشویی می‌باشد (کرو و ریدلی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). صمیمیت در ازدواج بارز است؛ زیرا تعهد همسران به پایداری رابطه را افزایش داده و به‌طور مثبتی با سازگاری و رضایت زناشویی همراه است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵ الف). از نظر هالفورد، صمیمیت به تعامل بین همسران، که به احساس نزدیکی، عشق و توجه در میان آنها می‌انجامد، اشاره می‌کند. صمیمیت برای هریک از همسران می‌تواند مفهوم ویژه‌ای داشته باشد. برای برخی افراد، صمیمیت به معنای داشتن احساسات صمیمی خودافشاکننده نسبت به طرف مقابل می‌باشد. برخی صمیمیت را داشتن تجربه‌های مثبت مشترک و برخی صمیمیت را داشتن رابطه جنسی می‌دانند (هالفورد، ۱۳۸۴، ص ۳۷). نکته مشترک در بیشتر روابط زناشویی آشفته این است که همسران نیازهای صمیمیت یکدیگر را برآورده نمی‌کنند (کرو و ریدلی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

به نظرات فیلد (۱۹۸۸)، صمیمیت فرایندی است که در آن افراد تلاش می‌کنند به یکدیگر نزدیک شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان را در احساسات، افکار و رفتارها را کشف کنند. استرنبرگ (۱۹۸۷)، صمیمیت را احساساتی می‌داند که موجب تعلق، نزدیکی و تماس می‌شود. اسچافر و اولسون (۱۹۸۷) صمیمیت را فرایند و تجربه‌ای می‌دانند که نتیجه افشای مسائل صمیمانه و در میان گذاشتن تجارب صمیمانه است. از نظر باگاوزی (۲۰۰۱)، صمیمیت یک نزدیکی، تشابه و روابط شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت، پذیرش، درک عمیق و همدلی با فرد دیگر است. بینر و مورزن (۱۹۸۸) معتقدند که تشابه یک مسئله مهم در حفظ روابط صمیمانه است. اسچنایدر (۱۹۸۹) معتقد است که تشابه همسران به ایشان کمک می‌کند، تا حس کنند به‌وسیله همسرشان درک می‌شوند. وین صمیمیت را به‌عنوان یک تجربه و ارتباط ذهنی تعریف می‌کند که پدیده اصلی آن خودافشایی، پاسخ امن و همدلی است (اعتمادی، ۱۳۸۷). از نظر باگاوزی (۲۰۰۱)، صمیمیت یک فرایند تعاملی چندبعدی و شامل مؤلفه‌هایی است که با یکدیگر ارتباط دارند. برای صمیمیت ۹ بعد در نظر گرفته می‌شود. ۱. صمیمیت هیجانی؛ ۲- صمیمیت روان‌شناختی؛ ۳. صمیمیت فکری؛ ۴. صمیمیت جنسی؛ ۵. صمیمیت جسمانی؛ ۶. صمیمیت معنوی؛ ۷. صمیمیت زیبایی‌شناختی؛ ۸. صمیمیت اجتماعی - تقریحی؛ ۹. صمیمیت در گذراندن وقت (رضازاده و پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۵).

در زمینه افزایش صمیمیت زناشویی، پژوهش‌های اندکی در ایران انجام شده است. اعتمادی و همکاران به بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگو‌تراپی (Imago therapy) بر افزایش صمیمت همسران پرداختند. نتایج نشان داد که کاربرد فنون روانی-آموزشی مبتنی بر نظریه ایماگو‌تراپی، میزان صمیمیت و صمیمیت هیجانی، عقلانی، جنسی و جسمی را افزایش داده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵ الف). اعتمادی و همکاران در پژوهشی دیگر، اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت همسران را مورد بررسی قرار دادند. گروه آزمایشی در ده جلسه زوج‌درمانی با رویکرد شناختی-رفتاری، شامل کسب مهارت‌های شناختی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های رفتاری و مهارت‌های حل تعارض شرکت کردند. نتایج نشان داد که کاربرد تکنیک‌های مبتنی بر نظریه شناختی-رفتاری، میزان صمیمیت و صمیمیت عاطفی و جنسی همسران را افزایش داده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵ ب). اعتمادی و همکاران، در مقاله‌ای مروری، هفت رویکرد مربوط به صمیمیت شامل مدل چندبعدی وارینگ، مدل رشدی فارمن، مدل دلبستگی جانسون و ویفن، مدل تعاملی با گاروزی، مدل ترکیبی جاسسن، مدل تکاملی شارپ و مدل برابری والس‌تر را بررسی کرده، سپس یک مدل تلفیقی برای مفهوم‌سازی و افزایش صمیمیت زناشویی معرفی کردند (اعتمادی، ۱۳۸۷).

آنچه مسلم است در فهم مشکلات خانوادگی و ارزیابی و حل آنها، توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی، که فرایند درمانی در آن صورت می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن می‌تواند درمانگران را از نیل به اهداف نهایی خود بازدارد (سالاری‌فر، ۱۳۷۹، ص ۳). از آنجاکه فرهنگ اسلامی و رهنمودهای اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی آن سال‌هاست که در خانواده‌های ایرانی ریشه‌دار است، توجه به آموزه‌های این دین آسمانی در درمان ناسازگاری‌های زناشویی و تهیه برنامه‌های آموزشی در این زمینه، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. چنانچه براساس پژوهش لطف‌آبادی نیز ۹۰/۳ درصد از مردم تهران دارای هویت دینی بسیار نیرومند هستند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

در زمینه بررسی تأثیر آموزش‌های اسلامی در روابط همسران نیز پژوهش‌هایی در ایران انجام شده است. دانش طی ده جلسه دو ساعته تأثیر خودشناسی اسلامی را در افزایش میزان سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش خودشناسی اسلامی، به‌طور معناداری سبب افزایش سازگاری زناشویی شده است (دانش، ۱۳۸۵). سالاری‌فر در پژوهشی به مقایسه نظریه خانواده‌درمانی مینوچین و دیدگاه اسلام در مورد خانواده پرداخت. این پژوهش، با روش توصیفی-تاریخی براساس بررسی محتوا انجام شده و داده‌های آن با روش پژوهش تاریخی جمع‌آوری شده است.

براساس نتیجه این پژوهش، دیدگاه اسلام بیشتر بر باورهای دینی و اصول اخلاقی تأکید دارد و نقش این دو را در کارایی و تعالی خانواده بسیار مؤثر می‌داند (سالاری فر، ۱۳۷۹، ص ۳).

احمدی و همکاران، در پژوهشی به بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی پرداخته‌اند. بنابر نتایج این پژوهش، میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی با تقیدات مذهبی بیشتر، به‌طور معناداری بیش از کسانی است که دارای تقیدات مذهبی کمتری هستند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵). **فقیهی** در یک آموزش شش جلسه‌ای، به بررسی تأثیر آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران پرداخته است. این آموزش‌ها، در چهار محور انگیزه‌های تشکیل زندگی مشترک، مهارت‌های شناختی و نگرشی، مهارت‌های اخلاقی و ارتباطی و مسائل جنسی ارائه شده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که این آموزش‌ها بر کاهش تنش بین همسران مؤثر بوده است (فقیهی، ۱۳۸۶). **خداياری فرد و همکاران**، رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی را بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش مذهبی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد (خداياری فرد و همکاران، ۱۳۸۶). **سیف و نیکویی**، به بررسی رابطه بین جهت‌گیری دینی و عمل به باورهای دینی و رضایت‌مندی زناشویی پرداخته‌اند. بنا بر نتایج این پژوهش، همبستگی معناداری بین جهت‌گیری دینی درونی و عمل به باورهای دینی با رضایت‌مندی زناشویی وجود دارد. ولی بین جهت‌گیری دینی برونی و رضایت‌مندی زناشویی همبستگی معناداری وجود ندارد. متغیر جنسیت نیز بر جهت‌گیری دینی و عمل به باورهای دینی تأثیر معناداری نداشته است (سیف و نیکویی، ۱۳۸۴).

بررسی اجمالی پژوهش‌های پیشین انجام‌شده در زمینه صمیمیت زناشویی نشان می‌دهد که با توجه به فرهنگ بومی کشور ما، استفاده از آموزه‌های جامع، اصیل و مطمئن دین اسلام، هنوز به‌طور جدی و بخصوص به‌صورت طرح‌های آزمایشی هنوز مورد توجه خانواده درمانگران و پژوهشگران قرار نگرفته است. از این رو، آموزش آموزه‌های شناختی-رفتاری، با دیدگاه اسلامی امری مطلوب به نظر می‌رسد. این پژوهش، با ارائه این آموزه‌ها و آموزش آنها به همسران، تأثیر آنها را بر صمیمیت آنان مورد بررسی قرار می‌دهد. دو فرضیه این پژوهش عبارتند از: ۱. زوج‌درمانی اسلامی صمیمیت زناشویی را افزایش می‌دهد. ۲. میزان تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی زنان و مردان یکسان است.

روش پژوهش

این پژوهش نیمه‌تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون، با گروه آزمایش و کنترل است. جامعه آماری این

پژوهش، کلیه همسرانی بوده‌اند که به دلیل مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸ مراجعه کرده‌اند. برای نمونه‌گیری، ابتدا اطلاعیه‌های مربوط به تشکیل جلسات آموزشی مرتبط با این پژوهش در مراکز مشاوره شهر اصفهان و سایر مراکز مرتبط نصب شده و از داوطلبان ثبت‌نام به عمل آمد. سپس بیست زوج (۴۰ زن و شوهر) داوطلب به شرکت در این کارگاه آموزشی، به‌طور تصادفی، به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شده و ده زوج در گروه آزمایش و ده زوج در گروه کنترل جای گرفتند. در نهایت، جلسات آموزشی برگزار شد. داشتن حداقل تحصیلات ابتدایی و حضور هر دو همسر در جلسه‌های کارگاه الزامی بود. عدم اعتیاد و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، جزء شرایط خروج از نمونه پژوهش در نظر گرفته شد. پس از انتخاب نمونه و گمارش تصادفی آزمودنی‌ها در دو گروه آزمایش و کنترل، پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی به‌عنوان پیش‌آزمون در این دو گروه اجرا شده، سپس برای زوجین گروه آزمایش جلسات آموزش‌های اسلامی اجرا شد. پس از اتمام این جلسات، پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی به‌طور مجدد در دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد. تعداد جلسات آموزشی نه جلسه بوده است. این جلسات هر هفته یک بار و هر بار به مدت دو ساعت تشکیل شده است. در طی این مدت، گروه کنترل هیچ آموزش و درمانی دریافت نکرد.

ابزار پژوهش: ابزار پژوهش، پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی اولیا بوده است (اولیا، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). این پرسش‌نامه، ۸۷ سؤال دارد. سؤالات این پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی را در نه بعد صمیمیت هیجانی (۱۱ گزاره)، صمیمیت عقلانی (۸ گزاره)، صمیمیت فیزیکی (۶ گزاره)، صمیمیت اجتماعی - تفریحی (۸ گزاره) و صمیمیت ارتباطی (۱۱ گزاره)، صمیمیت مذهبی (۹ گزاره)، صمیمیت روان‌شناختی (۱۱ گزاره)، صمیمیت جنسی (۸ گزاره) و صمیمیت کلی (۱۵ گزاره) مورد بررسی قرار می‌دهد. نمره هر فرد، از طریق جمع نمره گزاره‌ها به‌دست آمده است. گزینه سؤال‌ها به‌صورت «همیشه»، «گاهی اوقات»، «به ندرت» و «هرگز» می‌باشد. نمره بالاتر به معنای صمیمیت بیشتر است. در مطالعه مقدماتی، که بر روی سی نفر از والدین دانش‌آموزان یکی از دبستان‌های دخترانه اصفهان انجام شده است، به‌منظور بررسی روایی، همزمان پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی از مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳) استفاده شده است. نتایج نشان داده است که همبستگی بین نمرات این آزمون و مقیاس واکر و تامپسون ۰/۹۱ است. برای تعیین پایایی آزمون نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آن ۰/۹۸ می‌باشد. ضمناً ساختار جلسات آموزشی به شرح زیر بوده است:

۱. آشنایی گروه با یکدیگر و بیان اهداف و قواعد گروه؛

۲. شناخت اهمیت و اهداف ازدواج از دیدگاه اسلام و حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد؛

۳. احترام متقابل در روابط همسران از دیدگاه اسلام و نمودهای آن؛
۴. عفو و گذشت در روابط همسران از دیدگاه اسلام و نمودهای آن؛
۵. مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در روابط همسران از دیدگاه اسلام و نمودهای آن؛
۶. پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی در روابط همسران از دیدگاه اسلام و نمودهای آن؛
۷. خودبرتربینی در روابط همسران از دیدگاه اسلام و نمودهای آن؛
۸. بهبود عملکرد جنسی همسران با آموزه‌های اسلامی؛
۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمرات صمیمیت زناشویی همسران در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات صمیمیت زناشویی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		آزمون		گروه
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شخص‌اماری	جنسیت	
۳۶/۶۹	۲۸۳/۶۰	۴۶/۶۴	۲۵۴/۹۰	زن	آزمایش	آزمایش
۳۶/۲۰	۳۹۴/۲۰	۲۵/۸۳	۲۶۰/۸۰	مرد		
۲۴/۲۰	۳۴۲/۶۰	۳۴/۱۲	۳۴۴/۵۰	زن	کنترل	کنترل
۳۷/۰۳	۲۵۷/۷۰	۲۶/۰۹	۲۵۸/۰۰	مرد		
۳۲/۴۶	۲۸۸/۹۰	۳۶/۸۲	۲۵۷/۸۵	آزمایش	کل	کل
۳۲/۲۰	۲۵۰/۱۵	۳۰/۳۶	۲۵۱/۲۵۰	کنترل		

برای تعیین معناداری تفاوت بین دو گروه و بررسی فرضیه اول پژوهش، از تحلیل کوواریانس استفاده شده است. پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها برای این تحلیل با استفاده از آزمون لوین تأیید شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر میزان صمیمیت همسران دو گروه

متغیرها	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری (P)	میزان تأثیر	توان آماری
پیش‌آزمون	۱	۳۸۱۷۹/۶۵	۳۳۲/۹۶	/۰۰۱	/۹۰۵	۱
عضویت گروهی	۱	۷۴۴۵/۷۷۴	۶۹/۹۳	/۰۰۱	/۶۵۰	۱
جنسیت	۱	۹۶/۶۴	/۸۴۳	/۳۶۵	/۰۲۴	/۱۴۵
تعامل عضویت گروهی و	۱	۲۳/۸۵	/۲۰۸	/۶۵۱	/۰۰۶	/۰۷۳

چنانچه جدول ۲ نشان می‌دهد، بین میانگین باقی‌مانده نمرات صمیمیت همسران آزمودنی‌ها بر حسب عضویت گروهی (دو گروه آزمایشی و کنترل) تفاوت معنادار است ($P < 0/01$). از این رو، فرضیه اول تأیید می‌شود. میزان این تأثیر ۶۵ درصد بوده است. بنابراین، زوج‌درمانی اسلامی بر میزان نمرات صمیمیت زناشویی آزمودنی‌ها در پس‌آزمون گروه آزمایشی تأثیر داشته، آن را افزایش داده است. توان برابر با یک، حاکی از دقت آماری بسیار بالای این آزمون و کفایت حجم نمونه است. همچنین تعامل عضویت گروهی و جنسیت معنادار نبوده، بنابراین تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زنان و مردان یکسان بوده است. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمرات ابعاد صمیمیت همسران در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد صمیمیت زناشویی

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		آزمون	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شخص آماری	گروه
۶/۵۴	۳۷/۴۰	۴/۱۶	۳۲/۶۰	آزمایش	ابعاد صمیمیت زناشویی
۵/۵۰	۲۹/۴۰	۵/۷۸	۳۰/۶۰	کنترل	
۴/۲۵	۲۴/۷۵	۶/۲۱	۳۲/۲۵	آزمایش	عقلانی
۴/۵۴	۲۴/۵۰	۳/۴۸	۲۳/۴۵	کنترل	
۳/۸۰	۲۲/۸۰	۲/۹۶	۲۰/۶۰	آزمایش	فیزیکی
۴/۸۶	۲۰/۲۵	۴/۱۰	۱۹/۸۶	کنترل	
۴/۰۸	۲۷/۹۵	۳/۶۳	۲۳/۹۵	آزمایش	اجتماعی
۵/۳۰	۲۴/۶۵	۴/۵۶	۲۳/۵۰	کنترل	
۵/۵۴	۳۳/۴۰	۴/۲۸	۳۰/۳۵	آزمایش	ارتباطی
۵/۷۹	۲۸/۷۰	۵/۴۲	۲۹/۱۰	کنترل	
۵/۶۱	۲۸/۱۵	۵/۱۷	۲۵/۴۵	آزمایش	منه‌بی
۵/۴۱	۲۴/۴۵	۵/۱۰	۲۴/۱۵	کنترل	
۶/۴۳	۲۵/۸۰	۵/۳۳	۳۱/۱۰	آزمایش	روانشناختی
۶/۳۰	۲۹/۶۰	۴/۸۵	۲۹/۷۵	کنترل	
۶/۳۴	۲۶/۷۵	۵/۹۱	۲۵/۱۰	آزمایش	جنسی
۶/۲۶	۲۴/۸۰	۴/۳۰	۲۴/۵۵	کنترل	
۶/۷۵	۵۱/۹۰	۱۰/۷۰	۴۵/۴۵	آزمایش	کلی
۷/۴۵	۴۳/۸۰	۷/۲۹	۴۶/۳۰	کنترل	

به‌منظور بررسی میزان تأثیر آموزش‌های اسلامی بر ابعاد صمیمیت زوجین، از تحلیل کوواریانس استفاده شد. بررسی پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه با استفاده از آزمون لوین تأیید شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر میزان نمرات ابعاد صمیمیت دو گروه

ابعاد صمیمیت زناشویی	متغیرها	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری (P)	میزان تأثیر	توان آماری
عاطفی	پیش‌آزمون	۱	۸۰/۸۲	۵۰/۱۵	/۰۰۱	/۵۷۵	۱
	عضویت گروهی	۱	۳۸/۶۴	۳۳/۸۳	/۰۰۱	/۳۹۲	/۹۹۷
عقلانی	پیش‌آزمون	۱	۴۲۸/۲۴	۵۱/۳۶	/۰۰۱	/۵۸۱	۱
	عضویت گروهی	۱	۱/۴۶	۱۱۷۶	/۶۷۷	/۰۰۵	/۰۶۹
فیزیکی	پیش‌آزمون	۱	۴۶۷/۱۶	۶۷/۰۵	/۰۰۱	/۶۴۴	۱
	عضویت گروهی	۱	۳۳/۵۹	۴/۶۷	/۰۳۷	/۱۱۲	/۵۵۸
اجتماعی - تفریحی	پیش‌آزمون	۱	۵۹۲/۱۲	۸۴/۴۶	/۰۰۱	/۶۹۵	۱
	عضویت گروهی	۱	۸۲/۰۶	۱۱/۷۰	/۰۰۲	/۲۴۰	/۹۱۵
ارتباطی	پیش‌آزمون	۱	۸۶۳/۸۱۰	۸۸/۹۸	/۰۰۱	/۷۰۶	۱
	عضویت گروهی	۱	۱۱۹/۱۲	۱۲/۲۷	/۰۰۱	/۲۴۹	/۹۲۷
مذهبی	پیش‌آزمون	۱	۷۴۷/۸۵	۶۸/۸۸	/۰۰۱	/۶۴۷	۱
	عضویت گروهی	۱	۶۵/۳۴	۵/۹۳	/۰۲۰	/۱۳۸	/۶۶۰
روان‌شناختی	پیش‌آزمون	۱	۱۱۱۰/۸۷	۹۵/۳۳	/۰۰۱	/۷۲۰	۱
	عضویت گروهی	۱	۲۳۳/۲۳	۱۹/۱۵	/۰۰۱	/۳۴۱	/۹۸۹
جنسی	پیش‌آزمون	۱	۱۲۳۳/۱۵	۱۶۴/۲۴	/۰۰۱	/۸۱۶	۱
	عضویت گروهی	۱	۲۰/۶۱	۲/۷۴	/۱۰۶	/۰۶۹	/۳۶۵
کلی	پیش‌آزمون	۱	۶۸۲/۷۸	۲۰/۴۰	/۰۰۱	۳۵۵	/۹۹۳
	عضویت گروهی	۱	۴۴۹/۶۱	۱۳/۴۳	/۰۰۱	/۲۶۶	/۹۹۳

چنانچه جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین باقی‌مانده نمرات ابعاد صمیمیت عاطفی، فیزیکی، اجتماعی - تفریحی، ارتباطی، مذهبی، روان‌شناختی، و کلی آزمودنی‌ها بر حسب عضویت گروهی (دو گروه آزمایشی و کنترل) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود ($P < ۰/۰۱$). میزان این تأثیر، در بعد صمیمیت عاطفی ۳۹ درصد، صمیمیت فیزیکی ۱۱ درصد، صمیمیت اجتماعی - تفریحی ۲۴ درصد، صمیمیت ارتباطی ۲۵ درصد، صمیمیت مذهبی ۱۴ درصد، صمیمیت روان‌شناختی ۳۴ درصد و صمیمیت کلی ۲۷ درصد بوده است. بنابراین، آموزه‌های اسلامی بر میزان نمرات عاطفی، فیزیکی، اجتماعی، ارتباطی، مذهبی، روان‌شناختی، و کلی ابعاد صمیمیت زناشویی آزمودنی‌ها در پس‌آزمون گروه آزمایشی تأثیر داشته و آن را افزایش داده است. همچنین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که تأثیر آموزش آموزه‌های اسلامی، بر صمیمیت جنسی و صمیمیت عقلانی همسران معنادار نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش اسلامی میزان صمیمیت زناشویی را افزایش داده است.

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه صمیمیت زناشویی در ایران اندک است. از این تعداد اندک نیز هیچ‌یک در زمینه بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی نبوده است. آنچه در زمینه چرایی تأثیر آموزه‌های اسلامی بر صمیمیت زناشویی می‌توان گفت شامل موارد زیر است:

۱. از آنجاکه بنابر پژوهش‌های هالفورد پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی، خودخواهی، تلافی‌جویی و بدبینی بزرگ‌ترین مانع ارتباط همسران و کناره‌گیری عاطفی آنها از یکدیگر است (هالفورد، ۱۳۸۴، ص ۳۶)، آموزش‌های اسلامی این پژوهش با کار بر روی این نموده‌ها، آنها را از میان برداشته و فاصله روانی-عاطفی آنها را کاهش داده است. چنانچه نتایج پژوهش جاکویسون (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که زن و شوهرهای ناموفق نسبت به زن و شوهرهای موفق رفتارهای لذت‌بخش و خوشایند کمتر و رفتارهای ناخوشایند و منفی بیشتری را تجربه می‌کنند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵ الف، ص ۷۱).

۲. آموزش‌های اسلامی این پژوهش با کار بر روی گام‌های یک‌گفت‌وگویی محترمانه و گوش‌دادن فعال به‌عنوان نموده‌های رفتاری احترام متقابل همسران (اعتمادی، ۱۳۸۷)، توانسته است آنها را در برقراری روابط صحیح با یکدیگر توانمند سازد.

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های شناختی-رفتاری اسلامی موجب افزایش صمیمیت عاطفی، فیزیکی، ارتباطی، اجتماعی-تفریحی، مذهبی و روان‌شناختی همسران شده است. ولی بر دو بعد صمیمیت عقلانی و صمیمیت جنسی تأثیر نداشته است. دلایل احتمالی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر افزایش صمیمیت ارتباطی، عاطفی، فیزیکی، اجتماعی-تفریحی، مذهبی و روان‌شناختی را می‌توان چنین خلاصه کرد:

مشکلات مربوط به صمیمیت همسران، در وهله اول نتیجه شکست آنها در برقراری روابط صحیح است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵ ب). خودبرتری‌بینی و خودمحوری در تعامل با همسر و نموده‌های رفتاری آن، مانند انتقادناپذیری، نپذیرفتن تفاوت‌های فردی، گوش‌ندادن به صحبت‌های همسر، عدم همدلی با احساسات و نیازهای او و رفتارهای منفی با همسر مانند پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی و تلافی‌جویی بزرگ‌ترین مانع برقراری ارتباط مؤثر میان همسران است. آموزه‌های اسلامی این پژوهش و تکنیک‌های شناختی-رفتاری ارائه‌شده در آن، خودبرتری‌بینی و خودمحوری، پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی و تلافی‌جویی در روابط همسران را کاهش می‌دهد و بدین‌وسیله، صمیمیت ارتباطی آنها را بیشتر می‌کند.

با افزایش صمیمیت ارتباطی همسران، صمیمیت احساسی آنها نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا صمیمیت احساسی شامل در میان گذاشتن تمام احساسات مثبت و منفی با همسر است و برای شکل‌گیری آن لازم

است تا بازداری‌ها و محدودیت‌های اندکی برای ابراز احساسات وجود داشته باشد (رضازاده و پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵). با کاهش رفتارهای منفی همسران در مقابل یکدیگر، آنها فضایی امن را برای یکدیگر ایجاد می‌کنند که در آن می‌توانند در بروز احساسات خود آزادتر باشند. صمیمیت فیزیکی، شامل تماس بدنی با همسر است که ماهیت غیرجنسی دارد (همان، ص ۱۶). با کمتر شدن فاصله روانی-عاطفی زوجین، که در اثر افزایش صمیمیت ارتباطی و احساسی به وجود آمده است، فاصله فیزیکی آنها نیز از یکدیگر کمتر شده و نزدیکی و تماس بدنی با همسر آسان‌تر می‌شود.

صمیمیت روان‌شناختی عبارت از توانایی همسران، در افشای قابل ملاحظه و عمیق موضوعات شخصی با اهمیت درباره خود واقعی و درونی خویش است. این صمیمیت شامل نیاز برای مشارکت و ابراز آرزوها، خیال‌پردازی‌ها، اشتیاق‌ها، نقشه‌های فرد برای آینده، ترس‌ها و تردیدها است. همسران باید برای در میان گذاشتن خصوصی‌ترین بخش وجود، خود بدون ترس از مسخره شدن، خجالت‌زده شدن، قضاوت شدن و کوچک شدن احساس ایمنی کنند (همان). آموزه‌های اسلامی این پژوهش و تکنیک‌های شناختی و رفتاری ارائه شده در آن، با از بین بردن پرخاشگری‌های کلامی (فحش، سرزنش، طعنه، مسخره کردن) و فیزیکی و خودبرتربینی این احساس ایمنی را برای همسران مهیا می‌کند و صمیمیت روان‌شناختی آنها را افزایش می‌دهد.

صمیمیت اجتماعی و تفریحی نیز عبارتند از: نیاز به پرداختن به فعالیت‌ها و تجارب تفریحی و لذت‌بخش با همسر است (همان، ص ۱۷). ارائه آموزه‌های اسلامی در زمینه اهمیت گذران وقت با خانواده از دیدگاه اسلامی و شرکت زوج‌ها به اتفاق یکدیگر در نه جلسه آموزشی و انجام تکلیف‌ها و تمرین‌های مرتبط با آن، می‌تواند سبب افزایش صمیمیت اجتماعی و تفریحی همسران شده باشد. از سوی دیگر، زمانی که همسران در دیگر جنبه‌های صمیمیت مانند صمیمیت ارتباطی، فیزیکی و احساسی پیشرفت کنند، مایل به گذراندن وقت بیشتری با یکدیگر هستند.

در مورد تأثیر آموزه‌های اسلامی بر صمیمیت معنوی نیز می‌توان چنین گفت: شرکت همزمان همسران در جلسات آموزشی مرتبط با این پژوهش، که با رویکرد اسلامی برگزار شده است، خود می‌تواند بهترین دلیل افزایش صمیمیت معنوی همسران باشد.

عدم تأثیر آموزش‌های اسلامی این پژوهش بر صمیمیت عقلانی و جنسی را نیز می‌توان چنین تحلیل کرد که صمیمیت عقلانی (فکری) عبارتند از: نیاز به ارتباط و در میان گذاشتن ایده‌های مهم، افکار و باورها با همسر است. این زمانی اتفاق می‌افتد که همسران به دیدگاه‌های یکدیگر احترام بگذارند و

دیدگاه‌های مخالف و متفاوت یکدیگر را بپذیرند (همان). این امر به زمان بیشتر و تغییرات عمیق‌تری احتیاج دارد. به نظر می‌رسد، افزایش صمیمیت جنسی همسران نیز به زمان بیشتری احتیاج داشته باشد.

این پژوهش در شهر اصفهان و با نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است و در تعمیم نتایج آن براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به تأثیر آموزش آموزه‌های شناختی-رفتاری اسلامی بر افزایش صمیمیت زناشویی، می‌توان در مراکز آموزشی، مراکز مشاوره و دیگر مراکز مرتبط از آن استفاده کرد.

۲. به دلیل گستردگی و غنای آموزه‌های اسلامی در تمام زمینه‌های زندگی زناشویی، می‌توان برنامه آموزشی زوج‌درمانی اسلامی را به‌عنوان یکی از برنامه‌های آمادگی پیش از ازدواج زوجین پیشنهاد کرد.

۳. از آنجاکه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بهبود کیفیت روابط زناشویی، با رویکرد اسلامی بسیار اندک است، پیشنهاد می‌شود که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری با رویکرد اسلامی انجام شود.

۴. پیشنهاد می‌شود میزان تأثیر آموزشی زوج‌درمانی اسلامی با سایر رویکردهای زوج‌درمانی مقایسه گردد.

۵. به دلیل گستردگی آموزه‌های اسلامی در زمینه مسائل خانوادگی، لازم است آموزه‌های اسلامی از زوایای مختلف، موضوع پژوهش‌های دیگری در این زمینه قرار گیرد.

منابع

- احمدی، خدابخش و دیگران، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه بین تعقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *خانواده پژوهی*، سال دوم، ش ۵، ص ۵۵-۶۷.
- اعتمادی، عذرا، ۱۳۸۷، «افزایش صمیمیت زناشویی»، *تازه‌های روان‌درمانی*، دوره دوم، ش ۴۹، ص ۲۱-۵۰.
- اعتمادی، عذرا، و دیگران، ۱۳۸۵ الف، «بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۱۹، ص ۹-۲۵.
- _____ ۱۳۸۵ ب، «بررسی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان»، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره دوم، ش ۱ و ۲، ص ۶۹-۸۷.
- اولیا، نرگس، ۱۳۸۵، *بررسی تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایت‌مندی زوجین شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- خدایاری‌فرد، محمد و دیگران، ۱۳۸۶، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۲-۶۲۰.
- دانش، عصمت، ۱۳۸۵، «تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش میزان سازگاری زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۱۱، ص ۸-۳۰.
- رضازاده، محمد و سعید پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۶، *بهبودبخشی صمیمیت در ازدواج*، تهران، دانشگاه الزهراء ع.ت.
- سالاری‌فر، محمدرضا، ۱۳۷۹، *مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، سوسن و مریم نیکویی، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه دینداری با رضایت‌مندی زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۱۳، ص ۶۱-۷۹.
- فقیهی، علی‌نقی، ۱۳۸۶، «آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۴، ص ۸۹-۱۳۰.
- کرو، مایکل و جین ریدلی، ۱۳۸۴، *زوج‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی- رفتاری*، ترجمه اشرف‌السادات موسوی، تهران، مهر کاویان.
- سعیدی، لیلا و دیگران، ۱۳۸۵، «بررسی اثربخشی زوج‌درمانی کوتاه‌مدت راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات زوجین شهرستان خمینی شهر اصفهان»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۰، ص ۳۹-۵۲.
- حسینی، سیدداود، ۱۳۸۷، *روابط سالم در خانواده*، قم، بوستان کتاب.
- هالفور، کیم، ۱۳۸۴، *زوج‌درمانی کوتاه‌مدت*، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران، تهران، فراوان.

اثربخشی آموزش طرح امید در میزان بهزیستی فاعلی زندانیان

حسین رادی / دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اراک، گروه روان شناسی بالینی، اراک، ایران
radi.hossein@yahoo.com

شهرام وزیری / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
فرح لطفی کاشانی / دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی اثربخشی آموزش طرح امید در میزان بهزیستی فاعلی مددجویان زندانی بود. بدین منظور، از بین مددجویان زندان قم، ۳۲ نفر به صورت در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۶ نفر) و شاهد (۱۶ نفر) جایگزین شدند. آزمودنی‌ها پیش و پس از مداخله، با مقیاس رضایت از زندگی و مقیاس شادی فاعلی مورد آزمون قرار گرفتند. طرح امید بر روی گروه آزمایش در ۱۲ جلسه انجام شد. تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داد که آموزش طرح امید در افزایش سازه‌های بهزیستی فاعلی نظیر رضایت از زندگی و شادی فاعلی مددجویان مؤثر است؛ به گونه‌ای که پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، بین دو گروه پس از مداخله، در عامل رضایت از زندگی و شادی فاعلی، تفاوت معنادار مشاهده می‌شود. همچنین طرح امید به ترتیب موجب ۶۰ و ۴۸ درصد تغییرات در افزایش رضایت از زندگی و شادی فاعلی شده است.

کلیدواژه‌ها: امید، رضایت از زندگی، شادی فاعلی.

بیش از ۱۰/۱ میلیون نفر در سراسر دنیا (والمسلی، ۲۰۱۱، ص ۲) و ۲۰۰۰۰ نفر در ایران در زندان به سر می‌برند (آلبوکردی و همکاران، ۱۳۹۱) که بررسی بهزیستی فاعلی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «بهزیستی فاعلی» مفهوم گسترده‌ای است که شامل تجربه کردن هیجان‌های دلپذیر، سطح پایین خلق منفی، و رضایت از زندگی بالاست (دینر و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۶۹). به‌طور خلاصه، بهزیستی فاعلی، دو مؤلفه عاطفی و شناختی دارد؛ مؤلفه‌های عاطفی یا هیجانی مشتمل بر تعادل عاطفه مثبت (شادی) و عاطفه منفی است. مؤلفه شناختی (رضایت از زندگی) نیز ارزیابی شناختی است که هر فرد از کیفیت زندگی کلی یا حیطه‌های اختصاصی آن به عمل می‌آورد (سپاه منصور و مظاهری، ۱۳۹۰).

لیوبومرסקی و توکر (۱۹۹۸) معتقدند: افراد شادکام وقایع زندگی و مشکلات را به صورت مطلوب‌تری مورد تفسیر قرار می‌دهند و رویارویی مؤثری دارند. از نظر آنان، این افراد موقعیت‌ها را به شکل مثبت‌تری در می‌آورند و کمتر به صورت منفی واکنش نشان می‌دهند و از سلامت روان بیشتری برخوردارند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که استفاده از مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی و استفاده از مواد تزیینی و استروئید، همگی با کاهش رضایت از زندگی رابطه معنادار دارد (زولینگ و همکاران، ۲۰۰۱). مردم همه فرهنگ‌ها، بهزیستی فاعلی را مهم‌ترین عنصر زندگی‌شان گزارش می‌کنند. از این رو، روان‌شناسان می‌کوشند تا عامل‌های پرورش سطوح بالاتر بهزیستی را شناسایی کنند (لوکاس و دانلان، ۲۰۰۷). در این میان، مطالعات بسیاری نشان‌دهنده ضرورت افزایش بهزیستی تعداد بسیاری از زندانیان است (هرمان و همکاران، ۱۹۹۱؛ میلز و کرر، ۲۰۰۵، ص ۱؛ کهریزی و همکاران، ۱۳۹۰). این مسئله موجب ترغیب تعدادی از روان‌شناسان شد تا برنامه‌های توانبخشی بر اساس اصول روان‌شناختی، که بتواند میزان جرایم را کاهش دهد، ارائه دهند (پوت‌واین و سامونز، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱). بدین ترتیب، اقدامات مشاوره و روان‌درمانی در زندان موجب می‌شد تا از شکل‌گیری مشکلات شدیدتر در داخل زندان پیش‌گیری شود و محیط زندان را به یک محیط مؤثر تبدیل کند. همچنین روشن است با انجام روان‌درمانی مناسب، سلامت روان زندانیان تأمین، زمینه وقوع مجدد جرم از بین رفته و زندانی پس از آزادی از زندان، به سمت زندگی سالم و بهنجار سوق داده می‌شود (خادمی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰).

از آنجاکه شواهد در مورد درمان‌گری‌های انفرادی زندانیان معمولاً مساعد نیست، به‌طوری که اغلب روان‌درمان‌گران بر این باورند که گروه درمان‌گری بهترین روش برای درمان زندانیان است (دادستان، ۱۳۸۹، ص ۳۰۲)؛ و با توجه به جمعیت زندان و جهت رشدشناختی، عاطفی و روانی، که خود رشد ارتباطات بین فردی را به دنبال خواهد داشت، کلاس‌هایی با عنوان کلاس‌های آموزشی - روان‌شناختی به صورت گروهی در هر بند تشکیل می‌شود (خادمی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰). به اعتقاد برخی، این نوع

مداخله‌ها، که با هدف تغییر رفتار جمعی انجام می‌شود، امید بخش‌تر به نظر می‌رسند؛ زیرا وقتی محیط زندگی و فرایندهای آموزشی افراد مشابه است، احتمال تعمیم مهارت‌ها هم افزایش می‌یابد. این روش‌ها با بهره‌گیری از تأثیر الگوهای بهنجار (غیرمنحرف)، بهتر می‌تواند شرایط محیط طبیعی زندگی زندانیان را مهار کنند (دادستان، ۱۳۸۹، ص ۳۰۸). همچنین از طریق این کلاس‌ها، زندانیان متوجه مشکلات روانی خویش می‌شوند و انگیزه اقدام برای درمان و رفع مشکلات در آنها به وجود می‌آید؛ زیرا موضوعات طرح شده در کلاس‌ها، به‌طور طبیعی حکم معیار را داشته و زندانی در مقایسه خود با آنها مشکلات خویش را در می‌یابد (خادمی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰).

بر این اساس، معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضائیه با برگزاری دوره طرح امید (دوره انگیزش و مهندسی فطری دانش و مهارت‌ها) درصدد دستیابی به اهداف ذیل است:

۱. ارتقاء بهداشت روانی و ایجاد و افزایش درون‌زای نشاط فردی و اجتماعی؛
۲. مثبت‌نگری، خودباوری و اعتماد به نفس، توسل و توکل؛
۳. دستیابی به حل مسئله و برخورد مثبت و رشدآفرین با تعارض‌ها؛
۴. توانمندسازی به منظور مدیریت ضعف‌ها و قوت‌ها در راستای تعالی فردی و اجتماعی؛
۵. تصحیح و تقویت روابط بین فردی و گروهی؛
۶. بازبایی و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی؛
۷. ایجاد احساس نیاز به تحصیل و فراگیری مشتاقانه و مجدانه دانش و مهارت؛
۸. پذیرش اینکه نشاط، اشتغال و کار، امنیت و آرامش روانی و اجتماعی، رهایی از مشکلات، خلاصی از ناملایمات و رسیدن به حیات طیبه و دستیابی به رضایت از زندگی را باید از خویش و نه از جامعه و دیگران انتظار داشت؛
۹. تقویت فطریات، از ایمان به خداوند و آموزه‌های وحیانی تا اقامه نماز و انجام مبرآت، حسنات و کارهای خیرخواهانه زندانیان.

این طرح اقتباسی از روش‌های روان‌درمانی و گروه‌درمانی در زندان‌ها و تلفیقی از برنامه‌های معنوی، تربیتی و روان‌شناسی است. از آنجاکه در این طرح، از برنامه‌های معنوی فراوانی بهره برده شده است، این طرح بی‌شبهات به مداخله‌های معنوی نیست. معنویت، از جمله متغیرهایی است که پژوهشگران رشته‌های مختلف به رابطه آن با بهزیستی توجه نشان داده‌اند (مکانیت، ۲۰۰۶، ص ۱۱۵). کیارکی و دنکه، رابطه دین و معنویت را با شادی و رضایت‌مندی توسط مقیاس چند وجهی دین و معنویت و مقیاس عاطفه مثبت و منفی و مقیاس رضایت از زندگی بررسی کردند (کیارکی و دنکه، ۲۰۰۵، ص ۲۰۹). آنان معنویت و اعمال دینی را پیش‌گویی کننده بهزیستی فاعلی یافتند. به گفته مایرز: «تحقیقات مکرر در میان مردم آمریکای شمالی و اروپا نشان می‌دهد که مردم دیندار، بیش از بی‌دین‌ها احساس شادی و رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند» (مایرز، ۱۹۹۲، ص ۱۸۳). یافته‌های آقابابایی و همکاران

(۱۳۹۰)، نشان داد که توانایی‌های ذهنی مرتبط با دینداری و معنویت، نقش مثبتی در بهزیستی فاعلی افراد دارند. کمبود شواهد پژوهشی داخلی در حیطه مداخلات آموزشی در زندان، بیانگر ضرورت انجام این پژوهش است. بنابراین، این مطالعه به تعیین میزان تأثیر آموزش طرح امید زندان‌های کشور در افزایش بهزیستی فاعلی مددجویان زندان قم می‌پردازد.

روش پژوهش

طرح پژوهش شبه تجربی با دو گروه آزمایش و گواه با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. جامعه آماری شامل کلیه مردان جوان زندانی در زندان قم در سال ۱۳۹۲ بودند که شرایطی که گذشت از بین آنها، ۳۲ نفر به صورت در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه به‌طور تصادفی گمارش شدند.

ابزار پژوهش: در این پژوهش از دو ابزار زیر استفاده شده است:

۱. **مقیاس رضایت از زندگی (SWLS):** این مقیاس برای اندازه‌گیری رضایت از زندگی در بعد شناختی بهزیستی فاعلی به‌کار گرفته شده (دینر و همکاران، ۱۹۸۵) و از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی است (دینر، ۲۰۰۹، ص ۲۵). مقیاس دارای پنج ماده و تک عاملی است. هر ماده هفت گزینه دارد که پاسخ‌دهندگان میزان رضایت‌مندی خود از یک (کاملاً مخالفم) تا هفت (کاملاً موافقم) نشان می‌دهند. میانگین یک، به معنی عدم رضایت از زندگی و میانگین هفت، بیانگر رضایت کامل از زندگی است. اعتبار آزمون با روش دونیمه کردن ۰/۸۷ و با روش بازآزمایی ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین اعتبار قابل قبولی با بهره‌گیری از مقیاس خودگزارشی و ملاک‌های خارجی، مانند گزارش همسالان، مقیاس حافظه و درجه‌بندی‌های بالینی گزارش شده است (پی‌وت، ۱۹۹۱). این مقیاس در ایران، توسط بیانی و همکاران (۱۳۸۶) اعتباریابی شده است. این پژوهشگران، اعتبار مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. **غضنهری (۱۳۸۲)** نیز با اجرای این مقیاس بر روی ۱۴۷ دانشجوی پسر و دختر ایرانی و ۱۲۱ دانشجویی پسر و دختر کانادایی، آلفای کرونباخ ۰/۸۸ را گزارش کرده است.

۲. **مقیاس شادی فاعلی:** این مقیاس توسط لیوپومرسکی و لپر (۱۹۹۹) ساخته شده و دارای ۴ ماده است. دو ماده نخست آن، از پاسخ‌دهنده می‌خواهد شادی خود را به ترتیب به صورت مستقل و در مقایسه با همگان خود درجه‌بندی کند. ماده‌های سه و چهار، به ترتیب افراد شاد و غمگین را توصیف می‌کند و از پاسخ‌دهنده می‌پرسد که این اوصاف چقدر در مورد آنان درست‌اند. **هولدر، کولمن و والیس**، ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس را از ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند (آقابابایی و فراهانی، ۱۳۹۰). نسخه فارسی مقیاس در نمونه‌های دانشجویی و غیردانشجویی اجرا و اعتباریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی ۰/۷۶ و همبستگی آن با مقیاس رضایت از زندگی ۰/۴۳ تا ۰/۴۷ گزارش شده است (آقابابایی و همکاران، ۱۳۸۸).

آزمودنی‌ها به یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. به گفته کاشان مقیاس شادی فاعلی و رضایت از زندگی، از مناسب‌ترین مقیاس‌ها برای سنجش بهزیستی فاعلی هستند؛ زیرا کوتاه، مبتنی بر نظریه و فارغ از فشار زمانی‌اند و ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی دارند (کاشان، ۲۰۰۴).

طرح مداخله‌ای: طرح مداخله‌ای این پژوهش، طرح امید زندان‌های کشور بود. مراحل طرح امید بدین شرح بود: ۱. انتخاب و تشکیل گروه‌های ۱۶ نفره رهیار؛ ۲. پرکردن برگه عضویت توسط اعضاء در اولین جلسه؛ ۳. تقسیم هر گروه ۱۶ نفره به گروه‌های ۸ نفره با نام همیار؛ ۴. اجرای عقد اخوت بین اعضاء گروه‌های همیار؛ ۵. تعیین یک نفر رابط برای هر گروه همیار به عنوان همیار؛ ۶. تقسیم گروه همیار به دو دسته ۴ نفره؛ ۷. تعیین اسم برای هر یک از دسته‌ها و گروه‌های همیار؛ ۸. اجرای دوره انگیزش و مهندسی فطری دانش و مهارت‌ها براساس کتابچه آموزشی طرح و با سرفصل‌های مندرج در جدول ۱.

جدول ۱: سرفصل‌های طرح امید زندان‌های کشور

ردیف	عناوین
۱	شناخت مدیریت و کنترل رفتار
۲	شناخت خویشتن (شناخت نقاط قوت، نقاط ضعف و هدایت رفتار)
۳	شناخت خدا (ایجاد ارتباط با خدا در انجام امور)
۴	مدیریت رفتار (تعیین هدف براساس توانایی‌های خویشتن)
۵	مدیریت رفتار براساس توانایی‌های خویشتن

شیوه اجرا: برای انجام پژوهش با کمک مسئولین زندان افراد واجد شرایط، شناسایی شدند. پس از انتخاب نمونه و گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه، آزمون رضایت از زندگی و شادی فاعلی به‌عنوان پیش‌آزمون اجرا شد. سپس برای آزمودنی‌های گروه آزمایش جلسات آموزشی دوره امید طی ۱۲ جلسه ۳ ساعته در ۶ هفته (هر هفته دو جلسه با رعایت فاصله زمانی مناسب) برگزار شد. پیش از اجرای دوره، یک جلسه سه ساعته توجیهی کامل، برای توضیح پیرامون فرم‌ها، تشکیل گروه‌ها و دسته‌ها و تعیین وظیفه‌ها و تهیه جدول‌ها برگزار شد. در آغاز و پایان هر جلسه آموزشی، پنج دقیقه نیایش برگزار شد. همچنین مطالعه و مباحثه کتاب‌های تعیین شده در دفترچه آموزشی طرح؛ شنیدن سی دی‌های اخلاقی و مباحثه آن؛ دیدن فیلم‌های مناسب و مباحثه آن؛ انجام نشست‌های آیینی؛ انجام بازی‌های بومی و ورزش‌های رسمی؛ حرفه‌آموزی؛ پرکردن فرم‌های ترازنامه، جدول‌های من کنونی و من بهتر (با حضور همیار)؛ انجام خدمت و کار عام‌المنفعه و تهیه روزنوشت‌ها و برداشت‌ها جز برنامه‌های اصلی این طرح بود. برای گروه گواه، جلسات آموزشی تشکیل نشد. یک هفته پس از پایان جلسات، در جلسه‌ای جداگانه ضمن تقدیر از همکاری آزمودنی‌های دو گروه، به اجرای پس‌آزمون پرداخته شد. طرح امید، پس از پایان پژوهش برای گروه گواه نیز اجراء گردید. تجزیه و تحلیل یافته‌ها با روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و با بهره‌گیری از نرم افزار (SPSS) انجام شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون رضایت از زندگی و شادی فاعلی در دو گروه آزمایش و گواه در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیرهای پژوهش

Sd	M	گروه	متغیر	
۲/۸۷	۱۳/۱۲	آزمایش	رضایت از زندگی	پیش‌آزمون
۲/۸۸	۱۴/۱۸	گواه		
۰/۹۵	۱۲/۳۷	آزمایش	شادی فاعلی	
۲/۴۱	۱۲/۶۸	گواه		
۵/۲۶	۱۸/۱۳	آزمایش	رضایت از زندگی	پس‌آزمون
۲/۹۴	۱۳/۵۶	گواه		
۲/۰۰	۱۵/۱۹	آزمایش	شادی فاعلی	
۲/۴۴	۱۲/۰۰	گواه		

از آنجاکه محققان این پژوهش برای بررسی نتایج از طرح نیمه‌آزمایشی استفاده کرده‌اند، از تحلیل کوواریانس بهره گرفتند تا، آثار پیش‌آزمون را به‌عنوان یک متغیر تصادفی کمکی کنترل کنند. استفاده از این روش، مستلزم کنترل مفروضه‌هایی است که ما در بررسی فرضیه‌ها از آنها (خطی بودن و همگنی شیب رگرسیون) بهره گرفتیم. براساس رعایت این مفروضه‌ها، نتایج تحلیل کوواریانس پرسش‌نامه رضایت از زندگی در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: آزمون کوواریانس برای مقایسه دو گروه

مجذور اتا	Sig.	F	MS	df	SS	منبع واریانس
۰/۶۸۳	۰/۰۰۰	۶۲٫۳۸۳	۳۷۲٫۵۱۷	۱	۳۷۲٫۵۱۷	متغیر هم‌پراش (پیش‌آزمون)
۰/۶۰۵	۰/۰۰۰	۴۴٫۲۵۴	۲۶۵٫۴۵۲	۱	۲۶۵٫۴۵۲	گروه
			۵/۹۷۱	۲۹	۱۷۳/۱۷۱	خطا
				۳۲	۸۷۴۵/۰۰۰	کل

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، متغیر پیش‌آزمون به‌طور معناداری با متغیر وابسته (پس‌آزمون) رابطه دارد. همچنین پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه پس از مداخله، در عامل رضایت از زندگی، تفاوت معنادار ($F=62/38$ و $P=0/000$) مشاهده می‌شود. همان‌گونه که با مجذور اتا ارزیابی شده، عامل طرح امید، موجب ۶۰ درصد تغییرات در افزایش رضایت از زندگی شده است. نمرات میانگین تعدیل شده پس‌آزمون نشان می‌دهد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه از رضایت از زندگی بیشتری برخوردارند. بنابراین، آموزش طرح امید زندان‌های کشور، در افزایش رضایت از زندگی مددجویان زندان قم مؤثر بوده است.

پس از رعایت مفروضه‌های آزمون کوواریانس، برای آزمون اثربخشی آموزش طرح امید در شادی فاعلی، به‌منظور حذف اثر پیش‌آزمون از مدل آماری تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون کوواریانس برای مقایسه دو گروه

مجنور اتا	Sig.	F	MS	df	SS	منبع واریانس
۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	۱۵/۵۳۹	۵۲/۴۸۴	۱	۵۲/۴۸۴	متغیر هم‌پراش (پیش‌آزمون)
۰/۴۸۶	۰/۰۰۰	۲۷/۳۷۱	۹۲/۴۵۱	۱	۹۲/۴۵۱	گروه
			۳/۳۷۸	۲۹	۹۷/۹۵۳	خطا
				۳۲	۶۱۴۵/۰۰۰	کل

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، متغیر پیش‌آزمون به‌طور معناداری با متغیر وابسته (پس‌آزمون) رابطه دارد. همچنین پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه پس از مداخله، در عامل شادی فاعلی، تفاوت معنادار ($F= 15/53$ و $P= 0/000$) مشاهده می‌شود. همان‌گونه که با مجذور اتا ارزیابی شده، عامل طرح امید موجب ۴۸ درصد تغییرات در افزایش شادی فاعلی شده است. نمرات میانگین تعدیل شده پس‌آزمون نشان می‌دهد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه از شادی بیشتری برخوردارند. از این‌رو، تفاوت گروه‌های مورد مطالعه از نظر آماری معنی‌دار بوده و این معناداری به نفع گروه آزمایش است. بنابراین، آموزش طرح امید زندان‌های کشور موجب افزایش شادی مددجویان زندان قم شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، معنویت بخش مهمی از زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. براساس تحقیقات، تأثیر مهمی بر سلامت و بهزیستی آنها دارد (رضایی، ۱۳۸۹). بر این اساس، مطالعات معنوی در روان‌شناسی در سطح دنیا، موضوعی جدی و اساسی است که توجه به آن در بسیاری از کشورها در حال افزایش است (بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۱). یافته‌های پژوهش نشان داد که بین آموزش طرح امید زندان‌های کشور و افزایش بهزیستی فاعلی مددجویان زندان قم رابطه وجود دارد. تفاوت نمرات پس‌آزمون پرسش‌نامه‌های رضایت از زندگی و شادی فاعلی در دو گروه آزمایش و گواه افزایش معنادار داشته است. تحلیل نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های دیوید مایرز (۱۹۹۲)؛ مک‌نایت (۲۰۰۶)؛ کیارکی و دنکه (۲۰۰۵) و آقابابایی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

نتایج یک مطالعه نشان داده است که میزان معنا در زندگی مددجویان در مقایسه با افراد عادی کمتر است. اما افرادی که نمره بالاتری در هدف از زندگی به‌دست می‌آورند، رضایت بیشتری از زندگی دارند و از افزایش ثبات هیجانی برخوردارند (ملاسو، ۲۰۰۶، ص ۱). احتمالاً علت افزایش رضایت از زندگی مددجویان در این پژوهش نیز به دلیل تأکید طرح امید بر ایجاد و ارتقاء اهدافی

مانند موارد ذیل باشد: ۱. ایجاد احساس نیاز به تحصیل و فراگیری مشتاقانه و مجدانه دانش و مهارت؛ ۲. انجام خدمت و کار عام‌المنفعه و تهیه روزنوشته‌ها و برداشته‌ها از زندگی؛ ۳. تقویت فطریات، از ایمان به خداوند و آموزه‌های وحیانی تا اقامه نماز و انجام مبرآت، حسنات و کارهای خیرخواهانه مددجویان. پیکاک و پولوما نیز دریافتند که احساس نزدیکی به خدا، بزرگ‌ترین و تنها پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی در همه سنین است (پیکاک و پولوما، ۱۹۹۹). تجارب متعالی و احساس وجود کنترل ثانوی بر محیط می‌تواند رضایت از زندگی افراد را افزایش دهد (کیم، ۲۰۰۴).

همچنین به نظر می‌رسد، که اثر مثبت دین بر شادی برخاسته از معنا و هدفی است که باورهای دینی برای فرد فراهم می‌آورد (دینر، ۲۰۰۹، ص ۲۵). در نتیجه، می‌توان گفت: معنویت با برآیندهای باارزش زندگی که مثبت و شادی‌بخش هستند مرتبط است و «امید به آینده» را در فرد تقویت می‌کند (استیگر، ۲۰۰۸). بنابراین، احساس امیدواری و احساس موفقیت، مانع از بروز افسردگی می‌گردند (رادی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین احتمالاً گروهی بودن طرح و تشابه محیط زندگی و استفاده از الگوهای بهنجار (غیرمنحرف) نیز در اثربخشی این طرح مؤثر بوده است. از سوی دیگر، چنانچه تحقیقات نشان داده است، شرکت مددجویان در چنین طرحی می‌تواند موجب توجه آنها به مشکلات روانی و در نتیجه، ایجاد انگیزه برای درمان و رفع مشکلات شود (خادمی، ۱۳۸۹، ۲۹۰)؛ زیرا موضوعات طرح شده در کلاس‌ها، به‌طور طبیعی حکم معیار را داشته و مددجو در مقایسه خود با آنها مشکلات خویش را در می‌یابد. در نتیجه، توجه به هدف‌ها و برگزیدن روش‌های ویژه مراقبت با در نظر گرفتن دیدگاه‌های معنوی مددجویان؛ حمایت از بهره‌مندی از اعتقادهای معنوی در مقابله با عوارض و مشکلات زندان؛ تشویق مددجویان به صحبت و مشاوره با بزرگان معنوی خود؛ مطالعه و مباحثه کتاب‌های معنوی و مذهبی؛ محاسبه و مراقبه نفس و قبول مسئولیت زندگی فردی و اجتماعی؛ حرفه‌آموزی و انجام خدمت و کار عام‌المنفعه، می‌تواند در رسیدن به معنویت و پیامد مؤثر آنکه، حفظ و ارتقای بهزیستی فاعلی آنها است، کمک‌یار باشد. نتایج این پژوهش حاکی از توان طرح امید زندان‌های کشور در افزایش بهزیستی فاعلی مددجویان است. احتمالاً برگزاری این دوره، می‌تواند در پیشگیری از جرائم، دعای و آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد. پذیرش این امر منوط به انجام تحقیقات بیشتر در بررسی اثربخشی این طرح خواهد بود.

محدودیت‌ها: از آنجاکه آزمودنی‌های این پژوهش، جوانان زندانی ۲۰ تا ۲۵ سال بودند، نتایج آن قابل تعمیم به سایر زندانیان با گروه‌های سنی متفاوت نیست. محدودیت دیگری که محققان با آن مواجه بودند، عدم توفیق در انجام مطالعه پیگیری بود. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود علاوه بر فراهم کردن شرایط مساعد برای مطالعات پیگیری در پژوهش‌های بعدی، این پژوهش در گروه‌های دیگر مجرمان به‌ویژه گروه بزهکاران که نوجوانان کمتر از ۱۸ سال هستند نیز به اجرا درآید.

منابع

- آقابابایی، ناصر و همکاران، «هوش معنوی و بهزیستی فاعلی» (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۳، ص ۸۳-۹۶.
- آقابابایی، ناصر و حجت‌اله فراهانی، «نقش رگه قدردانی در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی و فاعلی» (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال هشتم، ش ۸ (۲۹)، ص ۷۵-۸۴.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب» (۱۳۸۸)، *علوم روان‌شناختی*، ش ۳۱، ص ۳۶۰-۳۷۲.
- آبوکردی، سجاد و همکاران، «رابطه تاب‌آوری و اختلالات روانی در جوانان مجرم زندان مرکزی شیراز» (۱۳۹۱)، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ش ۱۷، ص ۴۳-۵۰.
- بوالهری، جعفر و همکاران، «اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه» (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی زنان*، سال سوم، ش ۱، ص ۸۵-۱۱۵.
- بیانی، علی‌اصغر و همکاران، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی» (۱۳۸۶)، *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۳ (۱)، ص ۲۵۹-۲۶۵.
- پوت‌واین، دیوید و آیدن سامونز (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی و جرم*، ترجمه داود نجفی توانا، تهران، میزان.
- خادمی، علی (۱۳۸۹)، *رویکردهای نوین در روان‌شناسی رفتارهای جنایی*، تهران، علم.
- دادستان، پریخ، (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی جنایی*، تهران، سمت.
- رادی، حسین و همکاران، «بررسی رابطه خوش‌بینی اسلامی، افسردگی و سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان» (۱۳۹۲)، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۱، ص ۲۹-۴۴.
- رضایی، جواد (۱۳۸۹)، *تأثیر آموزش سبک زندگی اسلام‌محور با تأکید بر نظام خانواده بر تعهد و صمیمیت زوجین اراک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره و راهنمایی، دانشگاه اصفهان.
- سپاه منصور، مژگان و محمدعلی مظاهری، «ساختار خانواده و ابعاد چندگانه رضایت از زندگی نوجوانان» (۱۳۹۰)، *تحقیقات روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۹، ص ۵۱-۵۹.
- صالحی، مهدیه و همکاران، «مقایسه سلامت عمومی، سبک‌های مقابله‌ای و شادکامی مادران کودکان معلول جسمی حرکتی و سالم» (۱۳۹۰)، *تحقیقات روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۹، ص ۱-۱۲.
- غضنفری، شهباز (۱۳۸۲)، *همبسته‌های شخصیتی شادمانی ذهنی بر اساس الگوی پنج عاملی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز.
- کهریزی، احسان و همکاران، «تأثیر گروه‌درمانی شناختی به روش مایکل فری در کاهش افسردگی زندانیان» (۱۳۹۰)، *اندیشه و رفتار*، دوره ششم، ش ۲۲، ص ۲۱-۳۰.

- Religious support, practices, and spirituality as predictors of well-being, *Research in the Social Scientific Study of Religion*, v 15, p. 209-233.
- Diener E & et al, (2009), "Happiness", In M. R. Leary & R. H. Hoyle (eds), *Handbook of Individual Differences in Social Behavior*, New York, the Guilford Press.
- Diener, E, (2009), Assessing subjective well-Being: Progress and opportunities, In E. Diener (Ed), *Assessing Well-Being: The Collected Works of Ed Diener* (p. 25-65). New York: Springer.
- Diener, E. & et al, (1985), The Satisfaction With Life Scale, *Journal of Personality Assessment*, v 49, p. 71-75.
- Herman, H. & et al, (1991), Hidden severe psychiatric morbidity in sentenced prisoners: an Australian study, *The American Journal of Psychiatry*, v 14, p. 236-239.
- Kashdan, T. B, (2004), The assessment of subjective well-being (Issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire), *Personality and Individual Differences*, v 36, p. 1225-1232.
- Kim Y, & et al, (2004), Spirituality and effect: a function of changes in religious affiliation, *Personality and Individual Differences*, v 37, p. 861-870.
- Lucas R E, Donnellan M B, (2007), "How stable is happiness? Using the STARTS model to estimate the stability of life satisfaction", *Journal of Research in Personality*, v 41, p. 1091-1098.
- Lyubomirsky, S. & Lepper, H. S, (1999), A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation, *Social Indicators Research*, v 46 (2), p. 137-156.
- McKnight D, (2006), An investigation into the relationship between spirituality and life satisfaction, Dissertation, California, California State University.
- Mills, J.F. & Kroner, D.G, (2005), Screening for suicide risk factors in prison inmates: Evaluating the efficiency of the depression, hopelessness and suicide screening form (DHS). *Legal and Criminological Psychology*, v 10, p. 1-12.
- Molasso W. R, (2006), Exploring Frankl's purpose in life with college students, *Journal of College and Character*, v 7(1), p. 1-10.
- Myers D G, (1992), *The Pursuit of Happiness*, New York, Avon Books.
- Peacock J R , Poloma M M, (1999), Religiosity and life satisfaction across the life course, *Social Indicators Research*, v 48, p. 321-345.
- Pvot W, Diener E, & et al, (1991), Farther Validation of the satisfaction with life Scale: Evidence for the cross-method convergence of well-being measures, *Journal of personality assessment*, v 51, p. 149-161.
- Steger M F, & et al, (2008), The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life, *Journal of Research in Personality*, v 42, p. 660-678.
- Walmsley, R, (2011), *World Prison Population List*, 9th ed. King's College of London: International Centre for Prison Studies, p. 1-4.
- Zullig, Keith J. & et al, (2001), Relationship between perceived life satisfaction and adolescents' substance abuse, *Journal of Adolescent Health*, v 29, Issue 4, p. 279-288.

رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان

askary47@yahoo.com

کلیه پرویز عسگری / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

safarzadeh1152@yahoo.com

سحر صفرزاده / عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل (۹۲-۹۱) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز و نمونه شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) بود که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه تنظیم هیجانی، اعتقادات مذهبی آرین و مقیاس تاکتیک تعارض با والدین اشتراوس، استفاده شد. تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در سطح معناداری $p < 0.001$ نشان داد که بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبردهای تعارض با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد. در عین حال، تحلیل رگرسیون نشان داد که تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی به ترتیب پیش‌بینی‌کننده بهتری برای متغیرهای راهبرد استدلال و پرخاشگری کلامی و اعتقادات مذهبی نیز به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای متغیر ملاک راهبرد پرخاشگری فیزیکی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم هیجانی، اعتقادات مذهبی، راهبردهای حل تعارض با والدین، دانشجویان.

مقدمه

امروزه مشخص شده است که رشد شخصیت و بهداشت روانی - جسمی انسان، با توانایی برقراری ارتباط با دیگران مرتبط بوده و یک رابطه نارسا، می‌تواند سلامت جسمی و روانی شخص را تحت تأثیر قرار دهد (بولتون، ۱۳۸۱، ص ۱۶). از سوی دیگر، تعارض بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان است. هر زمان و هر جا که افراد دور هم جمع باشند، احتمال وقوع تعارض وجود دارد (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۱، ص ۳۵). داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن کریم و بیان عناوین خیر و شر، حق و باطل، عدل و ظلم، نور و ظلمت و نیز داستان‌هایی چون موسی و فرعون، یوسف و برادران، اصحاب کهف و... همه نشانگر وجود تعارض می‌باشند (شهرکنی، ۲۰۰۲، ص ۲۰). به‌طورکلی، منبع تعارضات میان‌فردی، که طبق نظریه رایس به دو دسته سازنده - که منجر به درک کامل‌تر در جهت مصالحه و حل مشکل و کاهش هیجانات منفی و ایحاد احترام و خلاقیت می‌شود - و مخرب - که فرد را درگیر کرده و موجب شرمندگی و تحقیر و اهانت و تنبیه می‌شود و ایجاد ایده منفی نسبت به شخص مقابل می‌کند - تقسیم شده، ریشه در تفاوت‌های فردی دارد؛ زیرا افراد از نظر نگرش‌ها، رفتار و ساختار شخصیتی با یکدیگر متفاوتند (رایس، ۱۹۹۶، ص ۱۷). فهم این تفاوت‌ها و تأثیر آنها بر چگونگی رفتار افراد موجب فهم فرایند تعارض و کاهش بروز آن شده و به حل مؤثر تعارضات خواهد انجامید (همان، ص ۳۶). امروزه با توجه به اهمیت این موضوع، سه نظریه متفاوت در مورد تعارض در محیط‌ها وجود دارد. طبق نظریه سستی تعارض، باید از تعارض دوری جست؛ چراکه کارکردهای زاینباری در درون محیط خواهد داشت. نظریه روابط انسانی، تعارض را امری طبیعی می‌داند که در هر سازمانی پیامدهای حتمی و مسلمی دارد؛ بی‌ضرر و به‌طور بالقوه نیروی مثبتی را برای کمک به عملکرد اعضا ایجاد می‌کند. براساس سومین نظریه و مهم‌ترین دیدگاه در سال‌های اخیر یعنی نظریه تعاملی، تعارض نه‌تنها می‌تواند یک نیروی مثبت در سازمان ایجاد کند، بلکه یک ضرورت بدیهی برای فعالیت‌های سازمانی به‌شمار می‌آید (رایبیز، ۲۰۰۶، ص ۶۲۱). بر این اساس، یافته‌ها بیانگر این نکته هستند که در اغلب موارد، وجود پیوندهای صمیمانه، تعارضات را تحت کنترل درآورده و احساسات مثبت را برقرار می‌سازد (بیابانگرد، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹). در پی آن، یکی از محیط‌های مؤثر بر تعارض بین‌فردی، محیط خانواده و زندگی با افرادی است که تقریباً ۲۰ سال از فرد (فرزند) تفاوت سنی دارند (حشمت‌السادات، ۱۳۸۳). در کل یکی از مشکلاتی که خانواده در هنگام پرورش فرزندان با آن مواجه می‌شود، نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدینشان است که می‌تواند ناشی از خواسته فرزندان مبنی بر تغییر رفتار والدین و یا مقایسه فرزند، با آرمان‌های والدین باشد (سموعی، ۱۳۸۲). اگرچه پژوهش‌ها از این امر حمایت می‌کنند که تعارض جزئی از روابط والدین و فرزندان است و کشمکش یا نزاع میان فرزندان و والدین دور از انتظار نیست، اما باید توجه داشت که در طولانی مدت چنین امری مانع ایجاد روابط مثبت و سازگارانه بین والد و فرزند می‌شود (ریسج و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷).

از این رو، روان‌شناسان در تحقیقات متعدد خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب و ایده‌آل، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را به وسیله ارتباط با شخص تأمین کند. در این خانواده‌ها، افراد فرصت بیشتری برای نیل به استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت و فرزندان، سازگاری هیجانی مناسب‌تری دارند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۷) به دنبال آن، تعارضات پدر و فرزند به شکل پرخاشگری فیزیکی و کلامی، یا وجود ندارد یا از طریق راهکار استدلال، حل شده و سازنده بوده و موجب خلاقیت می‌گردد.

از سوی دیگر، یکی از عواملی که با تعارضات فرزند و پدر مرتبط می‌باشد، تنظیم و کنترل هیجانی شخص است. تنظیم هیجانی به عنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی- روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (ویمز و پینا، ۲۰۱۰، ص ۱۷۱). در واقع، تنظیم هیجانی تنها سرکوب هیجان‌ها نیست، بلکه شامل فرایندهای نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون، ۱۹۹۴، ص ۳۸). با توجه به اینکه تنظیم هیجانی به منظم کردن فرایندهای احساسی در راستای عملکرد تطبیقی اطلاق می‌شود (آقازاده و احدیان، ۱۳۷۷، ص ۵۱)، و در عین حال یک رفتار اکتسابی است که از دوران کودکی باید در فرد نقش ببندد، والدین می‌توانند با فراهم کردن محیط آموزشی غیررسمی موجب [تقویت کنترل هیجان‌ها و] علاقه‌مندی کودک به حل مسائل [تعارض‌زا] از طریق مهارت در ارزشیابی، نظارت و هدفمندی شوند (استریت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۴۵۶). این امر خود می‌تواند در برخورد فرزند با پدر در هنگام تعارض دوران بزرگسالی مؤثر باشد. *استریت* و همکاران (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که تعاملات و آموزش‌های والدین، نقش مهمی در پیش‌بینی یادگیری خودتنظیمی هیجانی فرزندان دارد (همان). آموزش‌های فراشناختی و راهبردی والدین و الگویی آنها به فرزندان کمک می‌کند تا دانش فراشناختی را فراگیرند و در نتیجه، خودتنظیمی را بهبود بخشند. علاوه بر این، حمایت والدین، ابزار مهمی برای رشد احساس کفایت و مهار شخصی است (همان). این به نوبه خود، با کاربرد رفتارهای خودتنظیمی هیجانی رابطه دارد (استریت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۴۵۷؛ زیمرمن و مارتین- پونز، ۱۹۸۸) و می‌تواند فرد را در استفاده از بهترین راهبرد حل تعارض با والدین رهنمود سازد.

در عین حال، از جمله عوامل دیگر مؤثر در روابط فرزند با والدین، اعتقادات مذهبی و التزام به انجام اعمال دینی می‌باشد. تحقیقات افرادی همچون مسی (۲۰۱۰) و نووال (۲۰۱۰) نشان می‌دهد دین و اعتقادات مذهبی، که از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت روان است، چهره جهان را در نظر فرد معتقد دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد (کروز، ۲۰۰۳، ص

۱۶۰). در کل این افراد حوادث متعارض را با تکیه بر ایمان و اعتقاد خود راحت‌تر می‌گذرانند، کمتر دستخوش استرس و اضطراب و تعارض می‌شوند (عسگری و دیگران، ۱۳۸۸). در همین زمینه، بیان می‌شود که اعتقادات دینی و مذهب به انسان آرامش می‌دهد، امنیت فرد را تضمین می‌کند، خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (اسدی نوقانی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۹). این امر خود می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز و پیش‌بینی‌کننده وجود عدم تعارض منفی و مخرب با اطرافیان بخصوص با والدین باشد. از سوی دیگر، در آموزه‌های دینی و در کتاب آسمانی قرآن کریم نیز در مورد والدین و حل تعارضات با آنها چنین بیان شده است: «و پروردگارت فرمان داده است: جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها به پیری رسیدند کمترین اهانتی به آنها روا نداشته و بر آنها فریاد مزین و گفتار سنجیده و لطیف و بزرگوارانه به آنها بگو و بال‌های تواضع خویش را خاضعانه در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا، همان‌گونه که مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء: ۲۳ و ۲۴). این مهارت‌هایی که در آیه شریفه فوق و سایر آیات شریفه مرتبط در قرآن کریم آمده است، هم نشان‌دهنده راه‌حل تعارضات منفی و هم مستلزم کنترل هیجانی مناسب شخص، که نشانه تربیت دوران کودکی فرد است، می‌باشد. در همین راستا، *براون* طی تحقیقی نشان داد که تعارضات منفی در روابط پدر و مادر، که در اوایل نوجوانی فرزند اتفاق می‌افتد موجب می‌شود که تنظیم هیجان‌ات و راهبردهای تنظیم احساسات در نوجوانان با مشکل مواجه شود (براون، ۲۰۱۱، ص ۱).

کسکین و *لاولر رو* و دیگران نیز به این نتیجه دست یافتند که بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی، رابطه منفی و بین سبک دلبستگی نایمن با مشکلات ارتباطی و نگرش منفی به والدین رابطه مثبت وجود دارد (کامرانی فکور، ۱۳۸۵). *بشارت* و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقات مشابهی نشان دادند، حمایت درک‌شده از سوی والدین با رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوان مانند کنک‌کاری فیزیکی و استفاده از مواد و تمایل به خودکشی و فرار از منزل رابطه معناداری دارد. همچنین بین حمایت عاطفی دریافت‌شده از والدین در آغاز زندگی و سلامت رفتاری و هیجانی فرد در بزرگسالی همبستگی معنادار دیده شده است. بر این اساس، در یک مطالعه طولی که توسط *آداب‌رادوتیر* و *رافنسون* انجام گرفت، مشخص شد دانش‌آموزانی که رفتارهای ضداجتماعی بیشتری دارند، سطح خودکنترلی کمتری دارند (خدایاری فرد و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در تحقیق *ایمانی فرد* و *کامکار* (۱۳۸۹) مشخص شد که دختران فراری نسبت به دختران عادی، از نگرش‌های ناکارآمد و خشونت خانوادگی بالاتری برخوردارند و خشونت فیزیکی و کلامی بیشتری را نسبت به دختران عادی دریافت کرده بودند. این عوامل موجب استفاده از راه‌حل‌های ناکارآمد در هنگام

تعارض با والدین و فرار آنها شده است. *نظامی* در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض با فرزندان تأثیر معناداری دارد. به طوری که آموزش شیوه‌های فرزندپروری ایمن موجب استفاده بیشتر والدین از راهبرد حل تعارض استدلال و استفاده کمتر از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی می‌شود (*نظامی*، ۱۳۸۸، ص ۴۷). در همین زمینه، *مرادی و ثنائی* (۱۳۸۵) نیز طی تحقیقی نشان دادند که برنامه آموزش مهارت‌های حل مسئله توانسته است تعارض، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی دانش‌آموزان را با والدینشان به طور معناداری کاهش دهد. همچنین توانایی استفاده از راهبردهای استدلالی را در آنها به طور معناداری افزایش دهد. *زابلی و دیگران* (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که روش روان‌نمایشگری که یک راه درمان روان‌شناختی است موجب افزایش استفاده از راهبرد استدلال و کاهش معنادار میزان پرخاشگری کلامی می‌شود. همچنین نیز منجر به کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری فیزیکی جهت رفع تعارض دختر و مادر می‌گردد. *بکناش و همکاران* (۱۳۸۴) نیز بیان داشتند که گروه مواجهه، تعارض مادر و دخترها را کاهش داده و در بهبود ارتباط و عاطفه مثبت بین مادرها و دخترها مؤثر است.

از سوی دیگر، طی تحقیقات انجام‌شده نماز می‌تواند به‌عنوان یک تاکتیک حل تعارض و ایجادکننده یک پیامد بالینی برای حل مشکلات زناشویی بین زوجین باشد و تعارضات خانوادگی زن و شوهر را کاهش دهد (*باتلر و همکاران*، ۲۰۱۰، ص ۲۰). *مورگان و همکاران* (۲۰۰۶)، نیز طی مطالعه‌ای نشان دادند که بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی جسمانی، هیجانی و سلامت عملکرد رابطه معناداری وجود دارد. *میلر و همکاران*، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند نوجوانانی که دیندار نیستند و نمرات پایینی در اندازه‌گیری میزان فعالیت دینی به دست می‌آورند، در مقایسه با نوجوانان دارای سطح بالاتر فعالیت دینی، رفتارهای ضداجتماعی بیشتری دارند (*خدایاری فرد و دیگران*، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). *براندفورد* و دیگران دریافتند که تعارض پدر و مادر منجر به مشکلات رفتاری و تعارضات در رفتار نوجوانان می‌شود و می‌تواند عاملی در رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان باشد، ولی اعتقادات مذهبی در نوجوانان موجب کاهش رفتارهای ضداجتماعی در چنین شرایطی می‌شد (*براندفورد و همکاران*، ۲۰۰۸، ص ۷۸۰). *خداپناهی و خاکسار بلداجی* (۱۳۸۴) نیز نشان دادند در مورد مقایسه سازگاری هیجانی در افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، نتایج بیانگر این است که افراد با جهت‌گیری درونی از نظر سازگاری کلی، اجتماعی، هیجانی و تندرستی نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی وضعیت مناسب‌تری دارند.

با توجه به این مطالب و تحقیقات انجام‌شده، این پژوهش در پی بررسی رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای تعارض فرد با والدین در دانشجویان دختر و پسر شهر اهواز بوده و به

بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته است: ۱. بین تنظیم هیجانی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؛ ۲. بین اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؛ ۳. بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند. نمونه این تحقیق، شامل ۲۰۰ نفر دانشجو از جامعه مذکور می‌باشد که برای انتخاب آنها، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید. بدین ترتیب، در ابتدا فهرستی از دانشکده‌های دانشگاه آزاد واحد اهواز تهیه و از میان هر دانشکده به تناسب فراوانی تعداد دانشجویان دختر و پسر تعداد مناسب انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. به دنبال آن، به دلیل اینکه تحقیق از نوع همبستگی بود، داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل و محاسبه شدند.

ابزار اندازه‌گیری؛ در این پژوهش از سه ابزار زیر استفاده شده است.

الف پرسش‌نامه دشواری در تنظیم هیجانی: پرسش‌نامه حاضر توسط گراتز ساخته شده است. این پرسش‌نامه، ۳۶ متغیر چندبعدی خودگزارشی است که الگوهای تنظیم هیجانی افراد مورد ارزیابی قرار می‌دهد (امینیان، ۱۳۸۸، ص ۹۵). گراتز اعتبار این پرسش‌نامه را ۰/۹۳ و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. در پژوهش امینیان (۱۳۸۸)، پایایی آن با دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰، محاسبه شد. حیدرئی و اقبال (۱۳۸۹) نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تنظیم هیجانی، از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده کردند که به ترتیب برابر با ۰/۹۱ و ۰/۸۵ بود. در عین حال آنها برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه حاضر، این پرسش‌نامه را با مقیاس هیجان‌خواهی ذاکرمن همبسته کردند که مشخص شد ضریب اعتبار به دست آمده ($p < 0/01$) $r = 0/54$ ، $n = 100$ بود. این امر حاکی از اعتبار قابل قبول آن می‌باشد. در این پژوهش نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تنظیم هیجانی از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که به ترتیب برابر ۰/۸۴ و ۰/۸۰ بود.

ب. مقیاس اعتقادات مذهبی آرین: مقیاس آرین، یک ابزار خودگزارشی برای سنجش میزان اعتقادات مذهبی فرد بوده که شامل ۲۰ سؤال می‌باشد. نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ تا ۵ است. در تحقیقی، این مقیاس بر گروهی از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا شد و ضریب همبستگی به دست آمده به روش اعتبار سازه‌ای برابر ۰/۵۶ $r = 0/56$ ($p < 0/01$) و ضریب پایایی آن را برابر ۰/۸۹ به دست

آمد (موحد، ۱۳۸۲، ص ۸۱). در تحقیق حاضر، برای تعیین پایایی مقیاس اعتقادات مذهبی آرین از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که به ترتیب، برابر با ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بود.

ج. مقیاس تاکتیک تعارض با پدر و مادر: این پرسش نامه توسط موری ای. اشتراوس تهیه شده و دارای ۱۵ سؤال است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۶). پنج سؤال اول پرسش نامه، استدلال، پنج سؤال دوم، پرخاشگری کلامی و پنج سؤال سوم، پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. پرسش نامه روی ۱۰۰ نفر از اعضای جامعه اجرا گردید. پایایی آن برای کل آزمون ۰/۷۸ و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۷۰، پرخاشگری کلامی ۰/۷۴ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۱ به‌دست آمد. همچنین پرسش نامه برای بار دوم، روی ۶۰ نفر دیگر از اعضای جامعه اجرا گردید. پایایی تست اجرا شده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ برای کل آزمون و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۶۱، پرخاشگری کلامی ۰/۶۹ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۷۶ به‌دست آمد و اعتبار تست با استفاده از نظرات استادان راهنما و مشاور و همچنین دانشجویان دکترای مشاوره سنجیده شد که اعتبار آن را تأیید نمودند. همچنین این پرسش نامه، توسط زابلی در سال ۱۳۸۳ بر روی ۴۶ نفر اجرا گردید و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲ گزارش شد (مرادی و ثنائی، ۱۳۸۵). دامنه نمرات برای هر مقیاس، بین ۵ تا ۲۵ می‌باشد. نمره ۵ نشان‌دهنده عدم تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض می‌باشد. دامنه نمرات برای کل آزمون، بین ۱۵ تا ۷۵ می‌باشد که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه می‌باشد (همان). در این پژوهش حاضر نیز برای تعیین پایایی این پرسش نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل آزمون ۰/۸۰ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۷۶، پرخاشگری کلامی ۰/۷۱ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۴ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی این پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات متغیرهای پژوهش

تعداد	حداکثر نمره	حداقل نمره	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری
					متغیر
۲۰۰	۲۵	۸	۳/۵۱	۱۶/۴۷	راهبرد مبتنی بر استدلال
۲۰۰	۲۵	۴	۴/۵۸	۱۱/۸۴	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری کلامی
۲۰۰	۱۶	۰	۳/۵۳	۵/۲۳	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی
۲۰۰	۱۴۵	۵۰	۲۴/۰۳	۹۱/۰۳	تنظیم هیجانی
۲۰۰	۱۰۰	۳۶	۱۷/۵۱	۷۰/۱۳	اعتقادات مذهبی

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش:

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرها

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	راهبرد مبتنی بر استدلال	۱				
۲	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری کلامی	**۰/۸۳۷-	۱			
۳	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی	**۰/۵۱۲-	**۰/۵۰۴	۱		
۴	اعتقادات مذهبی	**۰/۸۴۴	**۰/۷۸۰-	**۰/۵۴۳-	۱	
۵	تنظیم هیجانی	**۰/۸۲۸	**۰/۷۶۲-	**۰/۴۹۷-	**۰/۸۲۸	۱

$$p=۰/۰۰۱**$$

طبق جدول شماره ۲، نشان داده شده است که بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبرد استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبرد پرخاشگری کلامی و همچنین بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبرد پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مورد تأیید واقع شد؛ یعنی با افزایش تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی میزان استفاده از راهبرد حل تعارض استدلال افزایش و راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۳. ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین با راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۸۷۶	۰/۷۶۸	۳۲۶/۱۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۲	۶/۸۲۷	۰/۰۰۰۱
اعتقادات مذهبی					۰/۵۰۶	۸۳۷۸	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. متغیر تنظیم هیجانی و متغیر اعتقادات مذهبی می‌توانند به‌طور مثبت و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان را پیش‌بینی کنند. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۷۶/۸٪ از واریانس راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

جدول شماره ۴ ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین با راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۸۰۸	۰/۶۵۳	۱۸۵/۰۵۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۳۷۳	-۵/۰۵۰	۰/۰۰۰۱
اعتقادات مذهبی					-۰/۴۷۳	-۶/۴۰۲	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید

می‌گردد. متغیر تنظیم هیجانی و متغیر اعتقادات مذهبی، می‌توانند به‌طور منفی و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان را پیش‌بینی کنند. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۶۵/۳٪ از واریانس راهبرد حل تعارض، مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

جدول شماره ۵. ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین (تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی)

با راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۵۵۰	۰/۳۰۳	۴۲/۷۵۶	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۵۸	-۱/۵۰۷	۰/۱۳۳
اعتقادات مذهبی					-۰/۴۱۳	-۳/۹۴۹	۰/۰۰۰۱

طبق جدول ۵، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. متغیر اعتقادات مذهبی می‌تواند به‌طور منفی و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان را پیش‌بینی کند. ولی متغیر تنظیم هیجانی نمی‌تواند به‌طور معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان را پیش‌بینی نماید. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۳۰/۳٪ از واریانس راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس فرضیات مطرح‌شده، این پژوهش به دنبال آن بود که مشخص نماید «آیا بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؟». طبق یافته‌های حاصل از این تحقیق، فرضیه اول: بین تنظیم هیجانی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. بین تنظیم هیجانی و راهبرد مبتنی بر استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین تنظیم هیجانی با راهبرد پرخاشگری کلامی و راهبرد پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش تنظیم هیجانی میزان استفاده از راهبرد حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های براون (۲۰۱۱)، کسکین (۲۰۰۸)، دلاولر رو و دیگران (۲۰۰۶)، اسپرینگر و دیگران (۲۰۰۶)، شاو، بی. و دیگران (۲۰۰۴)، دای و کیلدوف (۲۰۰۳)، آدابرادتیر و رافسون (۲۰۰۲)، ایمانی فرد و کامکار (۱۳۸۹)، نظامی (۱۳۸۸)، مرادی و ثنائی (۱۳۸۵) و بشارت و همکاران (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: کنترل هیجانی یک ویژگی شخصیتی است که در اشخاص گوناگون متفاوت است؛ یعنی افراد براساس میزان کنترلی که بر عواطف و هیجانات مثبت و منفی خود دارند، واکنش‌ها و رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. برای استفاده از استراتژی‌های حل تعارض نیز با توجه به میزان بالا یا پایین بودن کنترل هیجانی، به‌کارگیری استراتژی‌های حل مسئله و تعارض متفاوت است. اما هیچ‌گاه نباید نقش محیط را در ایجاد چنین کنترلی در فرد نادیده گرفت. در کل، افرادی که به میزان زیادی از پرخاشگری کلامی و بدنی استفاده می‌کنند و کنترل مناسبی در هنگام عصبانیت یا برخورد با تعارضات از خود نشان نمی‌دهند و به‌طور مداوم در مورد افراد مقابل، بخصوص افراد دارای قدرت پایین مثل فرزندان‌شان از برخورد فیزیکی و پرخاشگری کلامی استفاده می‌کنند، در واقع فرزند خود را نیز تربیت کرده که در مواقع مشابه از این رفتارها برای حل تعارضات پیش‌آمده استفاده نماید. چنین فرزندانی در دوران جوانی و بزرگسالی در موقعیت‌های متعارض با اعتقاداتشان، بخصوص در مقابل افراد زیردست، از این راهکارهای پرخاشگرانه و مخرب استفاده می‌کنند. این حالت طی مرور زمان گسترش یافته و در موقعیت‌های تعارض با والدین نیز نمایان می‌شود. از این رو، طبق نظر محققانی همچون اکلز و ویگفیلد (۲۰۰۲) و ریان و پیتربریج (۱۹۹۷)، ابراز جملات حمایت‌آمیز والدین به فرزندان هنگامی که آنها در حال انجام تکالیف یادگیری و حل تعارضات هستند، می‌تواند موجب آمادگی و افزایش انگیزش و پشتکار آنها در تکالیف و در نتیجه، گسترش رفتارهای خودتنظیمی هیجانی شده و از سوی دیگر مانع استفاده از راه‌حل‌های مخرب در رفع تعارضات گردد.

همچنین طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، بین اعتقادات مذهبی و راهبردهای حل تعارض فرد با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. در کل، بین اعتقادات مذهبی و راهکار استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین اعتقادات مذهبی با راهکار پرخاشگری کلامی و راهکار پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش اعتقادات مذهبی میزان استفاده از راهکار حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهکارهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه دوم تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های تحقیقات باتلر و دیگران (۲۰۱۰)، مسی (۲۰۱۰) و نووال (۲۰۱۰)، براندفوردر و دیگران (۲۰۰۸)، میلر و همکاران (۲۰۰۰) و خلدانپناهی و خاکسار بلساجی (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: طبق تحقیق افرادی همچون احمدی (۱۳۸۶) و پژوهش‌های مختلف دیگر که نشان می‌دهند اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی با آسیب‌پذیری کلی خانواده همبستگی منفی

داشته و کسانی که نگرش مثبتی نسب به مسائل دینی داشته و پایبندی عملی به مسائل مذهبی دارند، دارای سلامت خانوادگی بیشتری می‌باشند و از نظر خانوادگی راضی‌تر بوده و اعضای خانواده بدون اینکه از یکدیگر دور شوند، بر رفتار هم نظارت و کنترل دارند، می‌تواند بیانگر این نکته باشد که اعتقادات مذهبی در زمینه اینکه همیشه کسی ناظر بر رفتار مثبت و منفی انسان است و به آنها پاداش می‌دهد. در عین حال، استفاده از راهکارهای حل تعارض سفارش شده در آموزه‌های دینی مثل صحبت و گفت‌وگو در مورد مسئله تنش‌زا و عدم تصمیم‌گیری و یا سکوت کردن و کظم غیظ، در هنگام خشم و چنین سفارشات از سوی دین مبین اسلام، و از سوی دیگر، سفارش به عدم پرخاشگری و ناسپاسی در مقابل افرادی از جمله پدر و مادر و معلم، که برای رفاه و تعالی انسان تلاش می‌کنند، خود می‌تواند عاملی در استفاده از راهبرد استدلال و گفت‌وگو به هنگام برخورد با موضوعی باشد که موجب تعارض با والدین می‌شود، این نکته، خود می‌تواند تأییدکننده رابطه بین اعتقادات مذهبی و استفاده از راهکارهای حل تعارض استدلال و عدم به‌کارگیری راهکار پرخاشگری کلامی و فیزیکی باشد.

طبق یافته‌های حاصل از این تحقیق، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش تنظیم و کنترل هیجانی و استحکام اعتقادات مذهبی، میزان استفاده از راهکار حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهکارهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه سوم تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های *براون* (۲۰۱۱)، *باتلر* و دیگران (۲۰۱۰)، *براندفور* و دیگران (۲۰۰۸)، *مورگان* و همکاران (۲۰۰۶)، *اسپرینگر* و دیگران (۲۰۰۶)، *شاو، بی.* و دیگران (۲۰۰۴)، *دای* و *کیلدوف* (۲۰۰۳)، *فاریو و کیناست* (۲۰۰۲)، *ایمانی فرد و کامکار* (۱۳۸۹)، *نظامی* (۱۳۸۸) همخوانی دارد. بر این اساس، باید توجه داشت که افراد در زندگی روزانه خود بر پایه باورهای شخصی و دیدگاهی که درباره دیگران، خود (مثلاً من شایسته هستم)، جهان (مثلاً جهان عادلانه است)، و یا هر دو (مثلاً من می‌توانم جهان را تغییر دهم) دارند، رفتار می‌کنند. این باورها و دیدگاه‌ها، برای فرد یک سیستم معنایی شکل می‌دهد. این سیستم معنایی به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و براساس این معنادگی به انتخاب هدف و سپس، عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب شده بپردازد. مذهب می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای سیستم معنادگی فرد باشد. مؤلفه‌های سیستم معنادگی، که متأثر از مذهب هستند، شامل باورها، وابستگی‌ها، انتظارات و اهداف به‌عنوان نقطه مرکزی هیجانات و افعال فرد عمل می‌کنند (سیلبرمن، ۲۰۰۵، ص ۶۵۶). بنابراین، می‌توان گفت: چنانچه فرد دارای سطح دین‌داری افزون‌تری باشد، به تبع آن معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است که می‌تواند هیجانات شخص

را کنترل و تنظیم نماید. از سوی دیگر، این اعتقادات مذهبی و هیجانات مناسب و کنترل شده، در موقعیت‌های برانگیزاننده تعارض، فرد را کمک کرده تا بهترین تصمیم را برای حل آن گرفته و بهترین برخورد را با افراد برانگیزاننده تعارض، که می‌توانند والدین شخص باشند، اتخاذ نماید. در عین حال، آموزه‌های دینی بسیاری فرد را به احترام به والدین سفارش نموده‌اند، در صورتی که فرد از نظر اعتقادات مذهبی در سطح مناسب و رشدیافته‌ای قرار گرفته باشد، همین عامل در هنگام بروز تعارض با والدین، موجب کنترل هیجانی شخص شده و موجب به‌کارگیری بهترین راه‌حل یعنی استدلال، برای برطرف کردن تعارض با پدر و مادر می‌شود. این مسئله، خود می‌تواند دلیلی احتمالی در جهت تبیین این یافته که نشان می‌دهد، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین رابطه معنادار وجود دارد، باشد.

لازم به یادآوری است که در این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگر، محدودیت‌هایی وجود داشته است. نخست اینکه، برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه استفاده شد. با توجه به اینکه، پرسش‌نامه جنبه خودسنجی دارد و ممکن است در پاسخ‌ها حالت سوگیری وجود داشته باشد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی از روش مصاحبه نیز استفاده شود. همچنین نتایج این پژوهش، مربوط به دانشجویان واحد اهواز است. از این رو، تعمیم نتایج به افراد دیگر با محدودیت روبه‌روست. پیشنهاد می‌شود این تحقیق در سایر گروه‌ها مثل مقاطع سنی دیگر و در فرهنگ‌های مختلف بررسی شود. همچنین مطالعه حاضر یک پژوهش مقطعی و از نوع همبستگی است، این امر نتیجه‌گیری علت و معلولی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات بعدی، از روش تحلیل مسیر استفاده شود که روابط علت و معلولی در گذشته بررسی شود.

منابع

- احمدی، خدابخش، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده»، *علوم رفتاری*، سال اول، ش ۱، ص ۷-۱۶.
- آرین، سیده‌خدیجه، ۱۳۷۸، *بررسی رابطه بین دینداری و درمان دوستی ایرانیان مقیم کانادا*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسدی نوقانی و همکاران، ۱۳۸۴، *روان پرستاری*، تهران، بشری.
- آقازاده، محمد و علی احدیان، ۱۳۷۷، *مبانی نظری و کاربردهای آموزشی نظریه فراشناخت*، تهران، پیوند.
- امینیان، مریم، ۱۳۸۸، *رابطه تنظیم هیجانی، رخدادهای منفی زندگی و تصویر از بدن با اختلالات تغذیه در زنان و دختران شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ایمانی‌فرد، غف و منوچهر کامکار، ۱۳۸۹، «مقایسه خشونت خانگی و نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی» ۱۳۸۹، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۵۳-۶۸.
- باباپورخیرالدین، جلیل، ۱۳۸۱، *بررسی رابطه بین شیوه حل مسئله، شیوه حل تعارض و سلامت روان‌شناختی در میان دانشجویان*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهارم، ش ۳، ص ۷۴-۸۲.
- بکتابش، ماری و همکاران، ۱۳۸۴، «اثر گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای ۱۵-۱۶ ساله تهرانی» ۱۳۸۴، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۴ (۱۵)، ص ۹۳-۱۰۴.
- بولتون، رابرت، ۱۳۸۱، *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی): چگونه ابراز وجود کنید*، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران، رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۴، *روان‌شناسی نوجوانان*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- ثنایی، باقر و دیگران، ۱۳۸۷، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- حشمت‌السادات، بهرام، ۱۳۸۳، *رابطه والدین با فرزندان*، در: <http://mashregh.ws/read>
- حیدرئی، علیرضا و فرشته اقبال، ۱۳۸۹، «رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۵، ص ۱۱۱-۱۲۴.
- خدایپناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، *روان‌شناسی*، سال نهم، ش ۳ (پیاپی ۳۵)، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- خدایاری فرد، محمد و دیگران، ۱۳۸۷، «*رابطه دین‌داری و خودکنترلی پایین با استعداد سوء مصرف مواد در*

- دانشجویان» در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز. زابلی، پریسا و دیگران، ۱۳۸۴، «سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۱-۹۸.
- سموعی، راحله، ۱۳۸۲، *بررسی نوع، میزان و علل پدیده گسست ارتباطی بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی و اولیاء آنها در شهر اصفهان*، اصفهان، سازمان آموزش و پرورش.
- عسگری، پرویز و دیگران، ۱۳۸۸، «رابطه اعتقادات مذهبی و خوش‌بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۲۷-۳۹.
- کامرانی فکور، شهربانو، ۱۳۸۵، «شیوع خشونت‌های خانوادگی تجربه شده در کودکان فراری و غیرفراری»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۱۹۷-۲۱۸.
- مرادی، امید و باقر ثنائی، ۱۳۸۵، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعارضات والد-فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۰، ص ۲۳-۳۸.
- موحد، احمد، ۱۳۸۲، *بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، خوش‌بینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- نظامی، ماندانا سادات، ۱۳۸۸، *اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- نوابی‌نژاد، شکوه، ۱۳۷۷، *رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها*، چ ششم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- Bradford, K, & et al, 2008, When There Is Conflict, Interparental Conflict, Parent-Child Conflict, and Youth Problem Behaviors, *Journal of Family*, v. 1, 29 no. 6, p. 780-805.
- Brown, C. L, 2011, *The Effects of Parental Conflict and Close Friendships on Emotion Regulation in Adolescence*, Distinguished Majors Thesis, University of Virginia.
- Butler, M. H, & et al, 2010, Prayer as a Conflict Resolution Ritual: Clinical Implications of Religious Couples' Report of Relationship Softening, Healing Perspective, and Change Responsibility, *The American Journal of Family Therapy*, v. 30, p. 19-37.
- Day, D. V & Kilduff, K, 2003, "Self-monitoring personality and work relationships: individual difference in social network", In Barrick MR, Ryan AM (Eds), *personality and work: reconsidering the role of personality in organizations* (p. 205-228). San Francisco: Jossey-Bass.
- Eccles, J. S, & Wigfield, A, 2002, Motivational beliefs, values and goals, *Annual Review of Psychology*, v. 53, p. 109-132.
- Farber, E, Kinast, C, 2002, Violence in families of adolescent runaway, *Child Abuse and Neglect*, v. 63 (10), p. 295-299.
- Keskin, G, 2008, Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in

- adolescence, *Anadolu Journal of Psychiatry*, v. 9 (3), p. 139-147.
- Krause, N, 2003, Religious meaning and subjective wellbeing in late life, *The journal of Gerontology*, v. 58, p. 160-170.
- Lawler- Row, & et al, 2006, The role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal affiances, *Journal of counseling&development*, v. 84, p. 493-502.
- Messay, B, 2010, *The relationship between quest religious orientation, forgiveness and mental health*, Master thesis, University of Dayton.
- Morgan. P.D, & et al, 2006, Spiritual well-being, religious coping, and the quality of life of African American breast cancer treatment: a pilot study, Department of Nursing, *Fayetteville State University*, v. 17 (2), p. 7-73.
- Nuval, J. A, 2010, *The relationship of with intrinsic and extrinsic components of religiosity in in the older adult female*, Ph.D. dissertation, Indiana state University, Terre Haute, Indiana.
- Reiesch, S. K & et al, 2003, Communication approach to parentchild conflict: young adolescence to young adult, *Journal of Pediatric Nursing*, v. 18 (4), p. 244-256.
- Rice, F. D, 1996, *Intimate relation ships, marriage and family*, California. Cole.
- Robbins, S. P, 2006, Organizational behavior, Eleventh edition, Prentice- Hall Inc, *Journal of Psychology*, v. 1, p. 617-630.
- Ryan, R. M, & Pintrich, P. R, 1997, Should I ask for help? The role of motivation and attitudes in adolescents help seeking in math class, *Journal of Educational Psychology*, v. 89, p. 329-341.
- Shahrokni, H, 2002, Dealing with conflict, Management Development, *Journal of Psychology*, v. 34, p. 18-23.
- Shaw, B. A, & et al, 2004, Emotional support from parents early in life, aging, and health, *Journal of Psychology and Aging*, v. 19, p. 4-12.
- Silberman, I, 2005, Religion as a meaning system: implications for the new millennium, *Journal of social issues*, v. 61 (4), p. 641-663.
- Springer, A, & et al, 2006, Supportive social relationships and adolescent health risk behavior among secondary school students in EL Salvador, *Journal of Social & Medicine*, v. 62, p. 1628-1640.
- Stright, A. D, & et al, 2001, Instruction begins in the home: Between parental instruction and children s selfregulation in the classroom, *Journal of Educational Psychology*, v 93, p. 456-466.
- Tampson, R. A, 1994, Emotion regulation: A theme in search of definition, In N.A.Fox(Ed.), *the development of emotion regulatin: Biological and behavioral considerations* (p. 25-52). Chicago: the University of Chicago press.
- Vimz, B & pina, W, 2010, The assessment of emotion regulation: Improving construct validily in research on psychopathology in Yoth, *Journal of psychological Behaviour assessment, published online*, v.10 (1), P. 169-178.
- Zimmerman, B. J, & Martinez-Pons, M, 1988, Construct validation of a strategy model of student selfregulated learning, *Journal of Educational Psychology*, v. 80, p. 284-290.

راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آونمان پذیرفته می‌شود؛ ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید؛ ۳. در صورت تغییر نشانی، اداره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید؛ ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید؛ ۵. بهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشد؛ ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید.
<http://eshop.iki.ac.ir> فروشگاه الکترونیک

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	یکساله(ریال)	تکشماره(ریال)	از شماره تا شماره
۱	فصلنامه «معرفت فلسفی»	علمی - پژوهشی	۴۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۲	فصلنامه «روان‌شناسی و دین»	علمی - پژوهشی	۴۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۳	دوفصلنامه «قرآن شناخت»	علمی - پژوهشی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۴	فصلنامه «معرفت فرهنگی اجتماعی»	علمی - پژوهشی	۴۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۵	دوفصلنامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی - پژوهشی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۶	فصلنامه «معرفت ادیان»	علمی - پژوهشی	۴۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۷	دوفصلنامه «معرفت کلامی»	علمی - پژوهشی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۸	دوفصلنامه «معرفت سیاسی»	علمی - پژوهشی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۹	ماهنامه «معرفت»	علمی - ترویجی	۱۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۰	دوفصلنامه «معارف عقلی»	علمی - ترویجی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۱	دوفصلنامه «معرفت اخلاقی»	علمی - ترویجی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۲	دوفصلنامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی - ترویجی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۳	دوفصلنامه «تاریخ در آینه پژوهش»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۴	دوفصلنامه «پژوهش»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۵	دوفصلنامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۶	دوفصلنامه «حکمت عرفانی»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۷	دوفصلنامه «معرفت حقوقی»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	
۱۸	دوفصلنامه «معارف منطقی»	علمی - تخصصی	۲۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰	

نام نشریه:

مدت اشتراک:

مبلغ واریزی:

فرم درخواست اشتراک

اینجانب: استان: شهرستان:

خیابان / کوچه / پلاک:

کد پستی: صندوق پستی: تلفن: (ثابت)..... (همراه)..... ۰۹.....

متقاضی دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.

لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت به آدرس فوق ارسال فرمایید.

در ضمن فیش بانکی به شماره: مبلغ: ریال به پیوست ارسال می‌گردد.

امضا

ملخص المقالات

الفائدة العملية للأنموذج التعليمي المستند إلى المعنوية في مجال تحسين الأسس النوعية لدى الطلاب

يزدان موحدى / حائز على شهادة ماجستير في علم النفس - جامعة تبريز
كلثوم كريمى نجاد / حائزة على شهادة ماجستير في الاستشارة الأسرية
تورج هاشمى نصرت آبادى / أستاذ مشارك في فرع علم النفس - جامعة تبريز
معصومة موحدى / حائزة على شهادة ماجستير في الاستشارة الأسرية
الوصول: ٢٠ رجب ١٤٣٤ - القبول: ٦ ذىحجة ١٤٣٤
yazdan_movahedi@yahoo.com
masumemovahedi@yahoo.com

الملخص

الهدف وراء تدوين هذه المقالة هو دراسة مدى تأثير الأنموذج التعليمي المستند إلى المعنوية على تحسين الأسس النوعية للحياة بين التلاميذ، حيث شملت ٤٠ طالبة من بين ٤٦٠ ألف طالبة ثانوية في مدينة خرم آباد حيث تم تقسيمهن إلى فئتين متساويتين (٢٠ طالبة) إحداهما فئة اختبارية والأخرى فئة سيطرة، وقد أجريت المداخلة العلمية عليهم وفق أطر التعليم المعنوي خلال ٨ جلسات كل واحدة استغرقت تسعين دقيقة بمعدل جلسة واحدة في كل أسبوع وذلك بعد انتهاء الجلسات التعليمية لنوعية الحياة. وبعد مضي شهرين أجرى اختبار نوعية الحياة على الفئتين كدورة متابعة. تحليل المعطيات الذي تمّ اعتماداً على تحليل كو - فاريانس قد أثبت وجود اختلاف معتبر بين متوسط درجات ما بعد الاختبار لفئتي السيطرة والاختبار بمعدل ($P < 0/01$) بحيث إنّ المداخلة المستندة إلى التعليم المعنوي تنجم عن تحسين الأسس النوعية للحياة في فئة الاختبار. ونظراً للتأثير الإيجابي الذي تلعبه المعتقدات والأعمال الدينية في السلامة النفسية لذلك تجدر الاستفادة من القابليات في برنامج الصحة النفسية ولا سيما بين الطلاب.

الكلمات المفتاحية: التعليم المعنوي، نوعية الحياة، الطلاب.

دراسة مدى تأثير التعليم الجماعي بمنهج توحيدى تام على التقليل من عدائية السجناء الرجال في سجن مدينة شهرکرد المركزى

omidian.mehdi@yahoo.com

مهدى أميديان / طالب دكتوراه فى علم النفس العام - جامعة سمنان

m_akbari@pnu.ac.ir

مهناز على أكبر دهكردي / أستاذة مشاركة فى فرع علم النفس - جامعة بيام نور

omidebaran42@yahoo.com

سبحان پور نيك دست / حائزة على شهادة ماجستير فى علم النفس - جامعة بيام نور فى طهران

tmohtasham@gmail.com

طبية محتشمي / حائزة على شهادة ماجستير فى علم النفس - جامعة بيام نور فى طهران

الوصول: ١٣ رجب ١٤٣٤ - القبول: ٢٤ ذيقعدة ١٤٣٤

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة مدى تأثير التعليم الجماعى بمنهج توحيدى تام على التقليل من عدائية السجناء الرجال فى سجن مدينة شهرکرد المركزى، وهى عبارة عن دراسة اختبارية على مجموعة السيطرة التى يتألف نطاقها الإحصائى من جميع السجناء الرجال فى سجن مدينة شهرکرد المركزى فى عام ١٣٩١هـ ش وقد شملت عينة البحث ٤٠ سجيناً تم اختيارهم بطريقة عنقودية عشوائية بسيطة ومتعددة المراحل وبالتالي قسموا إلى فئتين متساويتين (٢٠ سجيناً) إحداهما كمجموعة للسيطرة والأخرى كمجموعة للاختبار. ولتقييم معطيات البحث اعتمد الباحثون على استبيان عام للعدائية (AGQ) ومن ثم طبق على أعضاء فئة الاختبار برنامج تعليمى جماعى بأسلوب توحيدى استغرق ١٢ جلسة ومدة كل واحدة بلغت ساعة ونصف. وبعد انتهاء المداخلة العلاجية التى تلى الاختبار وبعد مضى شهر أدت الفئتان اختبار المتابعة. أما نتائج البحث فقد أثبتت وجود اختلاف معتبر بين متوسط درجة العدائية لدى الفئتين فى المرحلة التالية للاختبار والمتابعة، لذا يمكن القول إن التعليم الجماعى بأسلوب توحيدى تام له تأثير على تقليل مدى العدائية لدى السجناء الرجال فى سجن مدينة شهرکرد المركزى.

الكلمات المفتاحية: العدائية، العلاج التوحيدى التام، السجناء الرجال.

دراسة نقدية حول نظريات اختيار شريك الحياة

هادى حسين خانى نائينى / أستاذ مساعد، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم والبحوث
مسعود جان يزركى / أستاذ مشارك فى فرع علم النفس - مركز دراسات الحوزة والجامعة
بهروز مهراى / أستاذ مساعد، جامعة فردوسى، (مشهد)
الوصول: ٢٠ ذيقعه ١٤٣٣ - القبول: ٢٩ ربيع الثانى ١٤٣٤

الملخص

إن الإحصائيات التى تشير ارتفاع نسبة الطلاق فى السنوات الأولى من الحياة الزوجية تدلّ على أنّ الاختيار الخاطئ هو أحد أسباب عدم انسجام الزوجين وانعدام التفاهم بينهما، وعلى هذا الأساس فإنّ اختيار شريك الحياة يعتبر أمراً مصيرياً فى حياة كلّ إنسان. الهدف من تدوين هذه المقالة هو طرح نظريات المساواة الزوجية والتناظر والحاجات المتممة والمبادلة، وتناولها بالنقد والتحليل وذلك وفق منهج بحث تفصيلى - تحليلى، حيث اعتمد الباحثون على القواعد التجريبية والمصادر الإسلامية لنقد هذه النظريات. وقد أكدت التعاليم الإسلامية على المساواة بين الزوجين حسب الأصول الدينية والتنسيق فى مسألة التدين وفى بعض الميزات الخلقية كالعفة ولم تؤكد على أهمية أبعاد المساواة من حيثيات الأخرى.

الكلمات المفتاحية: الزواج، اختيار الشريك، نظريات اختيار الشريك.

أسباب البهجة في الزواج

sey110@hotmail.com

محمد سجّاد صيدى / طالب دكتوراه في فرع الاستشارة - جامعة الخوارزمي

علي محمد نظري / أستاذ مساعد في فرع الاستشارة - كلية العلوم التربوية وعلم النفس بجامعة الخوارزمي

محمد إبراهيمي / طالب ماجستير في فرع الاستشارة التأهيلية - جامعة العلوم الطبيعية والتأهيلية

الوصول: ٨ ذيقعه ١٤٣٤ - القبول: ١٨ ربيع الثاني ١٤٣٥

الملخص

تمّ تدوين هذه المقالة بهدف تعيين دور استراتيجيات الحفاظ على الصلة وعلاقة معالجة المسألة والاعتقاد بقدسية الزواج في البهجة الزوجية، وقد أجرى اختبار الدور الوسيط للمتغيرات الارتباطية على ٣٥٨ زوجاً من مدينة مريوان بطريقة انعقاد العينة المتوفرة، ووسائل البحث عبارة عن: ارتباط معالجة مسألة الأسرة (FPSCI)، معيار القدسية الزوجية، معيار العلاقة في الأسرة (FCS)، البهجة الزوجية (MHS). وقد اعتمد على تحليل فاريانس الأحادي وتحليل الاتجاه لاختبار الفرضيات، أما نتائج البحث فقد أثبتت أن الاعتقاد بقدسية الزواج تؤدي إلى الاستفادة من الاستراتيجيات الفكرية الإيجابية بشكل أوسع والراحة والطمأنينة وتطبيب الخاطر والتلاحم الاجتماعي وتقسيم الوظائف والنصيحة والسيطرة على التعارض. فهذا الاعتقاد يؤدي إلى ارتفاع مستوى العلاقة المناسبة وتقليص مدى العلاقة النارية، كما تمّ تأييد واسطة استراتيجيات الحفاظ على الصلة والعلاقة في معالجة المسألة. لذا يمكن القول إن عقيدة الإنسان بقدسية الزواج هي عقيدة معرفية مفيدة ومن شأنها سوق العلاقة الزوجية نحو بيئة آمنة للرفق والفخر لدى الزوج.

الكلمات المفتاحية: تقديس الزوجية، استراتيجيات الحفاظ على العلاقة، صلة معالجة المسألة، البهجة الزوجية.

دراسة تأثير العلاج الزوجي الإسلامي على العلاقة الزوجية الحميمة

amahmudzadeh@ymail.com

hosseinian@alzahra.ac.ir

sahmad@edu.ui.ir

كأعظم محمود زاده / حائزة على شهادة ماجستير في الاستشارة - جامعة خام بطهران

سيمين حسينيان / مدرسة في فرع الاستشارة - جامعة الزهراء

السيد أحمد الأحمدي / مدرس في فرع الاستشارة - جامعة أصفهان

مريم فاتحي زاده / أستاذة في فرع الاستشارة - جامعة أصفهان

الوصول: ٦ ذيحجه ١٤٣٤ - القبول: ٣ جمادى الأولى ١٤٣٥

الملخص

يتمحور البحث في هذه المقالة حول دراسة تأثير العلاج الزوجي الإسلامي على العلاقة الزوجية الحميمة، ومنهج البحث الذي اتبعه الباحثون لدراسة مجموعة السيطرة لعينة البحث هو شبه تجريبي على أساس ما قبل الاختبار وما بعد الاختبار حيث تبلغ هذه العينة ٢٠ زوجاً من المراجعين إلى المراكز الاستشارية في محافظة أصفهان إيران عام ١٣٨٨هـ ش. وقد تمّ تعيينهم بشكل عشوائي وصنفوا في فئتين متساويتين (١٠ أزواج كفئة سيطرة - ١٠ أزواج كفئة اختبار). أما معطيات البحث فقد أثبتت أنّ العلاج الزوجي الإسلامي يرفع من مستوى العلاقة الحميمة والمحبة الزوجية (العلاقة العاطفية والعلاقة والارتباط البدني والاجتماعي والترفيهي والديني والنفسي) وذلك بنسبة ($P < 0.01$)، كما أثبتت النتائج أنّ تأثير هذا النوع من العلاج متساو لدى كلا الجنسين. ونظراً لأهمية العلاقات الحميمة في الشعور بالرضا الزوجي، ونظراً لتأثير الثقافة الإسلامية من ناحية أخرى فإنّ تعلم الأزواج المفاهيم الشاملة والأصيلة والمضمونة للدين الإسلامي له فائدة عظيمة بالنسبة إليهم. الكلمات المفتاحية: التعاليم الإسلامية، العلاج الزوجي، العلاقة الزوجية الحميمة.

تأثير تعليم مشروع "الأمل" فى رفع مستوى الحيوية الفاعلة لدى السجناء

كـ حسين رادى / طالب ماجستير فى علم النفس السريرى - جامعة آزاد الإسلامية / فرع العلوم والبحوث radi.hossein@yahoo.com

شهram وزيرى / أستاذ مساعد فى جامعة آزاد الإسلامية - فرع رودهن

فرح لطفى كاشانى / أستاذة مساعدة فى جامعة آزاد الإسلامية - فرع رودهن

الوصول: ١٥ ذىحجه ١٤٣٤- القبول: ١٣ جمادى الاول ١٤٣٥

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة مدى تأثير تعليم مشروع "الأمل" فى رفع مستوى الحيوية الفاعلة لدى المعينين السجناء، ولهذا الغرض تم اختيار ٣٢ سجيناً من معينى سجن مدينة قم المركزى بطريقة العينة المتاحة وقسموا إلى فئتين بشكل عشوائى حيث بلغت كل فئة ١٦ سجيناً كفئة اختبار و١٦ سجيناً كفئة شاهدة حيث أجرى عليهم اختبار على أساس معيار الرضا من الحياة ومعيار البهجة الفاعلة قبل وبعد الاختبار، والمعايير التى اعتمد عليها فى هذه الدراسة هى عبارة عن: (١) كون عينة البحث من الشباب (٢) معرفتهم بأصول القراءة والكتابة ولو بشكل محدود (٣) حصولهم على حافز العفو أو الإجازة فى نهاية فترة حكمهم (٤) عدم اشتراكهم فى مشروع "الأمل" الذى يجرى فى مختلف سجون البلد. وقد طبق مشروع "الأمل" على فئة الاختبار فى ١٢ جلسة، وأشارت معطيات تحليل كو-فاريانس أن تعليم هذا المشروع له تأثير على رفع مستوى الأسس الحيوية الفاعلة كالرضا من الحياة والبهجة الفاعلة لدى المعينين بحيث إنه بعد تعديل درجات ما قبل الاختبار بين الفئتين بعد المداخلة توصل الباحثون إلى وجود اختلاف معتبر يبلغ مستوى (P= 0/000). وهذا المشروع أيضاً يؤدي إلى رفع الرضا من الحياة والبهجة الفاعلة بنسبة ٦٠ بالمئة و٤٨ بالمئة على الترتيب.

الكلمات المفتاحية: الأمل، الرضا من الحياة، البهجة الفاعلة.

علاقة التنظيم الانفعالي والمعتقدات الدينية مع استراتيجيات معالجة معارضة الوالدين من قبل طلاب جامعة آزاد الإسلامية في مدينة الأهواز

كهر برونز عسكري / أستاذ مساعد في فرع علم النفس - جامعة آزاد الإسلامية في مدينة الأهواز askary47@yahoo.com
سحر صفر زاده / عضوة الهيئة التعليمية في فرع علم النفس - جامعة آزاد الإسلامية في مدينة الأهواز safarazadeh1152@yahoo.com
الوصول: ٤ رمضان ١٤٣٤ - القبول: ٧ صفر ١٤٣٥

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة علاقة التنظيم الانفعالي والمعتقدات الدينية مع استراتيجيات معالجة معارضة الوالدين من قبل طلاب جامعة آزاد الإسلامية في مدينة الأهواز، ونطاق البحث يشمل جميع طلاب جامعة آزاد الإسلامية في مدينة الأهواز للعام الدراسي ١٣٩١ - ١٣٩٢ هـ ش. أما عينة البحث فقد تضمنت ٢٠٠ شخص (١٠٠ طالب - ١٠٠ طالبة) تم اختيارهم بشكل عشوائي متدرج. وقد تم تحليل النتائج وفق معدل ترابط (بيرسون وريجرسون) المتعدد في مستوى معتبر يبلغ (٠/٠٠٠١ P) حيث أثبتت أن التنظيم الانفعالي والمعتقدات الدينية له ارتباط متعدد الجوانب مع استراتيجيات معالجة معارضة الوالدين لدى طلاب الجامعة، وكذلك أثبت تحليل ريجرسون أن التنظيم الانفعالي والوحدة من شأنهما أن يكونا عاملاً مناسباً لتغيير معيار العدائية الحركية.

الكلمات المفتاحية: التنظيم الانفعالي، المعتقدات الدينية، استراتيجيات معالجة معارضة الوالدين، طلاب الجامعة.

The Relationship of Emotional Adjustment and Religious Beliefs with Strategies for Resolving Conflict with Parents among the Students of Ahwaz Azad Islamic University

✉ **Parviz 'Asgari** / Assistant professor of psychology department, Ahwaz Azad Islamic University.

askary47@yahoo.com

Sahar Safarzadeh / Faculty member of psychology department, Ahwaz Azad Islamic University.

Received: 2013/7/14- Accepted: 2013/12/11 safarzadeh1152@yahoo.com

Abstract

The present paper aims at investigating the relationship of emotional adjustment and religious beliefs with the strategies for resolving conflict with parents among students of Ahwaz Azad Islamic University. The statistical population includes all the students of Ahwaz Azad Islamic University in the academic year of 1391-1392 solar (2012-2013), among whom 200 students (100 male and 100 female students) were selected as sample through random classified sampling. The data analysis by Pearson's correlation coefficient and multiple regression at the significance level of $p < 0.0001$ shows that there is a significant relationship between emotional adjustment and religious beliefs with the strategies for resolving conflict with parents among students. Furthermore, the relationship of emotional adjustment and religious beliefs with strategies of resolving conflict with parents is multiple among students. In the mean time, regression analysis shows that emotional adjustment and religious beliefs are better predictors for the variables of strategy of argumentation and verbal aggression, respectively, and that religious beliefs are only good predictors for the variable of the criterion for the strategy of physical aggression.

Key words: emotional adjustment, religious beliefs, strategies for resolving conflicts with parents, university students.

The Effectiveness of Implementing the Project of Hope on Increasing Prisoners' Subjective Well-being

✉ **Hussein Radi** / M.A student of clinical psychology, Arak Azad Islamic University, sciences and research unit radi.hossein@yahoo.com

Sharam Vaziri / Assistant professor of Rood-e-hen Azad Islamic University

Farah Lotfi Kashani / Associate professor of Rood-e-hen Azad Islamic University

Received: 2013/10/21- Accepted: 2013/3/16

Abstract

The present paper seeks to investigate the effectiveness of teaching the project of hope on the promotion of subjective well-being of prisoners in need of help and correction. To this end, 32 prisoners were selected from prisoners in Qom central prison and were randomly divided into experiment group (16 prisoners) and control group (16 prisoners). They completed the scales of life satisfaction and subjective happiness. The criteria of input and output of this research include: 1- subjects being young; 2- having least literacy; 3- granted forgiveness or vacation at the end of prison; 4- not participating in the project of hope in prisons of the country. The hope project was implemented for experiment group. The covariance analysis of the data shows that teaching the project of hope is influential in increasing the constructs of subjective well-being such as life satisfaction and subjective happiness of prisoners, such that having moderated the scores of pretest between two groups after intervention, there was a significant difference in the factors of life satisfaction and subjective happiness ($p=0/000$). Furthermore, the project of hope increases life satisfaction and subjective happiness %60 and %48, respectively.

Key words: hope, life satisfaction, subjective happiness.

An Investigation on the Effect of Islamic Couple Therapy on the Intimacy in Marriage

✉ **A'zam Mahmudzadeh** / MA of counseling, Khatam al-Anbia' University, Tehran
amahmudzadeh@ymail.com

Simin Husseinian / Professor of counseling department, Al-Zahra University.
hosseinian@alzahra.ac.ir

Seyyed Ahmad Ahmadi / Professor of counseling department, Isfahan University.
sahmad@edu.ui.ir

Maryam Fatehizadeh / Associate professor of counseling department, Isfahan University

Received: 2013/10/12- Accepted: 2013/3/6

Abstract

The present paper was conducted with the aim of investigating the effect of couple therapy on intimacy in marriage. It is a semi-experimental research with a pretest and a posttest for its control group. The sample includes 20 couples who visited counseling centers in Isfahan in 1388 solar (2009) and were randomly divided into experiment group (10 couples) and control group (10 couples). The results show that Islamic couple therapy increases intimacy in marriage and its dimensions (affective, communicative, physical, social-entertainment, religious and psychological intimacy- $p < 0.01$). The effect of Islamic couple therapy is the same for men and women. Given the importance of intimate relationships in marriage satisfaction on the one hand, and Islamic culture of our country on the other, it can be useful to teach comprehensive and authentic teachings of Islam to couples.

Key words: Islamic teachings, Islamic couple therapy, intimacy in marriage.

Factors of Happiness in Marriage

✉ **Mohammad Sajjad Seidi** / PhD student of counseling, Khwarizmi University. sey110@hotmail.com

Ali Mohammad Nazari / Associate professor of counseling department, college of educational sciences and psychology, Khwarizmi University

Mohammad Ibrahimi / MA student of rehabilitation counseling, university of well-being sciences and rehabilitation

Received: 2013/9/15- Accepted: 2014/2/19

Abstract

The present paper was conducted with the aim of determining the role of strategies of maintaining relationship, the relationship of problem-solving and belief in the holiness of marriage in marriage happiness, and examining the mediator role of communicative variables. To this end, a sample including 358 married individuals in Marivan were selected from available population. Research tools include family problem solving communication index, the scale of the holiness of marriage, family communication scale, and marriage happiness scale. The hypotheses were examined by using one way variance analysis and path analysis. The results show that belief in the holiness of marriage results in more use of positivistic strategies, openness and being easy, giving confidence, social networks, division of responsibilities, advising and management of conflict, and promotes affirmative relationship and decreases conflicting relationship. Furthermore, the mediator role of strategies of maintaining relationship and problem solving was confirmed. Therefore, it can be said that individuals' belief in the holiness of marriage is a useful cognitive belief which can make marriage a safe environment for growth and proliferation.

Key words: holiness of marriage, strategies of maintaining relationship, the relationship of problem solving, marriage happiness.

A Review and Criticism of Theories of Mate Selection

✉ **Hadi Husseinkhani Na'ini** / Assistant professor, IKI h.hosseinkhani@yahoo.com
Mas'ood Janbozorgi / Associate professor, Hawzeh & University Research Center janbo@rihu.ac.ir
Behrooz Mahram / Assistant professor, Ferdowsi University.
Received: 2012/10/7- Accepted: 2012/3/12

Abstract

High statistics of divorce among couples at the early years of their joint life shows that wrong mate selection is one of the influential factors for maladjustment and misunderstanding between couples. Accordingly, mate selection is regarded a decisive stage in every individual's life. Using a descriptive-analytical method, the present paper discusses the theory of homogamy, the hypothesis of similarity, the theory of complementary needs, and the theory of exchange. Then it reviews and criticizes them. In addition to empirical findings, Islamic sources are used to criticize these views. It seems that religious homogamy, harmony in religiosity of spouses and other moral characteristics such as chastity are emphasized in Islamic view, while other dimensions of homogamy are deemphasized.

Key words: marriage, mate selection, theories of mate selection.

A Review of the Effectiveness of Collective Education through Monotheistic Integrated Method on Decreasing Aggressive behaviors of Male Prisoners in Central Prison of Shahr-e-Kurd

✉ **Mahdi Omidian** / PhD student of general psychology, Semnan University omidian.mehdi@yahoo.com

Mahnaz Aliakbar Dehkurdi / Associate professor of Payam-e-Noor University.

Sobhan poornikdast / MA of psychology, Tehran Payam-e-Noor University.

Tayyebah Mohtashami / MA of psychology, Tehran Payam-e-Noor University.

Received: 2013/5/25- Accepted: 2013/10/1

Abstract

The present paper seeks to study the effectiveness of collective education through monotheistic integrated method on decreasing aggressive behaviors of male prisoners in central prison of Shah-re-Kurd. It is an experimental research with control group, whose statistical population includes all male prisoners in central prison of Shahr-e-Kurd in 1391 (2013), among whom 40 prisoners were selected through multi-stage sampling and divided into an experiment and a control group randomly. Aggression general questionnaire was used as a tool of screening. Then twelve sessions (each 90 minutes) of a collective education program through monotheistic integrated method were offered to experiment group. A posttest after therapeutic intervention and a follow up test after 30 days were given to both groups. The results show that there is a significance difference between the mean score of aggression of two groups in posttest and follow up. So, it can be said that collective education through monotheistic integrated method decreases aggressive behaviors of male prisoners in central prison of Shahr-e-Kurd.

Key words: aggression, monotheistic integrated therapy, male prisoners.

Abstracts

The Effectiveness of an Educational Model Based on Spirituality on Improving the Components of Life Quality in High School Students

✉ **Yazdan Movahhedi** / MA of psychology, Tabriz University yazdan_movahedi@yahoo.com

Kulsoom Kariminezhad / MA of family counseling

Tooraj Hashemi Nosratabadi / Associate professor of psychology department, Tabriz University

Ma'soomeh Movahhedi / MA of family counseling

Received: 2013/6/1- Accepted: 2013/10/12

Abstract

The present paper aims at investigating the effectiveness of an educational model based on spirituality on the improving the components of life quality in high school students. The statistical population includes 460 female high school students in Khorramabad, among whom 40 were selected as sample and divided into experiment and control group (each 20 students). Intervention based on teaching spirituality in 8 sessions for 8 weeks (each 90 minutes) was made. After these sessions, both groups took the test of life quality. Two months later, both groups retook the test of life quality as follow up. The data was analyzed by covariance analysis, which show the there is a significance difference between mean scores of posttest for experiment group and control group ($p < 0.01$). So, intervention based on teaching spirituality improved life quality in experiment group. Given the positive effect of religious beliefs and acts on mental health, it is recommended to use these capacities in planning measures for mental hygiene, especially for students.

Key words: teaching spirituality, life quality, students.

Table of Contents

The Effectiveness of an Educational Model Based on Spirituality on Improving the Components of Life Quality in High School Students / ✎

Yazdan Movahhedi / Kulsoom Kariminezhad / Tooraj Hashemi Nosratabadi / Ma'soomeh Movahhedi 5

A Review of the Effectiveness of Collective Education through Monotheistic Integrated Method on Decreasing Aggressive behaviors of Male Prisoners in Central Prison of Shahr-e-Kurd / ✎ Mahdi Omidian /

ahnaz Aliakbar Dehkurdi / Sobhan poornikdast / Tayyebeh Mohtashami 17

A Review and Criticism of Theories of Mate Selection / ✎ Hadi

Husseinkhani Na'ini / Mas'ood Janbozorgi / Behrooz Mahram 31

Factors of Happiness in Marriage / ✎ Mohammad Sajjad Seidi / Ali Mohammad

Nazari / Mohammad Ibrahim 47

An Investigation on the Effect of Islamic Couple Therapy on the Intimacy in Marriage / ✎ A'zam Mahmudzadeh / Simin Husseinian / Seyyed

Ahmad Ahmadi / Maryam Fatehizadeh 59

The Effectiveness of Implementing the Project of Hope on Increasing Prisoners' Subjective Well-being / ✎ Hussein Radi / Sharam Vaziri / Farah Lotfi

Kashani 71

The Relationship of Emotional Adjustment and Religious Beliefs with Strategies for Resolving Conflict with Parents among the Students of Ahwaz Azad Islamic University / ✎ Parviz 'Asgari / Sahar Safarzadeh 81

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol.7, No.1

Spring 2014

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Translation of Abstracts: *Language Department of IKI*

Editorial Board:

- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☐ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*
- ☐ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☐ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir
